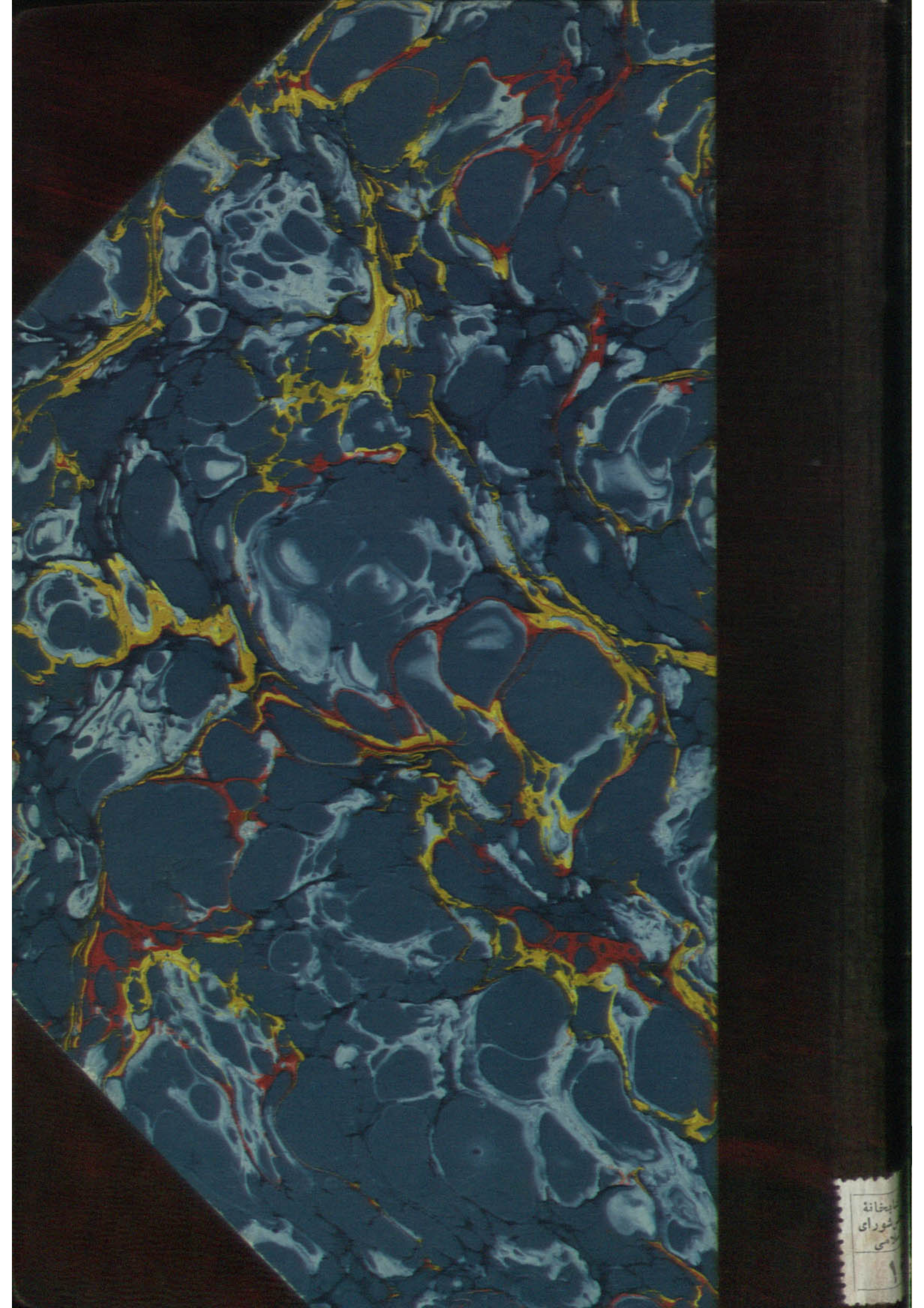
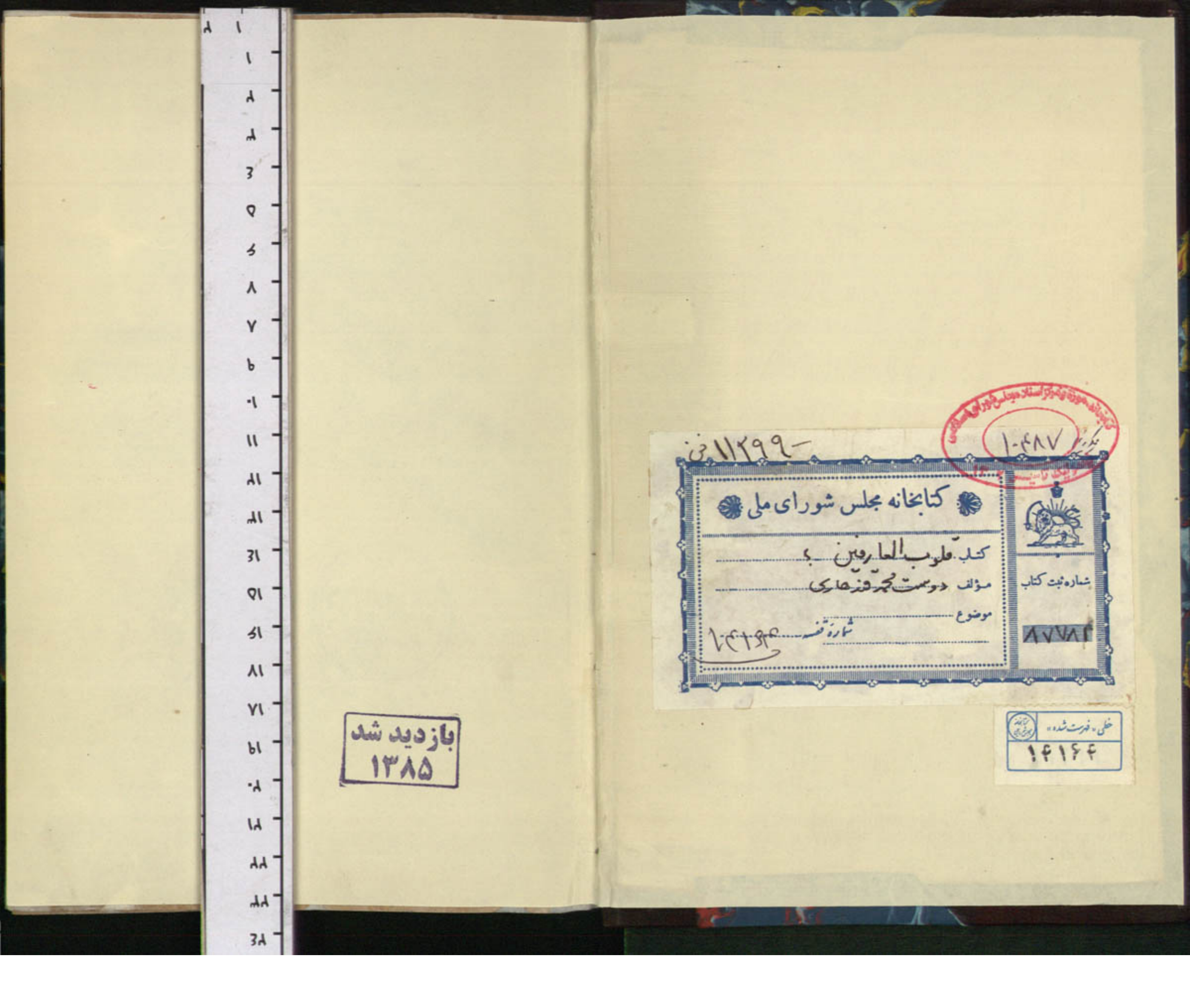
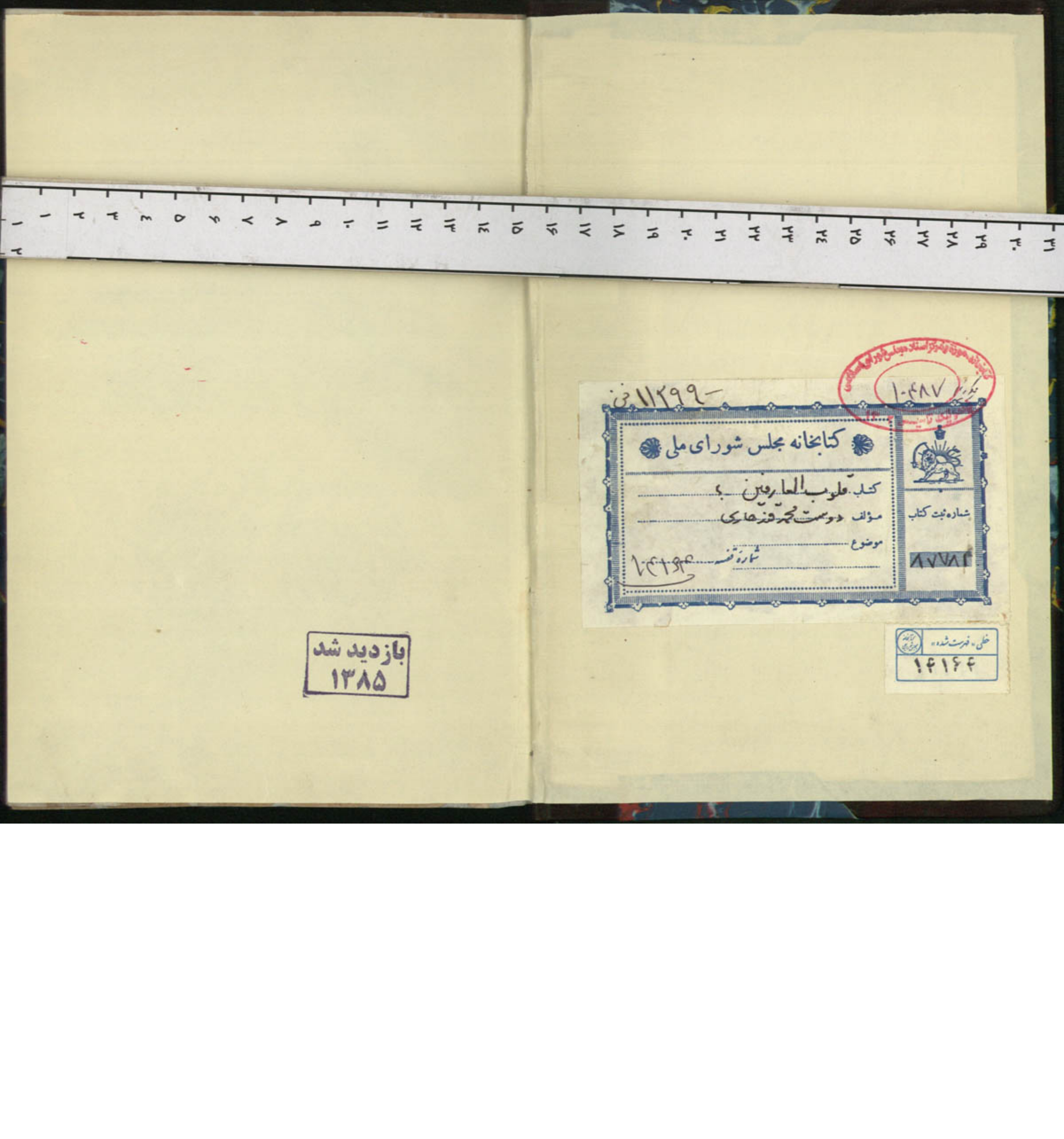



کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب قلوب العارفین
مؤلف دوست محمد قندهاری
موضوع
شماره قفسه
شماره ثبت کتاب
۸۷۷۸۲
بازدید شد
۱۳۸۵
خطی «فهرست شده»
۱۴۱۶۴







والله المستعان علی ما تصفون

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی نور قلوب الطالبین الصادقین السالکین بذکر اسماء ذاته وصفاته و بقاء
قلوب العاشقین المحبین المخلصین بتلاوة قراءته و آیاته و احکامه و تجلی قلوب العارفین الکاملین
المکملین بتجلیات اسمائه و صفاته و تجلیات ذاته المنزه فی تنزیهه عن صفات النقص و الزوال
و عن الکیف و الکم و عن الاتصال و الانفصال و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد
ان محمدا عبده و رسوله و حبیبه و صلی الله علی خیر خلقه البریة محمد و آله و اصحابه اجمعین
هو لها اهل و هم لها اهل آمین یا رب العالمین اما بعد میگوید عبد الضعیف العاصی دوست محمد قندهاری
که مرا در اوائل حال محبت فقرا بسیار بود اما بطلب علم ظاهری مشغول بودم گاه گاه بزیارت ایشان
میرفتم و دعا میگرفتم و قدری که علم صرف و نحو و غیری از کتب ابتدائی علم منطق خواندم دلم بخواندن علم
ظاهر رغبت نمیکرد در آن وقت در شهر کابل بودم ناگاه یکی از [illegible] در سینه من [illegible]
درد بیهوش شدم بقول برادران تا سیزده روز بیهوش افتاده بودم بعد از آن بهوش آمدم و ذکر
الله هو و سبحان الله بجهر و اخفی میکردم و آه پر سوز و نعره جانسوز میزدم و نمیدانستم که این
چه حالت است پس در آن وقت در حدود پشاور یکی شیخ بودند قدس الله سره بسوی او روانه شدم
و [illegible] بر او رسیدم و ملاقات کردم آن ذوق و شوق سابقه تمام مضطرب الحال شدم باز روی

بسیاحت نهادم و بخاطر عزم سفر بطرف بغداد و بقصد زیارت غوث الثقلین شیخ عبد القادر
جیلانی قدس الله سره العزیز گردانیدم چون بزیارت روضه مقدسه پر نور او مشرف شدم چند وقت
در خانقاه شریف او بودم اما از آن اضطرابات و تشویشات بر نیامدم آخر در ملک کردستان
در شهر سلیمانیه کسی صفت شیخ عبد الله هراتی قدس الله سره بسمعم رسانید پس خود را در آنجا رسانیدم
چون بزیارت شیخ مشرف شدم مدت دو سه ماه در حلقه او حاضر میشدم دلم سوز تسکین نیافت
یکی از شیخ عبد الله [illegible] فرمودند که شما در خدمت شیخ ابو سعید صاحب قدس الله سره الاقدس بروید
که خلیفه شاه صاحب است در ملک هندوستان در شهر دهلی از آنجا عزم هندوستان کردم [illegible]
الحال الیوم کرده ام [illegible] پس مراجعت بغداد کردم [illegible] شیخ محمد جدید قدس الله سره چند روز
در آنجا بودم بعده به بصره آمدم در خدمت شیخ حسین دوسری قدس الله سره هفت ماه در نزد شیخ
بودم پس از آنجا روانه شدم [illegible] شیخ [illegible] دعا میگرفتم و [illegible]
و برای توجه در حلقه این بزرگواران می نشستم و لکن بیعت ظاهر از این بزرگواران نکردم تا که
بوطن بلوچ در قلات نصیر خان رسیدم در آنجا التجا و تضرع بجناب کبریا بسیار نمودم و بی استخاره
کردم خوابهای خوبی آمد آخر الامر عزم مصمم دهلی شریف شد براه دریا روانه شدم در بمبئی
رسیدم در آنجا حضرت شیخ الشیوخ حضرت شاه ابو سعید صاحب تشریف آورده بودند بطرف حج میرفتند
بدست ایشان بیعت کردم [illegible] اضطراب [illegible] همان حالی اول بودم بلکه زیاده تر در تشنگی
و حیرانی و پریشانی فرو رفتم پس [illegible] از کیفیت حال خود خبری بعرض حضرت نمودم حضرت فرمودند
که من بحج میروم شما در اینجا بنشینید تا که من از حج مراجعت کنم یا به دهلی بروید که در آنجا فرزند من
احمد سعید در نزد خدمت او سکونت کنید و توجه بگیرید و ایشان در بمبئی غایت [illegible] بود در آن
جا طاقت سکونت نداشتم بطرف دهلی روان شدم [illegible] در راه حضرت شاه صاحب [illegible] دیگر

در خواب دیدم که حضرت ایشان فرمودند که شما ما را دوستی می‌کنید ما هم طرف شما میل بسیار داریم بیدار
گرده خطره در دل دیگر پیدا شد تا که بقدمبوسی حضرت ایشان شیخی و امامی و استاذی الکامل المکمل العارف
بالله الهادی عباد الله الی الله تعالی قطب الدوران غوث الزمان اعنی حضرت شیخ احمد سعید
قدس الله سره الاقدس قلبی و روحی فداه مشرف شدم بمجرد نظر بروی مبارک ایشان دل از پراگندگی
و اضطراب خلاصی یافت الحمد لله بسیار خوشوقت شدم بتجدید بیعت کردم مصرع با کریمان کارها دشوار
نیست بیکروز این بنده کمینه را حضرت ایشان مشرف ساختند و فرمودند که در واقعه دیده ام که از خود
خود نفحه الیم و روز دیگر هم فرمودند در واقعه دیده ام که من و قیوم فرزندان من [illegible] ان
تا ادل میکنیم الحمد لله که همچنان بود و ارشد و تصدیق بود و بتصدیق رسید یکوقت در نزد حضرت ایشان
نشسته بودم شیرینی بخشش میکردند بعض مردمان را بسیار میدادند و بعضی را کم در دل من
خطره گردید که چرا تفرقه میکنند که این فرق کردن در شرع جائز نباشد بهمان ساعت نسبت لطافت
حضرت ایشان بمن رسیده بود بر حالت لاحول کنان بتضرع و زاری بجناب کبریا و در فتم الحمد لله
نسبت شریف مراجعت کرد یکسال و دو ماه و پنج روز در نزد خدمت حضرت ایشان بودم در نیت
تکمیل این نالائق لاشئ را اجازت طریقه نقشبندیه و قادریه و چشتیه عنایت فرمودند و یک
دستار و قمیص و کلاه خود نیز انعام فرمودند و اجازت نامه نوشته بولایت خراسان رخصت کردند
من بعد سال بسال مکاتبه بدستخط خود نوشته میفرستادند الحمد لله مکتوب بصفت ملاقات است

بیت
سراپا ظاهرش نور است و جانست ... همه پس از باطنش کان بی نشانست ... عنایاتیکه دارد
در حق من ... سر هر موئی من در شکر آنست ... زبان در وصف حسن او بود لال ... قلم در وصف
حسنش بی زبانست ... چه میگویم ز اوج در صفت او ... که نه چرخش بزیر نردبانست ...

الحال کمترین ذره بمقدار دولت محمد صدر یافته برای فائده برادران طریقه شریفه

شریفه جمع میکنم شاید که این عاصی را بدعا خیر یاد فرمایند **اجازت نامه مبارک اول که باین فقیر عطا فرموده اند مزین بمهر مبارک خاص این است** بسم الله الرحمن الرحیم بعد حمد و صلوة فقیر احمد سعید
مجددی نقشبندی طریقه کان الله له واضح مینماید که صلاحیت و کمالات مرتبت حاجی الحرمین الشریفین
ملا دولت محمد وفقه الله سبحانه لما یحب و یرضی نزد این لاشئ برای کسب باطنی آمده زیاده از
یکسال نزد فقیر اقامت نموده در خدمت بلطائف عشره ایشان بطریق طائفه توجه نموده شد حمد الله
سبحانه که ببرکت پیران کبار در هر مقام چاشنی آن چشیده اند و آثار و انوار هر لطیفه دریافتند
و امارات فنا و بقا در خود مشاهده نموده اند لهذا ایشان را اجازت تعلیم طریقه نقشبندیه مجددیه
و قادریه و چشتیه داد ادام الله تعالی در عمر ایشان برکت نماید و موجب ترویج طریقه شریفه فرماید
و شرط الاجازة الاستقامة علی الشریعة و اتباع السنة و الاجتناب عن البدعة و دوام الذکر
و الشغل مع الله سبحانه و الاعراض عن الخلق و الیأس منهم و الرجاء من الله تعالی بالصبر و التوکل و القناعت
در رضا و تسلیم بسر برند **بیت** تو همباش اصلا کمال اینست و بس ... رو در وی گم شو وصال اینست و بس
و السلام اولا و آخرا **اجازت نامه مبارک ثانیه که نیز مزین بمهر مبارک خاص باین فقیر عطا فرموده اند این است**
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العلمین و الصلوة و السلام علی خاتم النبیین و آله و اصحابه اجمعین یقول العبد
الفقیر احمد سعید المجددی کان الله له ان الاخ الصالح المستقیم و الاغر الارشد الصمیم حاجی الحرمین
و جامع العلمین مولانا دولت محمد سلمه الله سبحانه و جعله لذاته و اماما فی مخلوقاته و هادیا و مهدیا بالحق
لمصنوعاته اخذ الطریقة و اشتغل بالاذکار و المراقبات و توجهت الیه فی جمیع المقامات
الطریقة النقشبندیة المجددیة و القادریة و الچشتیة و السهروردیة و الکبرویة و غیرها فصار
مجمع البحار و مطلع الانوار فاجزت له اجازة مطلقة لارشاد الطلاب فی اقالیمه و حضور
بقرب الاحباب و اخذ البیعة المسنونة من طالب الطرق المذکورة فهو خلیفتی و یده [illegible] لی

لمن اهتدی به قال الله تعالی ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله ید الله فوق ایدیهم و صلی الله علی
خیر خلقه محمد و آله و اصحابه اجمعین مکتوب اول که بنام کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان
ترویج طریقه شریفه و بعض نتایج دوام ذکر و دوام توجه الی الله تعالی بانکسار تام بسم الله الرحمن الرحیم
اخوی اعزی ارشدی حاجی دولت محمد صاحب سلمه الله تعالی و جعله لذاته از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از
سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه فرمایند نصیحتی که بیاران نموده ای آمده است که طریقه
بزرگان را رواج بدهند و بکار دین و دنیا و ظاهر و باطن بواسطه پیران کرام بجناب الهی تفویض کردن
و مجاری احوال را از تقدیر کریم کارساز دیدن بر وقایع لب چون و چرا نکشودن و با مردم معارضه نکردن
و از ذلات اغماض نمودن و مساوی بر روی کسی نیاوردن و آنچه میسر شود بفقرا رسانیدن و از خود
و از ما سوا نا امید بودن صبر و توکل و قناعت و رضا و تسلیم و افتقار و انکسار و خاکساری و تواضع طریقه
دوستان خداست کتب صوفیه و مکتوبات شریفه در نظر داشتن لازم است توسل به پیران کبار رضی الله
عنهم دوام ذکر و دوام توجه الی الله با انکسار تمام از اسباب قبول بجناب الهی است درین تغافل نورزد
که درین راه نا از بر طالبان حق جل و علا است بوعده‌های حقه الهی دل قوی داشتن و بوسوسه‌ها
از جا نرفتن و بمکیوز لیستن و ملکیو نکرلیستن(?) خلاصه رزق کت(?) الله تعالی این کمترین را و دوستان
او را توفیق عمل باین امور عنایت فرماید آمین هر درم جنیه از قسم رشته قالو و تر نگبین و جبت فقرا
و حلغوزه و چوز از دولت همین مخلص موصول گردید جزاکم الله سبحانه عنا خیر الجزاء و در رسانیدن
قدر خوبانی هم تعبیر هستند که مرغوب اطفال است و از همین حامل رقیمه چند که خلص فقرا است بسیار خوش شدیم
ایشان نیز محمد و سعادت مشار الیه باشند و دعوات ترقیات در حق شما نموده باشند و توجه نیز کرده باشند
والسلام و یک کلاه مکرر پوشیده خود فرستاده شده باید که وقت مراقبات جدید آنرا بر سر دارند انشاء الله
مثمر برکات خواهد شد مکتوب دوم که بنام کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان آنکه ملکی است

نصیحتی که بیاران نموده ای آمده
است

اهل تصوف ذکر حق باید داشت و یک لحظه غفلت از جناب قدس او نورزد و در اشاعه نسبت شریفه
سعی بلیغ مرعی دارند بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی مقبول بارگاه احد حاجی دولت محمد
سلمه الله الصمد از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون اشتیاق مشحون مطالعه نمایند الحمد لله
که تا آخر روز هشتم ماه ذی الحجه است فقیر معه متعلقان بخیر است و مسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم
و استقامتکم علی الطریقة المرضیة قبل ازین خطی در جواب رقائم ایشان معه رسید بادام و عناب
و جلغوزه که مرسل نموده بودند فرستاده ام انشاء الله تعالی رسیده باشد ای برادر هیچ وقت از
ذکر حق سبحانه باید داشت و یک لحظه غفلت از جناب قدس او نورزد و در اشاعه نسبت شریفه سعی بلیغ
مرعی دارند که زمان قرب قیامت و آوان فتن است و این را عین مرضی حق تعالی دانند ان النبی
احب عباد الله الی الله من حبب الله الی عباده و من احیی سنتی بعد ما امیتت فله اجر مائة
شهید کشیده باشند بیت دادیم ترا از گنج مقصود نشان گر ما نرسیدیم تو شاید برسی والسلام اولاد
فرزندان و درویشان سلام مسنون قبول نمایند مکتوب سیوم که بنام کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته در
بیان آنکه اهم مطلوب و اعظم مقصود از خلقت بشر محبت رب العالمین است و اجتناب از خلق و از دنیا
و نفس و شیطان و طریقه دفع آنها بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی دولت محمد سلمه الله تعالی
از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون واضح خاطر باد اتفاق اصحاب طریقت و ارباب حقیقت است
که اهم مطلوب و اعظم مقصود از خلقت بشر محبت رب العالمین است و آن بر دو نوع است محبت ذات
و محبت صفات محبت ذات از موهبت است و محبت صفات از مکاسب هرچه از مواهب است کسب و عمل بنده
را بدان تعلق نیست و هرچه از مکاسب است عمل بنده را در آن دخل است طریق کسب این محبت دوام
ذکر است مع تخلیه القلب عما سواه و این را فراغ شرط است و فراغ را چهار چیز مانع است چهار چیز مانع
شرط است مانع شرط است خلق و دنیا و نفس و شیطان طریق دفع خلق عزلت است و از [illegible] است

و آن بر دو نوع است محبت
ذات و محبت صفات

وطریق دفع دنیا قناعت است و طریق دفع نفس و شیطان التجا کردن است بحق سبحانه و تعالی
الله تعالی این کمترین را و شمارا و همه دوستان را حاصل باین شگرفی عزیز عنایت فرماید آمین مکتوب
چهارم که باین کمینه در دولت آباد صدور یافته در بیان آنکه توجهات بر طالبان که مستعد و فهیم
در جمیع مقامات سلوک نموده باشند بسم الله الرحمن الرحیم حاجی صاحب عزیز از جان حقایق و معارف
نشان حاجی ملا دولت محمد سلمه الله تعالی و لا زال کاسمه از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون و اشتیاق
مشحون مطالعه نمایند رقیمه که مصحوب میمن محمد بادام و عنایت خوبانی ... و امیان کلان خورد
که در آن اخبار همه بود و خوشی تو رسید مسرور ساخت جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء مجملا جواب سوال
مرقوم میگردد و من بعد تفصیل خواهم نوشت توجهات بر طالبان که مستعد و فهیم باشند در جمیع مقامات
سلوک نموده باشند و از دریافت باطن ایشان و ترقی در آن شکر خداوندی جل جلاله بجا آورده
اللهم زد فزد و طالب که مأذون از طریق دیگر باشد اول احوالش دریافت نمایند که چیزی حاصل ...
یا نه بر هر دو تقدیر توجه از ابتدای سلوک کشش نمی خواهد بود و طالبی که کشف حاصل ساخته بحق داعی بگوید
دار مشیخ منحرف شود سلب نسبت او نمودن بهتر است انشاء الله تعالی نسبتش سلب خواهد شد اگر
بظاهر بماند از حیز اعتبار ساقط است و طالب را اول لطائف اسم ذات جاری باید کرد بعد از ان نفی اثبات
تعلیم نمایند چون کشش و جذبش بسبب جذبه النسبة فوقانی تمام بماند علامت فناء قلب نسیان ماسوا از قلب
و علامت فناء نفس زوال ... انشاء الله تعالی در کاغذ دیگر تفصیلش خواهم نوشت ... بعجلت
قاصد و تنگی وقت بهمین قدر اکتفا رفت و از برخورداران و برادران و طالبان خصوصا ملا مظفر
سلام مسنون خوانند مکتوب پنجم که باین کمینه در شان صدور یافته در بیان علامات فنا قلب و روح و سر
و خفی و اخفی و نفس صورت یافته بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی ملا دولت محمد صاحب سلمه الله
تعالی از ... احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون و رحمة الله معلوم خاطر خطیر باد سابق ازین از سعید

علامت فنا قلب

مرقوم بود مرسله بعد اجوبه مجملا نوشته فرستاده شد حالا جواب سوال البقیه رقم میگردد علامت فنا
قلب نسیان ماسوا است از قلب بطریقی که اگر بتکلیف یاد کند یادش نیاید و نیز از شادی جهان شاد نگردد
و نه از غم عالم غمگین گردد و تجلی افعالی رو دهد و آن دیدن فعل واحد حقیقی است در افعال مخلوقات
و علامتش استواء انعام و ایلام از زید است یعنی شکر و تمامیه ز زید یکسان شود و علامت فنا روح آن
است که تجلی صفاتی ظهور کند یعنی صفات سالک معدوم شود و بجای آن صفات حق ظهور نماید و مورد
لا یزال العبد یتقرب الی بالنوافل حتی احببته فاذا احببته کنت سمعه الذی یسمع به و بصره الذی
یبصر به و یده التی یبطش بها و رجله التی یمشی بها گردد بیت چونکه او شد گوش و چشم ای خدا
خیره ام در چشم بندی ای خدا و علامت فناء سر استهلاک ذات سالک در ذات حق جل علا بیت
کی بود خود کی بود جدا مانده من و تو رفته و خدا مانده و علامت فنا خفی تفرید ظاهر از مظاهر یعنی
امتیاز حق از باطل گردد و وحدت از کثرت ممتاز شود و علامت فناء اخفی تخلق با خلاق الله است
یعنی تمام رذائل مبدل بخصائل حسنه گردد و علامت فنا نفس زوال عین و اثر و ظهور توحید شهودی
و شرح صدر و نزول مطمئنه از موطن خود در جوار صلاه و استقرار بر تخت صدر و حصول ایمان حقیقی که از
زوال محفوظ است و مصداق اللهم انا نسئلک ایمانا لیس بعده کفر شدن و حصول مقام رضا که اعلا مقامات
سلوک است و علامت فنا عناصر ثلثه دیدن ملائکه کرام و ملاقات و زیارت ایشان است و علامت
فنا عنصر خاک ظهور تجلی ذاتی دائمی بی پرده اسماء و صفات و شیونات بیت قلم اینجا رسید سر بشکست
شغول باطن معه الله تعالی این کمینه را از انقلاب حظ وافر ازین کمالات روزی گرداند بحب صادق
از راه محبت جذب جمیع کمالات محبوب میکند و ساعة فساعة برنگ او منصبغ میگردد بیت احب الصالحین
و لست منهم لعل الله یرزقنی صلاحا پرسیده بودند که نجوم ظاهره و اقمار باهره و شموس طالعه
... قول شیخ ابو سعید رحمة الله علیه واقع است عبارت از چیست مگر نجوم ظاهره عبارت ...

علامت فنا قلب

علامت فنا روح

علامت فنا سر

علامت فنا خفی

علامت فنا اخفی

علامت فنا نفس

علامت فنا عنصر خاک

و برکات دائره ظلال اسما و صفات که مانند کثرة نجوم جلوه گر میگردد و اذواق و مواجید [illegible]
می کشند و انوار باهره عبارت از فیض نفس صفات و شیونات است و شموس طالعه کنایه از تجلیات
ذاتیه است کلاه دیگر که مملو از حصائل الابس و چرکین است برای آن عزیز فرستاده شد آن را غسل بکنند
و بهمین چرک بوقت مراقبه بر سر بدارند انشاء الله مثمر برکات خواهد شد بیت هر کس افسانه بخواند
افسانه است وانکه دیدش نقد خود مردانه است خلاصه مکتوبات در ضمن چهل مکتوبات برای آن
برادر ارشد بدست مبین ارسال نموده ام در درس و مطالعه خود بدارند بسیار مفید و کافی و شافی است
والسلام مکتوب ششم در بیان اگر طالب طریقه قادریه و چشتیه اگر باشد بیعت در طریقه مذکوره بگیرد و
تربیت آن شخص بمراقبه کار و اشغال بطور حضرات نقشبندیه نماید و غیر ذلک من المسائل المتفرقه که برین
کمینه درویشان حوالت محمد مسعود یافته بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی دوست محمد
لا یزال کاسمه محبا للحبیب الله حتی صار محبوبا لله سلمه الله تعالی احقر العبید احمد سعید کان الله له بعد از سلام
مسنون اشتیاق مشحون مطالعه نمایند الحمد لله حمدا کثیرا طیبا مبارکا فیه مبارکا علیه کما یلیق بجنابه الاعلی
والمسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و استقامتکم علی الشریعة المصطفویة علی صاحبها الصلوة والسلام
مکتوب مرغوب بورود مسعود مسرت بخش رسانید اسوله چند مرقوم نموده بودند جواب هر کدام نوشته میشود
جواب سوال اول اگر طالب طریقه قادریه و چشتیه اگر بیاید بیعت از وی در طریقه مذکوره بگیرد و تربیت
آن شخص در اذکار و اشغال بطور حضرات نقشبندیه نماید چنانچه معمول حضرت مجدد رضی الله عنه
همین بود مگر جناب حضرت شاه صاحب بعض طالبان نسبت چشتیه را اذکار جهر متوسط که آواز ذاکر
بیرون خانه نرود تعلیم میفرمودند جواب از سوال دویم اگر علاج [illegible] حرکت ذکر مانند مرتعش
آن [illegible] توجه برای از دیاد ذکر بکنند بلکه القای سکینه و حضور بکنند و از ذکر کردن او را منع کنند و در وی
مراقبه [illegible] یا وقوف قلبی او را تعلیم سازد و اگر از مراقبه گذشته باشد مراقبه معیت آن [illegible] بالیقین

[illegible] که از پرتو فنا قلب تسکین خواهد یافت و الا توجه بلطیفه نفس نماید تا که نسبت لطیفه نفس
غالب خواهد آمد از تحرکات باز ماند و بشعور خواهد آمد جواب از سوال سیم شخصیکه در طریقه قادریه و یا
چشتیه بیعت کرده بود باز اگر خواهد که در طریقه نقشبندیه بیعت کند و سلوک این طریقه طی نماید جائز است
مقصود وحدت است و این طریق اقرب است در وصول مطلب از سائر طرق خصوصا درین زمان که از
سلاسل دیگر بجز نام باقی نمانده طالب حق جل و علا را ضرورت که التزام این طریقه شریفه نماید جواب
از سوال چهارم اگر جائز است شیخ را اجازت دادن مریدی صاحب الاستعداد را اگرچه مرتبه اجازت مطلقه
نرسیده باشد چنانچه حضرت امام الطریقه خواجه بهاء الدین نقشبند رضی الله عنه حضرت مولینا
یعقوب چرخی را داده بودند کما هو مذکور فی کنز الهدایه جواب از سوال پنجم اگر مرید در تکمیل فنا
قلب فنا نفس هر دو را حاصل نماید با اجازت مطلقه میرسد جواب از سوال ششم اگر مرید ناخوانده که
سلوک تمام کرده در خدمت شیخ کامل مکمل عالم و عامل متادب با داب شیخ خود گردید شیخ را جائز است
که او را اجازت تعلیم طریقه بدهند و آنکه مرید را لازم است که علم ضروری بخوانند و از مسائل شرعیه آگاه شود
جواب از سوال هفتم در شب تار رنگ احوال مریدان معلوم نشود بهیچ کسان همت نماید که الهی فیضیکه لائق
حال هر کس باشد فائض گردان در بر همه کس مجمع عاهت نماید و تخصیص نماید جواب از سوال هشتم اگر
طالبان مبتدیان که قرص آفتاب و مهتاب مشاهده میکنند و نشان از تجلی برق میدهند از عکس [illegible] می بینند
و چون در طریقه اندراج النهایه فی البدایه است لهذا این آثار در اول وهله معلوم طالبان
ذی استعداد از برکت توجه شیخ میگردند کارخانه این اکابر بلند است بهر زاغ و زغن [illegible] نسبتی ندارد
مصراع [illegible] مکن ز گلستان من بهار مرا شکر این نعمت عظمی را بجا آرند لئن شکرتم لازیدنکم بعض
قاطع است چون لطیفه سیر تصفیه یافته است انوار آن باشکال مختلفه ظهور میکند جواب از سوال نهم اگر
خط فوق باشاره بطرف اصول لطائف که فوق العرش اند داده اند تا که لطائف با اصل [illegible] بکشند

فنا میشود لهذا اهتمام میکنند که در لطائف جذبات پیدا شود که منجر باصول خود شوند وفانی و مستهلک
گردند بیت هیچکس را تا نگردد او فنا * نیست ره در بارگاه کبریا * جواب از سوال دویم آنکه مدار استفاده
انطریقه شریفه بر محبت و عشق و رابطه شیخ است اگرچه بظاهر دور باشد لکن در باطن قریب است اقرب
ولسبب غلبه رابطه شیخ ساعة فساعة منقطع برنگ شیخ خود میگردد بیت در راه عشق مرحله قرب و بعد نیست
حدیث شریف المرء مع من احب را حجت رسانی شیستان است مراقبات را بتفصیل در رساله
نوشته ام چند ماه مراقبه یکمقام فوقانی متوجه این بی بضاعت شده نموده باشند انشاء الله تعالی آثار
آنمقام ظهور خواهد نمود بعد از آن مراقبه دیگر علی هذا القیاس و احوال باطن خود را نیز نویسانیده باشند
و اجازت سائر طرق که بفقیر رسیده است بشما دادیم بارک الله فیک و علیک فاتحه هر بزرگ خوانده متوجه
شوند انشاء الله تعالی البته هر بزرگ تربیت خواهد نمود هر کجا که باشد همه جا شکر پیران کرام حضور ما
لازم است که از سبب قبولیت ایشان همه بزرگان قبول میفرمایند روزی حضرت شاه صاحب بر مزار
حضرت خواجه قطب الدین رحمة الله علیه تشریف برده بودند و این کاتب همراه بود خادمان مزار شریف
حضرت خواجه دعا در حق حضرت من فرمودند در کلمات دعا این هم گفتند که مدد خواجه صاحب بر
شاه صاحب باد حضرت ایشان رحمة الله علیه باواز بلند در مجمع عام خطاب بخادمان دعاگو کرده
فرمودند که اینچنین مگویید بلکه این بگویید که اول عنایت حضرت خواجه بهاء الدین نقشبند
رضی الله عنه بر من باشد بعد از آن عنایت حضرت خواجه قطب الدین اول بود بعد از آن ختم
انتهی کلامه الشریف تا بنیا آنچه تحفه بادام بدست شاگرد خود که در آن قدر رغایب هم بود و بادام
دیگر بدست میر احمد و انجیر و چادر سبز و تسبیح و جواب بدست دیگر افغان موصول گردید جزاکم الله
سبحانه خیر الجزاء احسام الدین اجازت گرفته بوطن خود رفت لهذا التسبیح هم نزد فقیر ماند و بسته
و غیره بدست رحمت داده بودند میمن آورده است لکن تا هنوز نزد فقیر نرسیده بعد از رسیدن

مدار استفاده این طریقه شریفه بر محبت و عشق و رابطه شیخ است

کاه رسیدن رسیدش نیز در کاغذ دیگر نوشته خواهد شد از فرزندان و برادران و درویشان خانقاه
سلام مسنون قبول باد از طرف معین بعد از سلام گذارش آنکه در حق من دعا کرده باشند مکتوب هفتم
که بجانب میر درویشان دولت محمد صادر یافته در بیان بخشیدن ثواب ختم شریف خواجگان و مشایخ
کرام رحمهم و بخشیدن ثواب ختمها دیگر بمعمول حضرت است و غیره ذلک بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی
ارشدی مقبول بارگاه صمد حاجی دولت محمد سلمه الله الاحد از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون
اشتیاق مشحون کاشف ماده الضمیر بالحمد لله که تا تحریر فقیر مع متعلقان و درویشان بخیر و عافیت است
والمسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و استقامتکم علی الشریعة و الطریقة المرضیة علی صاحبها الصلوة
والسلام و التحیة مکتوب مرغوب مشتمل بر رسیدن خود بوطن مالوف بورود مسعود مسرت بهار رسانید سوالها
چند نموده بودند جواب هر یک نوشته میشود ثواب ختم هر بزرگ بروح آن بزرگ بخشیده الحاج حاجت
خویش از جناب الهی بواسطه آن بزرگ نموده باشند و غیر را در آن شریک نسازند مثلا ثواب ختم خواجگان
نقشبندیه بروح مبارک حضرت شاه نقشبند و مشایخ کرام و خلفاء ایشان بخشند و ثواب ختم لا حول
را بروح مقدس حضرت مجدد بگذارند و یا الله یا رحمن یا ارحم الراحمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد بروح
شریف حضرت شاه صاحب هدیه سازند و حسبنا الله مخصوص بروح اطهر حضرت غوث الثقلین
نمایند و یا خفی اللطف را بروح حضرت شاه نقشبند بلا شرکت غیر سازند و لا اله الا انت سبحانک انی کنت
نیاز حضرت محمد معصوم [illegible] صلوة تنجینا را گفته روح پر فتوح حضرت سرور عالم خلاصه بنی آدم صلی الله
علیه و آله و اصحابه و سلم بگذارند جواب سوال دویم آنکه در وقت حلقه استمداد از پیران خود نمایند و خود را
در میان نه بینند حاجت شرکت دیگران نیست مگر حضرت غوث الاعظم از حکم مستثنی اند اگر بروح آن
حضرت استمداد نمایند مضایقه نیست جواب سوم آنکه بازگشت خواه در ذکر اسم ذات باشد یا در نفی و اثبات
بخیال معمول است نه بزبان جواب از سوال چهارم آنکه وقتیکه شیخ مرید را اجازت تعلیم طریقه داد میباید

جواب ختم خواجگان

که پیرو روش شیخ خود جناب ایشان و ترویج طریقه نماید که درین زمان اشاعهٔ نسبت شریفه نهایت مرضیٔ
حق سبحانه است جواب پنجم اکثر جهالت و نکارت نسبت باطن ایشان از غلبهٔ نسبت کمالاتست که ناشی
از تجلی ذاتی دائمی است چنانچه ذات حق مدرک نمیشود همچنین نسبتی که از ذات ناشی معلوم نمیشود این
جهل است که حضرت صدیق رضی الله عنه ازان خبر داده است حیث قال العجز عن درک الادراک ادراک و چی
عظیم است که شباهت بلازم دارد پیران ما نوشته اند که نسبت باطن هرچند بلندتر گردد جهالت و نکارت
بیشتر پیدا میکند ازین جهت اندیشه نکنند مع ذلک احوال مریدان همراه از پیران منعکس میشود مریدان
ایشان بسر میباشند از تأثیر توجه ایشان در طلاب دل بسیار خوش شد الهم زد فزد و وسوسه نار خامندی
ازین فقیر که در دل میگذرد از طرف شیطانست که دشمن ازلی است اثر ندهد بلکه فقیر از شما بسیار راضی است
و هر وقت متوجه احوال شما میباشم و باطن شما را متوجه بطرف خود میسازم و مراقبهٔ کمالات رسالت و اولو العزم
نموده باشند و اگر قرآن شریف حفظ شود نعمت عظمی است شروع بکنید و اجازت همه سلاسل این فقیر را
از حضرت شاه صاحب است و از حضرت والدی ماجدی رحمة الله علیه نیز است بلکه از حضرت مجدد بلا واسطه
نیز حاصل شده است لکن مرا لیاقت نیست که نام او شان بگیرم و بادام چهار نیم آثار و عناب ده آثار و چلغوزه
سه آثار و قند [illegible] کشمش که در حل نموده بودند موصول گردید جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء از فرزندان و برادران
درویشان خانقاه و از هر یک نام بنام خصوصا حاجی عبد الکریم و ملا عبد القدوس و ملا عبد الرحیم و مولوی شریف
موجب هر سر هند تشریف میدارند مکتوب هشتم [illegible] در بیان [illegible]
نسبت و دوستی پیران کبار و مشایخ اعلام از فرمودات و در اجابت بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی
ارشدی حاجی ملا دوست محمد صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون اشتیاق مشحون
مطالعه نمایند الحمد لله که احوال فقیر تا تحریر رقیمه هذا که بیست و دوم ذی الحجه است مقرون حمد و شکر است و المسئول
من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و استقامتکم علی الشریعة المصطفویة علی صاحبها الصلوة و السلام و علی محبة الشیخ

نسبت باطن هرچند [illegible] جهالت و نکارت بیشتر پیدا میکند

و الشیخ المحق [illegible] الکل فی الکل [illegible] المرء مع من احب [illegible] منصفا لمن المحب
[illegible] رزقنی الله سبحانه و ایاکم کمال [illegible] بحرمت رسول الثقلین و صحابه و اهل
بیته و بحطیه الشریفین [illegible] علیهم اجمعین والسلام اولا و آخرا و از طرف عبد الرشید سلام علیکم
مطالعه نمایند مکتوب [illegible] در بیان [illegible] حال سابق برکت
[illegible] باشد بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی دوست
محمد صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون مطالعه نمایند الحمد لله که تا تحریر رقیمه
متعلقان بخیریت است و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و استقامتکم علی جادة الشریعة المصطفویة علی صاحبها الصلوة
و السلام نوشته بودند که حال سابق نما ندای عزیز بودن حال سابق بر یک نهج خوب نیست بلکه باید که هر
روز در ترقی باشد من استوی یوماه فهو مغبون شنیده باشند در حضرات ما رحمهم الله علیهم شروع کار
طالب از لطائف عالم امر نموده اند و دران لطائف ذوق و شوق و آه و نعره و استغراق و بیخودی
و دیگر حالات ورود میکند بعد ازان تهذیب لطائف عالم خلق میفرمایند و درین لطائف بیرنگی و بی کیفیتی
بنسبت سابق پیدا میشود خصوصا وقتیکه ظهور کمالات نبوة و نسبت فوقش میگردد نکارت و جهالت
نسبت بیش از بیش میشود لکن این آن جهل است که حضرت صدیق رضی الله عنه در انمقام میفرمایند که
العجز عن درک الادراک ادراک شاهبازی بلند پروازی حدید البصری خوش استعدادی باید که از
گلهای این مقام دامن پر کند و خوشه در قران کار نماید خواص مانند عوام درین مقام متحیر اند و بسبب
عدم ادراک انوار آنجا اظهار میکند خوش گفت بیت نه هر که سر بتراشد قلندری داند نه هر که آینه
دارد سکندری داند الله تعالی امثال ما بو الهوسان را نصیبی ازین معنی و ایمانی باینمعارف
که معارف انبیاست صلوات الله و سلامه علی نبینا و علیهم الصلوة و التحیات روزی کناد بحق النون
و الصاد و امید قوی است انشاء الله تعالی بفحوای غرای المرء مع من احب شعر احب الصالحین و لست منهم

نقل الله برزقنی [illegible] باشتیاق کرام خود رحمة الله علیهم داریم و محبت دقیقه از دقایق
کمالات محبوبیت نکشیده اند و کم نکشند بلکه ساعة فساعة برنگ محبوب برآید از کمالات پیغمبران کرام محروم
نخواهیم ماند لکن امتثال اوامر و انتهاء از نواهی ضروریست و در اذکار و اشغال و مراقبات ضروری
مرو و فاستقم کما امرت دیده و نها خرط القتاد چهار ز جبیل بادام رسید جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء یکی
از آن حسب الامر قوم ایشان حواله میان محمد سعید احمد نموده شد از فرزندان و درویشان خانقاه سلام
مسنون خوانند مکتوب دهم به برادر کلید درویشان دولت محمد صاحب در بیان آنکه از عدم ادراک
نسبت باطن و بیرنگی دل تنگ نشوند بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی ملا دولت محمد صاحب
سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون السلام علیکم و رحمة الله حاله نماینده الحمد لله
که فقیر مع متعلقان تا [illegible] دوم ذی الحجه است بخیر رسیده است مسئول من الله سبحانه سلامتکم و ثباتکم
و استقامتکم علی الشریعة و الطریقة و الحقیقة فانها ملاک الامر اللهم ارزقنی و احبائی استقامة فی
سبیلک و متابعة حبیبک صلی الله علیه و سلم قولاً و فعلاً و عملاً و اعتقاداً و اجعلنی خاتمتی علی هذا الحب

بیت مصحف بکف و پا بره و دیده بر دوست / با پیک اجل خنده زنان بیرون شد / حضرت عارفی رضی الله
عنه در مکاتیب خویش ارقام فرموده اند اگر هر تنها او را بحبت خود رسانی یافت بعد از آن گم او تا بجا
انجامید که اگر خود را بحبت او رای یافت اکنون او را گم کرد اما خود را می باید باوجه گم کردن جویان
اوست و بالتحقیق فقدان خود را اوست نه از روی علم حاضر و وجد و حصول است و از روی ذوق غایب
و فاقد و معرض ظاهرش بقا است و باطنش فنا در عین بقا فان است و در عین فنا باقی و لکن فنا
علمی است و بقا ذوقی انتهی کلامه الشریف فعلیک بمطالعته فانه کثیر النفع للطلاب و الیه المرجع و المآب
و از عدم ادراک النسبة و بیرنگی دل تنگ نشوند فالعجز عن درک الادراک ادراک کما قال الصدیق الاکبر
رضی الله عنه مکتوب یازدهم به برادر کلید درویشان دولت محمد صاحب در بیان آنکه نسبت هر چند عالیتر گردد

و از ادراک دورتر گردد و [illegible] بیان آنکه نسبت باطنه [illegible] بسم الله
الرحمن الرحیم بعد حمد و صلوة و تبلیغ الدعوات معلوم اخوی اعزی حاجی ملا دولت محمد صاحب سلمه الله تعالی
باد که رقیمه کریمه مشتمل بر حالات باطن خود و باطن مستفیدان خود بدست عبد الرحیم معه اشیاء خورد که
در آن زیره سیاه و حبة الخضراء و آلو بخارا بود رسید فرحت فراوان رسانید اللهم زد فزد و گرفته
اخوانها فی الدین نسبت باطن هر چند عالیتر گردد از ادراک ظاهر دورتر می افتد سببش آن است
که چون باطن را اتصال بذات حق سبحانه پیدا می شود و ذاتش بیچون و بیچگون است سالک را نیز که تخلق
باخلاق الله نصیبی از مرتبه بیچونی حاصل میگردد ناچار ظاهر از ادراکش عاجز مانده و چنانکه ظاهر سالک از
ادراک باطن او قاصر شود دیگران از باطنش هیچ درک نمایند این نسبت کمالات وراثت انبیاء علیهم الصلوة
و السلام است که بعد مضی الف از بعثت سید المرسلین صلی الله علیه و سلم بر حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی
رضی الله عنه فائض گردید رزقنا الله سبحانه کمال هذه النسبة العلیة العزیزة وجوداً و رزقنا علیها و حشرنا معها
و ادخلنا دار السلام بجاه من رحم الله عبداً قال آمیناً و حاملان کمّل این نسبت شریفه را فوق مقام رضا که اعلی
از مقامات عشره سلوک است گذرگاهیست که مرتبه التذاذ از ایلام است چه در مرتبه رضا مساوات ایلام و انعام
پیدا شود و فوق آن التذاذ از ایلام است و بس بیت غرض از عشق توام چاشنی درد و غم است / ورنه
زیر فلک اسباب تنعم چه کم است / از اینجا خبر میدهند همت احقر آن است که شما را فوق مقام رضا استقرار
و ثبات حاصل شود و شما خود این مرتبه رضا اید همت را بلند دارید و بجوز و مویز راه قناعت نکنید ان الله
سبحانه یحب معالی الهمم مصرع همت تراز کنگره کبریا کشد / بیت هنوز ایوان استغنا بلند است / مرا فکر رسیدن
ناپسند است / اندرین بحر بیکرانه چو غوک / دست و پایی بزن چه دانی بوک / [illegible] بر گشت
یار دلخواه ایدل / قانع نشوی برنگ ناگاه ایدل / اصل همه رنگها از آن بیرنگ است / من احسن صبغة من
الله ایدل / دوستی از دوستان حق جل و علا در مناجات خود عرض نمود که الهی آنچه دوستان خود را

نسبت [illegible] هر چند عالیتر گردد از
ادراک [illegible] دورتر می افتد

دادی قطره برین بر نیز انعام شد که ای دون همت از ما قطره میطلبی پس آگاه شده تا بگفه سخت
برخود می خورد و گفت جائیکه نظر دیگران رسیده قدم من برسد همچنین شد انا عند ظن عبدی بی
حدیث قدسی است بیت دادیم ترا ز گنج مقصود نشان گر ما نرسیدیم تو شاید برسی مراد آنچه ادا کرده ام
نموده اند که در خصوص هیچ اثری نیابم نه در اذکار و مراقبات نه در تلاوة و نماز اگر مراد از اثر ذوق
و شوق حالیست مسلم است از قلب تمکین پیوسته است و حضور را در جمیع ممکنات را معدوم دانستن مشعر
از زوال عین و اثر است بعد از اطمینان نفس رسیده بر نا الحمد لله علی ذلک حمدا کثیرا و اگر مراد از اثر صفا
و اطمینان و برد یقین و حلاوة لطف که تمام نصیب بدن عموما و عنصر خاکی و هیئت و حدانی خصوصا است
محل تامل است که این حالات باید که روز افزون باشد علی الخصوص که در تلاوة و نماز که معراج مومن است
منتهیان از پیش این پیش نقد وقت میکرده و قرة عینی فی الصلوة که ارشاد و فیض بنیاد مخبر صادق است
علیه الصلوة والسلام مظهر این معنی است و ارحنی یا بلال رمزی از این معنا و شمه از کمالات صلوة در بیان
حقیقة الصلوة در رساله انهار اربعه اندراج یافته است اگر مطالعه نمایند و از مصاحبت احوال ترشدان
اجازت یافته فرحت بر فرحت حاصل است اللهم زد و فرد و بارک لهم فیما اعطیتهم مریدان آئینه پیران
میباشند و مظهر کمالات مکنونه ایشان اما باید که کثرة مستفیدان شیخ را در عجب نیندازد که مرض
مهلک است اعاذنا الله سبحانه عنه بیت از لذت طلسم این خرابه من هیچ نیم و رین میانه من ذره
خاک آستانم تو میطلبی آسمانم هم گنج تو ئی و هم تو گنجور من دست تهی نشانه ام از دور
مضمون این ابیات نصب العین باشد و مترنم این اشعار مترنم باید بود بیت او بخبر نائی و ما بخبر
نی نیم او دمی بی ما و ما بی وی نیم نی که هر دم نغمه آرائی کند نی الحقیقت از دم نائی کند
خانه رو دم از خانه چیزی گذشت تو دادی همه چیز و من چیز نیست استفسار تواریخ بعضی
از مشایخ گذشته نموده اند که تاریخ انتقال حضرت خواجه علاء الدین رحمة الله علیه بیستم شهر

رجب المرجب است و انتقال حضرت خواجه محمد پارسا رحمة الله علیه بیست و سیوم ذی الحجة است و انتقال
حضرت مولینا یعقوب چرخی رحمة الله علیه پنجم صفر و حضرت خواجه عبید الله احرار رحمة الله علیه بیست
و نهم ربیع الاول و حضرت مولانا محمد زاهد رحمة الله علیه غره ربیع الاول حضرت مولینا محمد درویش
رحمة الله علیه نوزدهم محرم حضرت خواجگی امکنگی رحمة الله علیه بیست و دوم شعبان حضرت خواجه
محمد باقی بالله رحمة الله علیه بیست و پنجم جمادی الاخری است نوشته بودند که ذوق و شوق در طالبان
زیاده شود باید که قبل از توجه نمودن نفی و اثبات بحبس نفس چند عدد کرده توجهات بر طالبان نموده باشند
انشاء الله تعالی زیاده خواهد شد و کثرة اسم ذات نیز مفید مطلب طالب است و برای عارضه ضعف مثانه
بعد از هر نماز بیت و یکبار رب انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین ورد سازند انشاء الله تعالی شفا خواهد
فرمود و چند اجزاء از تراب الدین شفائی که در آن سنجها اکثر امراض مرقوم اند فرزند اعزی محمد
عبید الرشید ارشده الله تعالی که درین ایام مع اعزاز حرمین شریفین رسیده برای ایشان فرستاده اند
و از هدایائی مرسله ایشان دو انبان بادام و یکی از آن کشمش و یکی از آن جوز که در آن تخم خوبانی بود
و یکی از آن جلغوزه و یکی از آن توت و کشمش مخلوط و چهار کلاه و یکی مصلا بما رسید و باقی تا حال نرسید
مکتوب ... در بیان توحید نزد صوفیه و تقسیم او
وجودی و توحید شهودی بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لواهب العطایا والشکر لمنعم البرایا والمدح لافضل الخلائق
والهدی لغوایة المعلی صلی الله علیه و علی آله و اصحابه و بارک و سلم بدان ارشدک الله تعالی الی صراط
المستقیم که توحید نزد صوفیه صافیه رحمة الله علیهم دو قسم است توحید وجودی و توحید شهودی توحید وجودی
عبارتست از دانستن اتحاد وجود که معنی ما به الموجودیت در جمیع اشیا العینی مقوم وجوه در موجودات
علویه و سفلیه ذات واحد حضرت حق سبحانه و تعالی است نه آنکه ذات موجودات و ذات حق یکی و اتحادات
کما زعم البعض من الجهلة که این وحدة موجودات نه وحدة وجود از فرط جهل فرق نکرده اند و مشتق ... زاده در

قبل از ... موردن نفی و اثبات بحبس نفس چند عدد کرده توجهات بر طالبان نموده باشند

تسبیح

توحید نزد صوفیه صافیه رحمة الله علیهم دو قسم است

تاریخ انتقال حضرت خواجه علاء الدین

ضلالة بی فتند ضلوا فاضلوا ضاعوا فاضاعوا محققان صوفیه ازین چنین اغلاط بری اند اگر چه در وجود
که نزد ایشان عین حق است مراتب خمسه اثبات میکنند لکن اطلاق احکام هر مرتبه را بر مرتبه دیگر کفر و زندقه
میدانند چنانچه مولانا جامی رحمة الله علیه میفرماید بیت هر مرتبه از وجود حکمی دارد گر فرق مراتب نکنی
زندیقی * و توحید شهودی عبارتست از دیدن ذات حق سبحانه تعالی است فقط و اختفا و کثرت بالکل
از نظر سالک نه آنکه کثرت را ندیدن و در میان کثرت و وحدت نسبت عینیت یا مرآتیت اثبات نمودن
چنانچه در توحید وجودی میباشد فافترقا و شتان ما بینهما هر دو غلبه محبت محبوب حقیقی است در نظر محب که در توحید
اول اسوار العنوان عینیت یا مرآتیت بسبب غلبه محبت ملاحظه میکند و نظر با اصل شده میشود عارف
حافظ شیرازی علیه الرحمة میفرماید بیت عکس روی تو چو در آینه جام افتاد عارف از خنده می در طمع
خام افتاد * و در توحید ثانی ماسوا هرگز در نظرش نمی آید تا با اثبات نسبت چه رسد و این تقسیم علی الاقسام الثابت
و منشاء اول تصفیه قلب است و مصدر ثانی تزکیه نفس است و مطمح نظر ایشان آنست و تا اگر بهر سالک
توحید شهودی است حاصل شد آنست که از دیده و دلش ماسوا رخت بر بندد و جز حق سبحانه تعالی مشهود و منظور
نماند چنانکه در روز روشن بسبب غلبه شعشعان آفتاب بجز آفتاب هیچ معلوم نمیشود و ستاره ها از مرئی
نیست با وجود که وجود ستاره ها در نفس الامر ثابت است همچنان کثرت باشد لکن نظر عاشق مقصور بر معشوق
خود است و مستغرق مشاهده جمال محبوب خویش است بیت در و دیوار چو آینه شد از کثرت شوق
هر کجا مینگرم روی ترا می بینم * بخلاف توحید وجودی که از شرائط راه نیست بلکه بعضی طلاب را منتج
میشود و اکثر راه حضرت شاه نقشبند راه را برای سالکان مقرر فرموده اند که در آن راه انکشاف
توحید وجودی نباشد تا از مزلة اقدام که بعضی ارباب توحید وجودی را واقع میشود محفوظ مانند و در
تیه ضلالت نیفتند جزاه الله تعالی خیر الجزاء چنانچه اکثر ابناء این وقت همه اوست را عقیده خود ساخته
شطحیات تکلم مینمایند و تهاون در امور شرعیه میورزند تاب الله علیهم فنا اکثر کتاب بک مشتمل

مشتمل بر چند

بر عجایب و غرایب باشد جام فرزند ارشدی نوشته بودند و نام کتاب ثبت کرده تا اثر اکثر
نموده میفرستادم و فرزندی درین سال روانه حرمین الشریفین گشته است دعا نموده باشند
که بزودی بخیریت مراجعت سازند والسلام مکتوب سیزدهم که بنام یکی از درویشان دولت آباد
یافته در بیان عقاید اهل سنت و جماعت بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله حمدا کثیرا طیبا مبارکا فیه کما
علیه کما یحب ربنا و یرضی والصلوة والسلام الاتمان الاکملان علی حبیبه المصطفی و آله المجتبی و صحابه
البررة التقی فرض نخستین بر مردم مسلمان تصحیح عقاید است موافق اهل سنت و جماعت بالطریق که
الله تعالی بذات مبارک خود موجود است و چیزها به ایجاد ایشان حق تعالی موجود اند او تعالی یگانه است در
ذات و صفات و افعال کسیرا در امری از امور شرکت با او سبحانه نیست صفات و افعال حق جل و علا
مثل ذات عالیش فراخور عقول ناقصه ما نیست و با افعال و صفات ما ایشان مشابهت ندارد و او تعالی در
هیچ چیز حلول نکند و نه چیزی در وی حال باشد لکن احاطه و قرب و معیت باشیا دارد و ایمان
داریم که الله تعالی با ماست و احاطه و قرب او تعالی ثابت است اما کیفیت این امر معلوم نیست چه ممکن
را از حقیقت ذات و صفات و افعال او تعالی بجز جهل و حیرت نصیب نیست ایمان بالغیب باید آورد
و هر چه در کشف و شهود در آید زیر لا نفی باید ساخت و او تعالی با هیچ چیز متحد نشود و نه چیزی با
تعالی اتحاد پیدا کند غنی مطلق است در ذات و صفات و افعال به هیچ چیز محتاج نیست در وجود
و در ظهور و از همه علامات نقصان و حدوث پاک است جسم و جسمانی نیست و مکانی و زمانی نیست
صفات کمالی در وی موجود اند بوجود زائد بر وجود ذات در خارج حیوة و علم و قدرت و اراده
و بصر و سمع و کلام و تکوین و او تعالی قدیم و ازلی است و غیر او را قدم و ازلیت ثابت نبود و او
تعالی قادر مختار است از شایبه ایجاب و اضطرار منزه است و او تعالی مرید خیر و شر است و خالق این
هر دو اما از خیر راضی است و از شر راضی نیست و حق سبحانه تعالی را مؤمنان در آخرت خواهند دید

بی جهت پی کیف بعثت انبیاء علیهم السلام رحمت عالمیانست اگر توسط وجود این بزرگواران نمی‌بود
بار که دلالت می‌نمود عقل درین امر کافی نیست آنچه این بزرگواران علیهم السلام باعلام حق تعالی اخبار
نموده اند همه صادق اند و عذاب قبر مر کافران را و بعضی از عاصیان اهل ایمان را حق است و سؤال
منکر و نکیر مؤمنان را و کافران را در قبر نیز حق است و روز قیامت حق است و در آن روز سموات و کواکب
و ارض و جبال و بحار و حیوان و نبات و معادن همه معدوم و ناچیز خواهند گشت بنفخهٔ اولی و بنفخهٔ ثانیه
از قبرها برانگیخته خواهند شد و حشر و حساب و میزان و صراط حق است و بهشت و دوزخ موجود اند بعد از محاسبه
گروهی را ببهشت خواهند فرستاد و گروهی را بدوزخ و ثواب و عقاب ایشان ابدیست و ملائکه بندهای
خدا اند جل سلطانه از معاصی معصوم اند و از خطا و نسیان محفوظ از خوردن و آشامیدن پاک اند
و از زنا شوئی منزه و حق تعالی بعضی را ازین ملائکه برسالت مخصوص گردانیده مانند گزیدن پیغمبران
از انسان و خواص بشر افضل اند از خواص ملائکه ایمان عبارت از تصدیق قلبی است بآنچه از دین بطریق ضرورت
و تواتر بما رسیده است و اقرار لسانی نیز رکن ایمان گفته که احتمال سقوط دارد و زیادت و کمی در نفس ایمان
نیست و ذکر خوارق عادات و کرامات اولیا حق است و ترتیب افضلیت در میان خلفاء راشدین
بترتیب خلافت است آنچه در میان صحابه از منازعات گذشته بر خطاء اجتهادی محمول باید نمود نه بر
هوای نفسانی که نفوس ایشان مزکی بودند و تمام صحابه را افضل از اولیا باید دانست که فضیلت صحبت
حضرت خیر البشر صلی الله علیه وسلم از همه کمالات زیاده است بعد تصحیح اعتقاد و از تعلم احکام فقه چاره نبود
دانستن فرض و واجب و مستحب و سنت و حلال و حرام و مکروه گذرانند همچنین عمل بمقتضای
آن علم نیز ضروری است مطالعه کتب فقه از ضروریات شمرده اند والسلام مکتوب چهاردهم که بمیر [?]
در ارشاد دولت [?] محمد صادر در بیان آنکه مراد از خلقت جن و انس معرفت حق است و مفهوم
[illegible] الا الله بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی

لنهتدی لولا ان هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق حمداً کثیراً طیباً مبارکاً فیه مبارکاً علیه کما
یحب ربنا ویرضی و الصلوة و السلام علی سید الوری صاحب قاب قوسین او ادنی و علی آله و اصحابه
البررة التقی والنقی ع از هرچه میرود سخن دوست خوشتر است قال الله تعالی وما خلقت الجن والانس
الا لیعبدون عبادت اگر بمعنی حقیقی خود باشد پس مراد از هر دو گروه جن و انس اهل اسلام باشد و دلیل
این مراد آیت سابقه است فان الذکری تنفع المؤمنین و قراءة ابن عباس نیز برین دلالت میکند
وما خلقت الجن والانس من المؤمنین چرا که برای چیزی که حضرت حق سبحانه تعالی آفریده باشد امکان
تخلف در ان نیست و چاره و ناچار مطلوب از خلقت او ظهور خواهد نمود پس لازم آید که ایمان و عبادت
ظاهر نشد معلوم گشت که خلقت ایشان برای جهنم است چنانچه در آیه دیگر ارشاد گردید ولقد ذرانا لجهنم
کثیراً من الجن والانس فانطبقت الآیات و زال الاشتباه و بعضی گفته اند که مراد از عبادت توحید است
یعنی نیافریدیم جن و انس را مگر برای توحید و یعنی در دار آخرة صریح خواهد شد که همه اعتراف توحید و ایمان
خواهند نمود و دلیله قوله تعالی ثم لم تکن فتنتهم الا ان قالوا والله ربنا ما کنا مشرکین و اعتبار شرک در دنیا
از ایشان صادر گشته نکرده و از جهة قلت وجود کشش برنسبت دار باقی دائمی چنانچه [illegible] تعبیر
بیوم فرموده حیث قال الدنیا یوم ولنا فیها صوم و بعضی اهل الله یوم هم گفته اند پس افسوس صد افسوس که برای فنای
یوم انقدر اهتمام و کوشش نمائیم و عمر عزیز را که مخلوق برای دار الرضا و بالنعیم المقیم است لهو و لعب
سازیم و فریفته و عاشق این ترهات غلاف شکر کردیم فوا ویلاه و یا اسفا علی ما فرطت فی جنب الله
بیت ترسم که یار با ما نا آشنا بماند تا روز آخر قیامت این غم بجا بماند و بعضی عرفا تفسیر لیعبدون بیعرفون
نموده اند یعنی تا که بشناسند حق را و شناختن متفاوت است باعتبار افراد در شناخت حافظ شیرازی
رحمة الله علیه میفرماید بیت تو و طوبی و ما و قامت یار فکر هر کس بقدر همت اوست و کمال
عرفان آنست که فنائی المعروف حاصل شود چون بانیم رتبه رسید مصدر عبادت مقبوله شد و هر فعلی

وقولی وحرکتی وسکونی که از وی سر بر میزند از اصل است واز نحو کجوست ودرین قرب هم ادنی
واعلی است ادنی این است که فاعل بنده باشد وآلهٔ حق واین را قرب نوافل مینامند کما ورد
فی الحدیث القدسی لایزال العبد یتقرب الیّ بالنوافل حتی احبه فاذا احببته کنت سمعه الذی یسمع به
والبصره الذی یبصر به ویده الذی یبطش بها ورجله الذی یمشی بها واعلی این است که آلهٔ بنده باشد
وفاعل حق جل جلاله وعم نواله واین قرب فرائض است قوله تعالی وما رمیت اذ رمیت ولکن الله رمی
دال است برین امر تا که را باید دولت مشرف سازند بیت تو مگو ما را بدان شه بار نیست با کریمان
کارها دشوار نیست اگرچه نیک نیم حال کیانی نیکانم عجب که تشنه بمانم سفال ریحانم والسلام خفتانی
ملبوس این براه پوشیدن ایشان بدست ملا جلال فرستاده شد مکتوب بیست وهفتم بمولوی [illegible] در رفت ان
[illegible] صدور یافته در بیان آنکه ذکر اسم ذات ونفی واثبات مقرر [illegible] باشد واجازت
دادن خواندن سائر اوراد که معمول حضرات پیران کبار است در جواب [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم
حامداً لله العلی العظیم کما یلیق بجنابه تعالی ومصلیا ومسلما علی رسوله الکریم کما ینبغی ان یصلی علیه وعلی آله
الذین اجتباهم الله جل ذکره لحبیبه وعلی اصحابه الذین اختارهم الله سبحانه لصحبته تحیة مثل ما جری لشانهم
برادر عزیز از جان حقائق ومعارف نشان مقبول بارگاه احد حاجی ملا دوست محمد صاحب سلمه الله تعالی
از فقیر احمد سعید مجددی کان الله له عوضا عن کل شیء بعد از سلام مسنون ودعوات ترقیات مشحون
مطالعه فرمایند الحمد لله که تا تحریر فقیر مع متعلقان بخیریت است ومسئول از الله سبحانه سلامتکم وعافیتکم
واستقامتکم علی الشریعة المصطفویة علی صاحبها الصلوة والسلام والتحیة مکتوب محبوب انعزیز دست عز خان
مع تحف هدایا از قسم پوستین وجبه وپنج عدد کلاه ویک انبان جلغوزه ویک انبان قسم میوه بود ودر
مسعود [illegible] رسانید جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء وتقبل الله منکم ارقام نموده بودند که چیزی تبرک
برای ازالهٔ شقاوت قلبی عنایت شود چونکه درین ایام ما از زمزم ازالهٔ معظمه نزد فقیر رسیده ودر نفس آن

آن از زبان گوهرفشان حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله وسلم چنان صدور یافته وما از قوم
لما شرب یعنی آب زمزم برای هر چیزی که نیت نموده بوقت نوشیدن آن چیز ظهور می آرد بهتر از این
چیزی را تبریده برای ازالهٔ کدورت که از لوازم بشریت است برای ایشان فرستاده شد وسجاده
وتسبیح مستعملین نیز مرسل شد الله تعالی آن عزیز را سجاده نشین پیران کبار سازد ودشت
وصحرا وتن بلاد را از فروغ نسبت حضرات کرام که در درجهٔ ایشان مودع است منور فرماید آمین یا رب
العالمین جواب از سوال دوم آنکه شخصی که بعد از رحلت بیاید وحالش فراموش شود که در کدام طریقه داخل
شده بود از آن شخص باید پرسید که در کدام طریقه بیعت نموده بود اگر او را یاد باشد شجره همون طریقه
بدهد واگر او هم فراموش کرده باشد از وی باید پرسید که بیشتر اعتقاد بکدام خانواده دارد اگر ترجیح
اعتقاد خود بیان نماید شجره همان طریق بدهد واگر مساوات در اعتقاد دارد شجرهٔ نقشبندیه عنایت
کنند جواب از سوال سیوم آنکه نام حضرت والد ماجد فقیر در هر شجره نوشته باشند که موجب برکات است
نوشته بودند که بیشتر هر چه اوراد ومراقبات میکردم برکات وفیوضات معلوم میشد الحال هیچ اثر نمیابم
وروز بروز از دنیا واهل دنیا دل سرد میابم وروز بروز دل را بجناب حق تعالی مائل می بینم وتوجه
بر طالبان اثر بسیار دارد معلوم نمایند که سردی دل از دنیا واهل دنیا ومیلانش بجناب الهی سبحانه
وتاثیر توجه بر طالبان فائده معتدبهاست از فهم فیوضات وبرکات وعدم ادراک ناشی از تجلیات ذاتیه
است که بر تر تجلیات ذاتیه فائض میشوند واحوال ایشان مثل احوال مرقوم شما میباشد از تذکار احوال
سابقه نقصان احوال خود نفهمند انشاء الله العزیز روز بروز در ترقی خواهد شد جواب از سوال پنجم آنکه
اسم ذات از هر لطیفه یک یک هزار ودر قلب پنج هزار ونفی واثبات یازده صد بار وتهلیل لسانی پنج هزار بار
وتلاوت یک سپاره کلام الله ونماز تهجد واشراق دو دو رکعت وبعد از آن دو رکعت استخاره وبعد از سلام
دعای استخاره که در حدیث شریف وارد است خوانده باشد ونماز چاشت اگر دوازده رکعت شود بهتر است

اسم ذات از هر لطیفه یک یک هزار
ودر قلب پنج هزار ونفی واثبات
یازده صد بار وتهلیل لسانی پنج هزار
بار وتلاوت یک سپاره کلام الله

والا چار رکعت فرض است و فی زوال چار رکعت و بعد از سنت مغرب دو رکعت استخاره و بعد
از ان دعای استخاره برای شب خواندن و شش رکعت اوابین مواظبت نمایند بعد از نماز دایمی
یکهزار درود شریف معمول نمایند و استغفر الله العظیم الذی لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه
صد بار وقت طلوع آفتاب و صد بار عند الغروب خوانده باشند و بعد از هر فرض آیة الکرسی
و سبحان الله سی و سه بار و الحمد لله سی و سه بار و الله اکبر سی و چهار بار معمول کنند و بعد از
نماز صبح و بعد از نماز مغرب در حالیکه بدو از قبله نگردانیده باشند ده ده بار لا اله الا الله وحده
لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر و سه
و صد بار لا اله الا الله الملک الحق المبین بعد از نماز صبح در حدیث شریف وارد است و دعای که
در کتاب حصن حصین برای هر وقت و هر دقت وارد شده همه از حی المقدور ورد نمایند و اگر
حصن حصین در اینجا نباشد از کجا طلب نمایند جواب از سوال ششم انکه در حالت نماز متوجه حقیقت
صلوة شده ارکان بجا آورده باشند و فرائض و واجبات و سنن و مندوبات را که در کتب فقه تفصیل
ذکر یافته بجا آورده باشند حاجت ذکر اسم ذات و نفی و اثبات در نماز نیست خشوع و خضوع و طول
قنوت و حضور بدرجه اتم که ان تعبد الله کانک تراه فان لم تکن تراه فانه یراک بسیار رعایت کنند
در حدیث شریف وارد است که الصلوة معراج المؤمن نماز بطوری ادا شود که حالت معراج ظهور نماید لی
مع الله وقت لا یسعنی فیه ملک مقرب و لا نبی مرسل کنایه از سرور کائنات صلعم و ریافته نزد فقیر در نماز
بوده الله تعالی کمال اتباع آنحضرت صلی الله علیه و سلم سبب کمال متابعت محبوب خود با تم تبه فائض میسازد
اللهم ارزقنا کمال اتباع حبیبک قولا و فعلا و عملا و اعتقادا س با آن ایمان کار ما دشوار است ج جواب از
سوال هفتم انکه اشتغال قادریه و چشتیه بهر دمانیکه شائق آن از کار بوده باشند تعلیم کرده باشند مضائقه
نیست س در دو منزل انکه چی بگم راه کالجه بهر چی ج جواب از سوال هشتم انکه هفتاد هزار حجاب که
میه نظیف منزل اعتبار لیست مقدر تفاوت راهیست

که در حدیث شریف وارد شده اند تا وقت سیلن لطائف یا اسول خود حجبهای ظلمانی تمام قطع میشود
و حجابهای نورانی در مقامات فوقانی الی ولایة العلیا تمام میشوند بعد از ان وصل عریان حاصل میشود
س تا یار کرا خواهد و میلش بکه باشد ج جواب از سوال نهم انکه ملالت از سخن حاصل شدن که سابق نبود
حالا حادث شده بسیار خوب است من سکت سلم ومن سلم نجی کان رسول الله صلی الله علیه و سلم دائم الفکر
متواصل الحزن مگر امر بالمعروف و نهی عن المنکر و سخن ارشاد برای طالبان طریق ضرورت اگر چه
ملاله حاصل شود تدارک ملال باستغفار نماید متالم شدن از سخن وعظ و نصیحت از خواص نسبت شریفه است
و غیرت محبوبست که نمیگذارد بطرف دیگر متوجه شود جواب از سوال یازدهم انکه کلمات نامربوط و سخن لاطائل
فقیر که بنام ایشان فرستاده میشوند لیاقت آن ندارند که کسی آنرا جمع سازد و یا ترتیب دهد مکاتیب
قدسی آیات حضرات کرام ما برای طالبان طریق کافی و وافی اند اما بفحوای غرای حضرت سید مختار
صلی الله علیه و سلم که ما راه المؤمنون حسنا فهو عند الله حسن بحسن نیت شما شاید بقبول عند الله شود
س چشم دارم که دعای برشکاه احسن قبول ج انکه در ساخته قطره بارانی را الکن در تصحیح و مقابله با صل
مکتوب جهد بلیغ مرعی دارند که غلطی نشود مکاتیب که براه فرزندی فرستاده اند غلطی بسیار دارند شاید
مقابله نکرده باشند استیفای حقوق که بر ذمه ایشان اند از حلوا فرش اینجا نموده شده و از آنجانب طلب احد
و جیب احمد نیز کرده خواهد شد خاطر جمعیه اند و السلام از فرزندان و درویشان خانقاه سلام شنوان قبول نمایند
از عبد السید محمدی بخدمت شریف حاجی دوست محمد صاحب السلام علیکم و رحمة الله و برکاته یک جنه سبز رنگ
همه مکتوب حضرت پیر و مرشد برحق که از عنایت مهربانی فرستاده بود نزد رسید جزاکم الله تعالی عنا خیر الجزاء
والسلام مکتوب شانزدهم بنام بزرگی که درویشان دولت محمد صدر یافته در بیان انکه ادعیه ماثوره که در
احادیث شریف است و اسماء الحسنی حق تعالی و دعای حزب البحر که مهمات دین و دنیا و برای کفایت کند نامه خوانند
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله و سلام علی عباده الذین اصطفی و الصلوة و السلام علی سید الوری و علی آله و اصحابه

متالم شدن از سخن وعظ و نصیحت
از خواص نسبت شریفه است

استغفار

البركة اتقى اخوى اعزى ارشدى حاجى ملا دولت محمد صاحب سلمه الله تعالى وجعله للمتقين اماما از فقير احمد سعيد
عفى عنه بعد از سلام و التحية معلوم فرمايند كه شكر جناب واهب العطايا مقدور زبان و بيان نيست بيت گر بتن
من شود زبان هر موئى يك شكر وى از هزار نتوانم كرد ادعيه صبح و شام كه در حديث شريف وارد و
در دو اين كلاشى پالست مرقوم ميسازد وقت بيدار شدن از خواب الحمد لله الذى احيانا بعد ما اماتنا
واليه النشور اللهم بامسك نحيا وبك نموت واليك النشور وقت بر امدن از خانه بسم الله توكلت على الله
ولا حول ولا قوة الا بالله العلى اللهم انى اعوذ بك ان اضل او اضل او اظلم او اظلم او اجهل
او يجهل على وقت صبح فسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون وله الحمد فى السموات والارض وعشيا
وحين تظهرون يخرج الحى من الميت ويخرج الميت من الحى ويحيى الارض بعد موتها وكذلك تخرجون سه بار
سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين سه بار اصبحنا واصبح الملك لله
لله لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيى ويميت بيده الخير وهو على كل شيء قدير اصبحنا على فطرة
الاسلام وعلى كلمة الاخلاص وعلى دين نبينا محمد صلى الله عليه وسلم وعلى ملة ابراهيم حنيفا مسلما وما انا من المشركين
اللهم ما اصبح بى من نعمة او باحد من خلقك فمنك وحدك لا شريك لك فلك الحمد ولك الشكر وقت رفتن
بيت الخلا اللهم انى اعوذ بك من الخبث والخبائث بسم الله وقت بيرون امدن غفرانك الحمد لله الذى اذهب عنى
الاذى وجعل له مخرجا وقت وضوء ادعيه منقول كه در فقه منقول اند معمول است وقت دخول مسجد
اعوذ بوجهه العظيم وسلطانه القديم من الشيطان الرجيم اللهم صل على سيدنا محمد وعلى آل سيدنا محمد وبارك
وسلم اللهم افتح لى ابواب رحمتك وقت شروع نماز انى وجهت وجهى للذى فطر السموات والارض حنيفا
مسلما وما انا من المشركين ان صلاتى ونسكى ومحياى ومماتى لله رب العالمين لا شريك له وبذلك امرت
وانا من المسلمين وقت بيرون آمدن از مسجد اللهم انى اسئلك من فضلك اعوذ بكلمات الله التامات كلها من
شر ما خلق سه بار بسم الله الذى لا يضر مع اسمه شيء فى الارض ولا فى السماء وهو السميع العليم سه بار و همين ادعيه

ادعيه مرقومه وقت شام ممكن بجاى اصبحنا امسينا بايد خواند و بعد هر نماز وظايف حزب الاعظم معمول
كرام است كه مهمات دينى و دنيوى را كفايت ميكند و يكبار در روز و شب اسما حسنى حق تبارك و تعالى خواندن
ضرور است كه در حديث شريف در فضيلت آن آمده است من احصاها دخل الجنة والسلام عليكم وعلى من
لديكم [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم حاجى صاحب
مهربان عزيز از جان حقايق و معارف نشان مقبول بارگاه الله ملا دولت محمد صاحب سلمه الله تعالى از فقير
احمد سعيد عفى عنه بعد از سلام مسنون و ترقيات مشحون مطالعه فرمايند الحمد لله كه فقير با فرزند ذوى تعده
بخيريت ايم و صحت و عافيت آنصاحب از جناب الهى سبحانه مسئول است ربانى صميمى و رحمت معلوم شد
انشاء الله صحت ميشود از بودن بيمارى دلتنگ نشوند كه فرستاده حق ميباشد بيت حب الرسول
لحب حبه المرسل هذا لسعد الرسول وحبذا پس دولت و شفاعت و واسطه از دوستى اصل است در حديث
شريف وارد است وقتيكه حق بنده قايم باشد و حق تعالى ميخواهد كه اين بنده را به درجه اعلى رساند به مرضش
مبتلا ميسازد و او صبر ميكند بسبب صبر درجه اش بلند ميسازد رباعى حضرت شاه نقشبند رضى الله عنه از
طرف لسان الغيب هم بسيار محفوظ ميسازد و آن اين است ه يا درد دلا چون دوائى تو منم ه
دركشمكش جوابشنائى تو منم ه گر بر سر راه عشق من كشته شوى ه شكرانه بده كه خون بهائى تو منم ه الله تعالى همه
همه دوستان را بچنين عمل يابى عطا فرمايد يك ضرب و زنبيل خورد آلو بخارا بدست ممن و يك زنبيل بادام
ديگر زنبيل كشمش كه در وقت ارسال بسته بودند از دست ملا جلال رسيد جزاكم الله عنا خير الجزاء و تا هنوز كدام
مكتوب ايشان نرسيد كه از احوال باطن معلوم ميشود اما غائبانه باطن شما را از نسبت بزرگان اينجانب
معمورى ميخواهم اللهم زد فزد و كثر اخوانانى الدين الله تعالى وجود شما را آفتاب اين نسبه و موجب اشاعت
نسبت شريفه در ان بلاد فرمايند همه و كبرا اما بايد كه باذكار و اشغال معموله فتورى نرود كم از پنج هزار كلمه

طیبه علما با معنی و هم ذات شامل و چه از هر طبقه یکیک هزار و یازده صد نفی اثبات و جهر در هر روز
و تلاوت یکجزو قرآن شریف و اشراق و چاشت و ضحی و زوال و اوابین و تهجد در روز و شب خوانده شده
و زیاده ازین نور علی نور یهدی الله لنوره من یشاء والسلام زبانی معلوم شد که فرمایش یکجلد کلام الله
امروز تمام گشت خود را دیدم بدست نیامد هرگاه دستیاب خواهد شد فرستاده خواهد شد عوض آن دو
زنجیر گرد و روشغال هم طرفی نوشته اند فرستادیم و دو سال شد که چهل مکتوب نیز فرستاده بودم تا هنوز
رسیدنش معلوم نیافت شد رسید هر دو نفر رسیدند که اطمینان حاصل شود از فرزندان و دوستان و درویشان
خانقاه سلام مسنون قبول نمایند مکتوب بیست و هفتم از مکتوبات ایشان در دست محمد صدور یافته در بیان آنکه
هر چیز که در دل شیخ شود باید که در دل شروع بذکر حق تعالی کند بعد از آن آن خبر دیگر شود و جمل ... ره
ما لا ینبغی است بسم الله الرحمن الرحیم بعد الحمد والصلوة و تبلیغ الدعوات اخوی اعزی ارشدی حاجی دوست محمد جعله
الله سبحانه ... و صونهما عما سواه معلوم فرمایند که الحمد لله که فقیر تا حین تحریر جامه خامه غیر متناهیه
فائضه از منعم علی الاطلاق جلت آلاؤه و عم نواله است و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و دعا فیتکم و بقاءکم
علی الشریعة المصطفویة علی صاحبها الصلوة والسلام دور قیمه کریمه که مشتمل بر اشتیاق بود رسید بمطالعه آن
مسرور و مبتهج گردید حدیث قدسی است الا طال شوق الابرار الی لقائی و انا الیهم لاشد شوقا از طرف
این فقیر مشتاق بر خوانند اما در هر دو مکتوب احوال باطن خویش و حالات باطن مستفیدان مرقوم نساخته اهم
مقاصد را گذاشته بغیر اهم پرداخته داخل دائره ما لا یعنی است قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم علامة اعراضه
تعالی عن العبد اشتغاله بما لا یعنیه اللهم لا تکلنا الی انفسنا طرفة عین و لا اقل من ذلک فتهلکنا و لا تجعل الدنیا
اکبر همنا و لا غایة رغبتنا و لا منتهی علمنا و اجعل همنا هم الآخرة و الشوق الی لقائک و لقاء حبیبک صلی الله علیه
و سلم و ج... بل کلما ذکرک و ذکر حبیبک علیه الصلوة والسلام و ذکر احبائک رضوان الله علیهم اجمعین فانا
لا نستطیع غیر ذلک الهی مرا از دوستان خود کن یا از دوستان دوستان خود کن که قوم دیگر را طاقت

طاقت ندارم خوش گفت ع مسکین حسن بگو مدتی ای وقت تو عشاق تو خوش گرمی از نشان مستم
در کار ایشان کن مرا گر ندارم از شکر جز نام بهر این لب بی بهره که اندر کام هر باید که اولا از مقبول
مرقوم میشود بعد از آن استطرادا و تبعا هر چه باشد باشد و هر کاریکه کرده شود در متابعت رسول کریم
صلی الله علیه و آله و سلم کرده آید سواء کان ماکولا او مشروبا او ملبوسا او بیعا او شراء او نکاحا او صلوة
او صوما او ذکرا او ارشادا للخلق فانا لا نفعل بالمتابعة شیئا رزقنا الله سبحانه و ایاکم کمال اتباع حبیبه
صلی الله علیه و سلم ظاهرا و باطنا و یرحم الله عبدا قال آمینا در عالم عشق مجازی کسیکه مشابهت بمحبوب
نمیکند چه بلا زیبا بنظر عاشق میآید را به عالم حقیقت را بر آن قیاس باید کرد آیه کریمه قل ان کنتم تحبون
الله فاتبعونی یحببکم الله شاهد همین معنی است یعنی اتباع محبوب رب العلمین بمرتبه محبوبیت خاصه حضرت حق
سبحانه و تعالی میرساند اللهم اجعلنا منهم ع هر چند نیم لایق درگاه سلاطین ه امید بامید شاهان چه عجب
گر بنوازند گدا را ه گاهی بنگاهی ه و نختم الکتاب علی خاتمة حسنة متضمنة علی ابیات مدحه صلی الله علیه
و آله و سلم لتکون وسیلة للنجات و فوزا بصلاح الدارین ع ما ان مدحت محمدا بمقالتی ه
لکن مدحت مقالتی بمحمد ه محمد عربی کابروی هر دو سرا است ه کسیکه خاک درش نیست خاک بر سر او ه
محمد از تو میخواهم خدا را ه الهی از تو عشق مصطفی را ه یا رسول الله السلام علیک ه انما الفوز
و الفلاح لدیک ه بدرت آمدم جوابم ده ه مرهم بر دل خرابم نه ه لب جو جاه و حرامم را ه یکجواب تحیه صد سلام مرا ه
گر ز رفتم طریق طاعت تو ه هستم از عاصیان امت تو ه ترحم یا نبی الله ترحم ه ز مهجوری برامد جان عالم ه
نه آخر دردمندان را دوا می ه نه آخر رحمة للعالمینی ه چه وصف کند احمد نام علیک الصلوة ای نبی السلام ه
اگر این ابیات ما خواندند و بروح اطهر سرور عالم صلی الله علیه و آله و سلم رسانیده باشند مثمر برکات
خواهد شد فقط هدایا مرسله سه اسپان بادام و یک ازنوت و یک از کشمش موصول گردیدند و سه کلاه و یک
تسبیح نیز رسید جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء از فرزندان و درویشان سلام مسنون خوانند

مکتوب نوزدهم بنام برادر گرامی درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان آنکه بعضی تبرکات آنحضرت که این
فقیر را سرافراز ساخته و دعا در حق این عاصی نموده‌اند بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی
ملا دولت محمد صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون و اشتیاق مشحون مطالعه کنند
بخیر باد و سابق ازین مصلا و تسبیح و زیرجامه و قمیص خود بدست ملا پشوری فرستاده‌ام انشاء الله تعالی
خواهد رسانید و دران رقیمه جواب اسوله ایشان نوشته‌ام مطالعه خواهند فرمود و الله تعالی فقیر را دائما ببرا
پیوسته در یاد محبت خود بدارد و یک لحظه بغیر خود ملتفت نسازد اللهم لا تکلنا الی انفسنا طرفة عین و لا اقل من
ذلک و لا تجعل الدنیا اکبر همنا و لا غایة رغبتنا و اجعل الآخرة محبوبا لدینا و شوقا الی لقائک و لقاء حبیبک
صلی الله علیه وسلم آمین یا رب العلمین والسلام اولا و آخرا حالا نیز یکی [illegible] مرسل است برای حامل این رقیمه
ادار دعا فرمایند مکتوب بیستم بنام برادر کلیه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان آنکه [illegible]
[illegible] اخوی اعزی ارشدی حاجی
صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون و اشتیاق مشحون کاشف ما نه الفقیر بالحمد
لله حمدا کثیرا طیبا مبارکا فیه مبارکا علیه کما یحب ربنا و یرضی خوش گفت بی تو جانان قرار نتوانم کرد
احسان ترا شمار نتوانم کرد گر بر تن من زبان شود هر موی یک شکر تو از هزار نتوانم کرد و چه گونه بجهت
نعمای غیر متناهیه متناهی تو انجمد حمل [illegible] را چه یارا کدام در ادای اوصاف واجب قدیم زند و چون از عجز
چه بیان سازد الهه از خویشتن چو نیست چنین چه خبر دارد از چنان چنین لا تحمل عطایا الملک
الا مطایاه مگر آنکه بعجز اعتراف نماید کما ورد فی الحدیث الشریف لافضل الرسل علیه افضل الصلوة والسلام
لا احصی ثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک ثنا دادا کما ینبغی برای بیچون تعالی بیچون است که از مرتبه
وجوب مبادی شود و از خود برای خود جلوه نماید فقط لب بستگی و [illegible] جامعه اکتفا نمودم والسلام
برای حاملین رقیمه ادار و ظرطلی دعا نموده باشد مکتوب بیست و یکم بنام [illegible] درویشان دولت محمد صدور

نطق را چه یارا کدام در ادای اوصاف
واجب قدیم زند

یافته در [illegible] فقیر [illegible] صاحب [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible] اخوی اعزی ارشدی حاجی ملا دولت محمد
صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون السلام علیکم و رحمة الله و صحیح مجامد الحمد لله
که فقیر معه متعلقان تا بتاریخ بیست دویم ذی القعده بخیریت است و المسئول من الله سبحانه سلامتکم
دعا فقیکم و ترقی ارشادکم و هدایتکم و یرحم الله عبدا قال آمینا دو اثنیان بادام و یک ابان کشمش
و یک مصلا و چهار کلاه از دست جمعه خان موصول گردیده جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء و فرزندی اعزی
حاجی عبد الرشید مع الخیر از حج و زیارت فراغت نموده در خانه رسید الحمد لله علی ذلک و علی جمیع
نعمائه از طرف ایشان و برادران محمد عمر و حافظ محمد مظهر و جمیع درویشان خانقاه سلام مسنون
قبول فرمایند مکتوب بیست و دوم به برادر کبیر درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم حمد را با تو نسبتی است درست بر دری هر که هست
بر در تست لان الحمد عبارة عن اظهار الصفات الکمالیة و الکمالات باسرها و جمیعها فی ای ذو کانت
مستفادة من جناب قدسه لانه خیر محض و کمال خالص و الممکن معدن الشر و مصدر النقائص فحمد
الممکن باعتبار الکمالات حمد له تعالی جل جلاله و عم نواله فهو المحمود حقیقة و ما سواه مجاز فالالف و اللام
فی قوله سبحانه الحمد لله رب العلمین للاستغراق لا غیر و کذلک الصلوة مخصوصة لسیدنا و نبینا و شفیعنا
و وسیلتنا فی الدارین احمد المجتبی و محمد المصطفی صلی الله علیه و آله وسلم لان الصلوة عبارة عن الرحمة
الالهیة و هی راجعة الی من ارسله رحمة للعالمین المشرف بتشریف قوله سبحانه و ما ارسلناک الا رحمة
للعالمین فوصول الرحمة الی غیره یکون بالتبع و العرض لا بالذات و الاصالة لان وجود جمیع الموجودات
حصل من وجوده المبارک علیه الصلوة والسلام لولاک لما خلقت الافلاک و لولاک لما اظهرت الربوبیة
شاهدان عادلان علی هذا المرام و بعد رسول الله [illegible] ظهور الرحمة الکاملة و جزئی سیدنا

ترک

واما مناقب ابی بکر الصدیق رضی الله تعالی عنه الذی قال فی حقه نبینا صلی الله علیه وسلم ارحم امتی بامتی ابوبکر
ولهذا السر صار افضل البشر بعد حبیب الله الاکبر ثم عمر ثم عثمان ثم علی علیهم الرضوان الی یوم القیام
ولذلک ورد فی الحدیث القدسی سبقت رحمتی علی غضبی فهو رحمن الدنیا للمؤمن والکافر ورحیم الآخرة
للمؤمنین خاصة ولله سبحانه مائة من الرحمة واحد منها ظهرت فی الدنیا تتراحمون اهل الدنیا فیما بینهم
وظهور تسعة وتسعین جزو منها موقوف علی الآخرة ومن ثمه قال بعض الاکابر ان ارحم الراحمین اسم الله
الاعظم الذی اذا دعی به اجاب واذا سئل به اعطی یا ارحم الراحمین مغفرتک اوسع من ذنوبی
ورحمتک ارجی عندی من عملی ورحمتک ای جوفلا تکلنی الی نفسی طرفة عین ولا اقل من ذلک ضحاک
ونختم المکتوب بالحدیث المسلسل بالاولیة الذی وصل الی من جناب الامام الربانی المجدد للالف الثانی
رضی الله عنه قال رسول الله صلی الله علیه وسلم الراحمون یرحمهم الرحمن ارحموا من فی الارض یرحمکم من فی السماء
والسلام حامل القرطاس صار باعث لهذه الکتابة فارحم علیه بمزید الدعاء من بین آن انهم مکتوب بیست و سوم
در بیان کیفیت [illegible] در بیان اظهار [illegible]
[illegible] از ایشان نموده بودم بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی دولت محمد
صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید مجددی معصومی بعد از سلام سنت خیر الانام علیه الصلوة والسلام
واضح خاطر خطیر باد الحمد لله المنعم المنان که احوال فقرا این اوطان مستوجب حمد بسیار خالق جهان است
واز نوید وصول ایشان مع الخیر والعافیة در اوطان ومساکن خویش شکر خدا و بجا آورده شد و از ادراک
ترقیات احوال طن آنجا بعد طالبان شکر بر شکر نمودم س اعلا السعدی الرسول [illegible]
الرسول لوجه الرسل سوال فرموده بودند که طریقه قادریه وچشتیه در ضمن سلسله نقشبندیه ترویج
دهند وشجره همان طریقه دهید که بعزت گرفته باشند قربان حضرت شوم درین دو طریقه اذکار و لطائف
ومراقبات چنانچه در طریقه نقشبندیه ذکر الله بقلب وروح وسر وخفی واخفی وقالب ونفی واثبات وتهلیل

وتهلیل لسانی ومراقبه احدیت ومعیت واقربیت الی آخر المقامات تا مراقبه لاتعین همین است یا نه جواب
این اذکار واشغال ومراقبات مخصوص خاندان نقشبندیه مجددیه اند در آن هر دو طریق نیست اشغال
ومراقبات طریقین در رساله انفار ارابعه مرقوم ساخته ام من شاء الاطلاع فلیرجع الیه سوال دوم که
العلاج مسطور است در طریقه در اخذ فیوضات احیاء واموات برابر اند طریقه احیاء خود معلوم است کیفیت
احوال اموات بابن فقیر معلوم نیست جواب درین طریقه چنانچه با احیاء توجه کرده میشود همچنان بر قبور
اموات گذشته توجهات مینمایند واز توجه این مقبولان ترقیات در باطن اموات حاصل میشود جواب از
سوال سیوم آنست که تخصیص فیض معیت بر قلب واقربیت بر لطائف خمسه ومحبت بر نفس فقط وسمی الباطن
بر عناصر ثلثه وکمالات نبوة بر عنصر خاک از مکشوفات پیران کبار رحمهم الله ودر تجربیات این عاجز است
حاجت دلیل نیست جواب از سوال چهارم اگر طالبان طریقه قادریه وچشتیه شوق تعلیم اذکار
واشغال طریقه مخصوصه خود مینمایند تعلیم بکنند مضائقه ندارد وبیان الحاح [illegible] از خود نکند که مقصود
مرشدان آنست که طالب بزودی بمطلوب برسد وراه اقرب از همه طریقه نقشبندیه مجددیه است
شکر الله احبابی الی یوم التناد [illegible] عرق چینی ویک جوری جوراب ویک [illegible] بادام ویک [illegible] جوز
از دست ملا یا محمد رسید جزاکم الله سبحانه عنا خیر الجزاء ان فرزندان وبرادران ودرویشان سلام
مسنون قبول نمایند مکتوب بیست وچهارم بهمین معنی بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی
صاحب [illegible] ارشاده وسلمه ربه والی معارج کمال الدارین رقاه از فقیر احمد سعید حفظه الله تعالی بلطفه
الحمید بعد از اهدای هدیه مرضیه سلام مسنون والتحیة معلوم خاطر خطیر باد الحمد لله حمدا لا تعد ولا تحصی
علی نعماءه ونضاله الغیر المتناهیة من طالب لسانه بهذین البیتین بیت ای تو جانان قرار نتوانم کرد
احسان ترا شمار نتوانم کرد * گر بر تن من زبان شود هر موئی * یک شکر تو از هزار نتوانم کرد * وهم تما
جنانه بهذه الابیات بیت شاها ستائش تو بعقل وزبان من * کی میتوان که فضل تو از عقل مهر برست

او صاحب چو تو پادشاهی از من گدا ، صیقل زدن با آئینه مهر انور است ، از لطف چو تو شاه ستم دیده
بنده ، انچه اگر خلاص شود ده چه درخور است ، تا اهل و سزای نوازش نیم ولی ، نا اهل و اهل
پیش کریمان برابر است ، والمسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و استقامتکم و ترقی ارشادکم آناً فآناً
ساعةً فساعةً و یرحم الله عبداً قال آمینا رساله حق المبین را تصحیح ساخته شد جلد ساز اجزای شی
مقدم مؤخر نموده است هذا برادر اخش رقم اعداد هندسه نمود نظام موافق مرقوم نمود اند تا مطلب
بفهم درآید اگر در حضور میخواندید لطف دیگر پیدا میکرد و اجوبه سؤالات مرقومه در مکتوب اول معرفت
پاینده خان نوشته فرستاده ام انشاء الله تعالی رسیده باشد احتیاج تکرار ندید دوستی ایشان
میوه بعد خوره و شیر خشت از دست حامل رساله موصول گردید جزاکم الله سبحانه عنا خیر الجزاء بعد رفتن
ایشان دوبار در عالم رؤیا آن عزیز القدر را دیدیم از هر دو واقعه ترقی و رفعت شان آنعزیز
معلوم شود الحمد لله علی ذلک من تواضع لله رفع الله قدره حدیث صحیح است بنده صادق را بالیکه رود برون
عظمت مولی خود جل جلاله و عم نواله از خود نام و نشانی نگذارده و این شهود دائمی باشد ، جسم
همه زار گشت و چشم بگریست ، در عشق تو بی جان همی باید زیست ، از من اثر نماند این عشق از چیست
چون من همه ناچیز شدم عاشق کیست ، لقد وقت شود امین ملا سید نور حامل رقیمه هذا احوال صالح
و سعید است تو بی باطنش خوب بعد بر عناصر تشنه توجه کرده شد بعد از قوت استقامت در دیگر مقامات تا آخر
سلوک توجهات نمایند که قابلیت انشاء الله تعالی دارد در ختم خاص کلمه مسلک نموده بعونه است یاد حیم
کل صحیح و مکروب و غیاث و معاذ ، یا نصف یار درود شریف صد صد بار اول و آخر
اصلی کشتیح خاص در ختم کلام الله مجید بیست و هفت سیاره برای آن عزیز از جان فرستاده شد سیاره
از اول تا مانده کتابت تا ختم کامل شود در ترجمه اشعار رساله مرسل خواهد شد از فرزندان ایشان و اولاد و
خانقاه و سلام مسنون قبول فرمایند مکتوب بیست و هفتم از آنکه از اولاد و ارشاد حضرت مجدد یافته در جواب آنکه

مدارشان در کدام مقام است ... مکاتیب اخوی اعزی ارشدی زاد الله ارشاده و طول بقاه بعد
المسترشدین بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند الحمد لله رب العالمین که احوال فقرا
انجاوره و مقامات ... المحمود موجب حمد جدید و شکر لا یحصی و لا تعد است و المسئول الله المعمول من ارحم الراحمین
صحتکم و عافیتکم من الآلام و الاسقام الظاهرة و الباطنة و افادتکم الافادة یوماً فیوماً و ساعةً فساعةً
علی الطالبین و یرحم الله عبداً قال آمینا من استوی یوماه فهو مغبون مقرر و مسلم عند السادات الصوفیة
رحمة الله علیهم فیا الهی و مولای لا تجعلنی و اجعلنی من المغبونین بل زدنی آناً فآناً محبتک و محبة حبیبک
صلی الله علیه و سلم و لا تکلنی الی انفسنا طرفة عین و لا اقل من ذلک بفضلک و نقصنا لما تحب و ترضی و اجعل آخرتنا
خیراً من الاولی آمین ، جگر کردن این عین تیر خون شد ، جگر کز این سرای فانی جوان شد ، مصحف
بکف میانی بره و دیده بدوست ، باچنگ اجل خنده زنان بیرون شد ، والسلام مکتوب بیست و ششم

در بیان آنکه ... حضرت مجدد ... در بیان حضرت معیة ذاتیه ... در بیان ...
جانک بسم الله الرحمن الرحیم سبحانک لا علم لنا الا ما علمتنا انک انت العلیم الحکیم و صلیا علی رسوله صاحب الخلق
العظیم و آله الجسیم و اصحابه الفخیم اما بعد فقد ورد الی کتاب کریم من الاخ الاعز الارشد الفهیم ... الطریقین
الشریفین سلمه الله سبحانه علی رؤس المستفیدین مشتملاً علی مسائل اهل الیقین المسئلة الاولی افادوا سل السالک
الی مقام یری فیه ذاته و ذوات الممکنات معدوماً محضاً و یعلم ان الوجود ثابت للحق سبحانه فکیف یلاحظ حکم
المعیة و الاقربیة الجواب ان صاحب هذا المقام قد تشرف بفناء النفس المعبر بالفناء المطلق المنزل للعین
و الاثر کما اشار الیه سلطان ابو سعید رحمة الله علیه بالفارسیة ، جسم همه زار گشت و چشم بگریست ،
در عشق تو بی جسم جان باید زیست ، از من اثری نماند این عشق از چیست ، چون من همه معشوق شدم
عاشق کیست ، و اختم در مصرعه اخیر چنین میخوانم ، چون من همه ناچیز شدم عاشق کیست ، حفظاً
للمراتب لیس صاحب فناء المطلق بقاء اتم مستعد خواهد شد و مقام لا یذکر الله الا الله نصیب او خواهد شد

من اهتم ... فهو مغبون

وهر دو کرو فکر او از اصل خواهد بود نه از ظل یعنی بوجود موهوب حقانی فهو الاخطاء المراتب مورد
الفیض ومهبط الاجل عطایا الملک المعطایاه جواب از سوال دوم ائمه علماء معتبره واقرجیه علی میگویند
وصوفیه صافیه ذاتی میدانند وحضرات میفرمایند که معتبره واقرجیه بچون وبچگون لحاظ باید ذات نمانند
ذات او سبحانه وجمع عبارت از مقام فنا است وجمع الجمع از فناء الفنا که علم وادراک فنا هم نیز زائل
شود و تفصیله سالک بمرتبه جمع میرسد امتیاز بین الخلق والحق دور میشود و کفر و اسلام یکسان میدانند
و شطحیات و سکریات تکلم مینماید منصور حلاج هم در همین مقام بود حیث قال شعر کفرت بدین الله والکفر
واجب لدی وعند المسلمین قبیح و از سیر الفقر طریقت میباشد که اسلام ظاهری بالات و مشتاه هم
از دست همان مقام است و معنی همه اوست یعنی همه اشیاء حق است در هر وقت نظرش میدیدند که مغلوب
الاحوال است و انکاری معذور ورانی در چون از مقام ترقی مینماید و بفرق بعد الجمع که کمل تعلقات و تجلی
هشیاری و تمیز است میرسد توحید شهودی جلوه گر میگردد و به همه از ذات متکلم میگردد یعنی همه اشیاء
ناشی از حق تعالی است و نسبت ظل و اصل فیما بین الخلق والحق جاری ثبات مینماید وجود و عملت سا
بر تو وجود حق میدانند و بعینه علم نیکند که بشعور رسیده است و با فاقت ره آمده و بحسب مقام شرف
با سلام حقیقی میشود و کمون در لغت پوشیده شدن و بروز ظاهر گردیدن است و در اصطلاح غائب شدن
از ملکان نحو کمون است و ظاهر گردیدن در اماکن متعدده بروز است و بطون عبارت از متوجه شدن
بسوی باطن است و بطن البطون کنایه از ذات حق است و از دریافت شدن کثره طلات و مجازین
و فارغ البال بودن از دنیا و اهل دنیا و فراغت معاش مسرور الوقت گردیدم و شکر خداوندی جلت عظمته
بجا آوردم بمنطوق لازم الوثوق لئن شکرتم لازیدنکم ایشان هم تمام بر شکر نموده باشند و باین رباعی ار
اکثر اوقات مترنم بوند رباعی ای تو جانا قرار نتوانم کرد احسان ترا شمار نتوانم کرد گر بر تن من زبان شود
هر موئی یک شکر تو از هزار نتوانم کرد و دهشتیلا و غلبه رابطه تعنی است عظمی و موهبتی است کبری که نظیر [illegible]

کمون

ندارد و تا کدام صاحبدولت را از هزاران یکی را باین عنایت بنوازد اهتمام شکرش از جمیع نعم الحضرت زیاده
باید نمود که بدون حضور مجالست ظاهری کار حضور و صحبت مینماید و در نسبت خاص اینجا که در نعت حکم
عنقاء مغرب دارد و شرف میفرماید بشری لکم ثم بشری لکم اما وحده قبله توجه از خاطر شریف رفته است و از
اهم مهمات است الا لله الدین الخالص نص قاطع است بیت با درد بساز چون دوای تو منم در با
کس منگر چون آشنای تو منم گر بر سر راه عشق ما کشته شوی شکرانه بده که خونبهای تو منم حضرت
پیر دستگیر رحمة الله علیه وقلبی در وجی فداه میفرمودند که یکبار بر مزار پر انوار محبوب الهی حضرت نظام
الدین اولیاء قدس سره حاضر گردیدم دیدم که کلاه خاص از سر خود گرفته بر سر من نهاده اند و دو دو انگشت
بر تمام بدن خود جسم شریفش را مشاهده نمودم شخصی ثالث بمن گفت که ترا کلاه خلافت داده اند تو خلیفه
ایشان باشی من بعد جواب عرض نمودم که فقیر خلیفه حضرت میرزا صاحب شهید رحمة الله علیه میفرمودند
که یکبار ملاقات حضرت خضر واقع شده فرمودند که از من هر آنچه میخواهی عرض کردم که بیرون کلانی است
نخستا الله بیتی و دائما علی طریقه مشایخ الکرام رحمة الله علیهم اجمعین و السلام ادام الله واتقوا امین
که مخلص خاص یار و شما است باید که از اهل خانه و فرزندان خبر گیران باشند و دعای محمد و معاون [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم
اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون واضح باد که بیان بالام
و یک بخیر دست [illegible] ازدست ولایت ایشان رسید خاطر جمعه فرمایند هر هیچ ایشان حواله عظیم حاجی ارقیمه
نموده شد انشاء الله تعالی خواهد رسانید و رساله حق المبین کسی نرسانید که تصحیح ساخته باز پس
میفرستادم باقی احوال بر وقت فرصت نوشته خواهم فرستاد و قبل ازین جواب خط بوساطت فنا محمد
مرسل شد [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام

مسنون اشتیاق مشحون مطالعه نمایند الحمد لله که تا تحریر احوال فقرا را بخیر دارد مستوجب حمد است و المسئول
من الله سبحانه سلامتکم و ترقیات باطنکم یوما فیوما ساعة فساعة ایلی تا امروز که دوازدهم شهر صفر است
بجز یک مکتوب شما که بدست برهان محمد رسیده هیچ خطی نرسیده و نقش حق سبحانه تعالی بخیر یاد خود نگرداناد
لهذا خاطر فقیر نگران آن سو میباشد الله تعالی ایشان را از آفات زمانه محفوظ داشته ترقیات ظاهری
و باطنی نوازد و دشت و صحرای آن نواحی را بنور وجود شریف ایشان منور سازد آمین یا رب العالمین
از فرزندان و درویشان سلام قبول فرمایند الحمد لله که درین ایام از شادی الکتخدائی برخوردار محمد عمر فراغت
حاصل شد قریب نه صد روپیه خرج شد دو صد روپیه قرض باقی است ارحم الراحمین ادا خواهد نمود مکتوب
بیست و نهم از این نسخه ششم در بیان ارشاد محمد صدور یافته در جواب عریضه خود در بیان حال
بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی بعد از سلام مسنون مطالعه نمایند الحمد لله
که فقیر تا دم تحریر بخیریت صوری کائن است اما از خیریت معنوی باین کار و بارش عافی ما نمی بود است
جل و علا در عملش شرک غیر بمحبت وادلیست قولش مناقض عمل او و فعلش منافی امراد و فواد و بیلاد یا سبحانه
علم ما فرطت فی جنب الله ما عرفت العزرة لمعبود لب فانا ثم انا ثم انا استغفر الله من قول بلا عمل
الهی و مولایی ادرکنی بلطفک الخفی و وفقنی لما تحب و ترضی و اجعل آخرتی خیرا من الاولی و لا تکلنی الی نفسی
طرفة عین و لا اقل من ذلک و اشغلنی بجلالک و اغننی بفضلک عمن سواک یا ارحم الراحمین حبیب دعای
یا من یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء یا رب این آرزوی من چه خوش است تو بدین آرزو
مرا برسان کم نگردد تابش خورشید گر در بدخشان لعل سازد سنگ را از الطاف بنیرد
کمال تو نقصان ازین طرف شرف و زکار من باشد والسلام حامل رقیمه هذا ملا جلال رابر عا طی
مخصوص دارند مکتوب سی ام از این نسخه در بیان ارشاد محمد صدور یافته در بیان ارسال مبلغ
که صد و نزده روپیه دیگر مقدمات در جواب بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب لازال ارشاده

ارشاده مشرا دامه از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه
فرمایند الحمد لله که تا تحریر فقیر معه متعلقان بخیریت است و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و ترقی
ارشادکم و خلفائکم یوما فیوما ساعة فساعة و یرحم الله عبدا قال آمینا مکتوب مرغوب معه مبلغ یکصد و نوزده
روپیه و دیگر قالین و شش انبان میوه و غوره انگور از دست مخلص الفقرا او میمن و ملا سید نور ورود
مسعود فرموده رسانید جزاکم الله سبحانه تعالی خیر الجزا و تقبل الله حسناتکم و ضاعف اجورکم بوقت مطالعه آن
مکتوب شما احوال باطن ایشان ظهور نمود از آن دل بسیار خوش شد الله تعالی ترقی ظاهر و باطن شما
و کثرت ارشاد ایشان و خلفاء ایشان یوما فیوما ساعة فساعة متصاعد گرداناد بحرمت النون و الصاد
در مبلغ یکصد روپیه از دست ملا سید نور نزد میان عبد الغنی رسانیده شد باقی جواب سوالات مندرجه
مکتوب از عقب نوشته خواهد شد والسلام اولا و آخرا مکتوب سی و یکم از این نسخه در بیان ارشاد
محمد صدور یافته در بیان صحت بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب ارشاده از فقیر
احمد سعید رزقه الله بر ضوانه الحمید بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند از ذوق فقیر
همین است که انفاس مستعار حیات در مرضی حضرت حق سبحانه صرف شود و در گوشه نامرادی در کنج غفلت
زبان شکر از کلمه طیبه لا اله الا الله محمد رسول الله تر و تازه باشد الهی مراد دوستان مرا باین امر توفیق
رفیق ساخته استقامت بخش و جای سوا الحق مطلق علی و جبی از ساحت سینه دور فرما که بهر گز خیالی
دولت و دشمن در دلم نگذرد آمین یا رب العالمین والسلام مکتوب سی و دوم از این نسخه در بیان
دعوت محمد صدور یافته در بیان آنکه مبلغ پنجاه روپیه نموده در ترتیب قراءة قرآن داده و اعانت
توسل بسم الله الرحمن الرحیم بعد حمد و صلوة و تبلیغ الدعوات معلوم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب باد
که تا تحریر احوال فقرا را بخیر دارد مستوجب حمد است و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و استقامتکم و ترقی
مدارجکم یوما فیوما ساعة فساعة و یرحم الله عبدا قال آمینا قال رسول الله صلی الله علیه و سلم الدین النصیحة بغیر کم

بیاران نموده می آید الست که شغل مع الله سبحانه بر وجه دوام باشد و توجه الی الله جل جلاله بی عزاحمت اغیار
که عبارت از دوام حضوریست حاصل گردد و تعلق ما سوا علما و حجاب رخت از سینه بر بندد و جمیع مرادی بر تحصیل
نجز محبوب حقیقی عزبرهانه نماند و تعمیر اوقات بوظائف طاعات و عبادات مانند تهلیل لسانی ملحوظ معنی و قرآء
قرآن شریف بطریق کردر انشا و خواندن تدبر معانی نماید هر حاله ذکر حب بیاشند اللهم انی اسئلک
الجنة سه بار بخواند و هر جاله ذکر نار بیاد اللهم انی اعوذ بک من النار سه بار بگوید و هر جاله استغفار آید
رب اغفرلی وارحمنی وعافنی وارزقنی واهدنی و تب علی انک انت التواب الرحیم سه بار و درود سازد
و تهجد و اشراق و چاشت و زوال و اوابین بخشوع و خضوع و ابتهال و تضرع ادا نموده باشد و اختلاط
با مردم بقدر ضرورت و ادای حقوق اهل حقوق باشد زیاده ازین اوقات عزیز خود را خراب نکند
قال رسول الله صلی الله علیه وسلم علامة اعراضه تعالی عن العبد اشتغاله بما لا یعنیه و درس قرآن شریف
و حدیث لطیف و فقه و کتب صوفیه حمد و معاون نسبته خاندان عالیشان است اللهم احینا و امتنا
علی حبک و حب من یحبک و حب عمل یقربنی الی حبک وارزقنا متابعة حبیبک بالقول و الفعل و العمل برحمتک
یا ارحم الراحمین مکتوب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم بعد الحمد و الصلوة و تبلیغ الدعوات معلوم اخوی باد که اکثر مردم نافهم بر مشایخ کرام
و اکابر عظام که در حالت سکر ازین مقبولان کلمات سر بر زده انه یا از مکشوفات ایشان که پیشتر اخطار
در آن گنجایش است اعتراضات میکنند و تشنیعات مینمایند در جواب این سفیهان یک کلمه کافی و وافی است
که مصرعه کار پاکان را قیاس از خود مگیر از محبوبان حق سبحانه و مقبولان کریم مطلق هر چه صادر گردد
هم مستحسن است و زیبا است که از اخلاص خالص ناشی گشته است و از سیر ش خصائل و حمیده پاک و مبرا الخ
مانند مجتهدان دین رضوان الله علیهم اجمعین اخطاء ایشان را یک درجه از ثواب حاصل است
و اصابت را ده درجه کما هو المقرر عند اهل السنة و الجماعة شکر الله تعالی سعیهم اعلام شما نموده فقط

فقد عرفت کلم در حق اهل بدر رضی الله عنهم که از استاد فیض بنیاد رسول مختار صلی الله علیه وسلم است در حجت
ما کان است و سین بلال عند الله شین و لیل ما شان است مصرعه بر اشهد تو خنده زند بهار بلال
قست اکرام و بطل جلال الخصام بدترین خلائق عیب بین اینها انه صحت حافیت بیت گر خدا خواهد
که پرده کس دره میلش اندر طعنه پاکان نهد الهی هر کرا او را اندر زی در رها و را اندراز بیت با وزر ولکن ان
هر که در راه افتاد و بیفتاد امان کلمات طیبات ایشان است قدس الله تعالی اسرارهم العالیة مکتوب سی و چهارم
در بیان کینه درویشان دولت محمد مسعود یافته در بیان مشغول شدن یار خود در سبیل الله بسم الله
الرحمن الرحیم اخوی اعز ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون و دعوات
ترقیات مشحون مطالعه فرمایند رقیمه کریمه ورود مسعود و مسرت ارسانید و احوال مندرجه بوضوح انجامید بن عباد فی
لی ولیا فقد اذنته بالحرب حدیث قدسی است و مضمونش یقین کامل است هرگز تکلف بتزیت بر یدید و کار
خدا رند و کار خود مشغول باشند بیت دشمن چه کند چو مهربان باشد دوست الیس الله بکاف عبده نص قطعی
انشاء الله تعالی اعدا مخذول خواهند شد یک سینی درکام مجمد عمر رسیده و مکفر دشال بو الدره او رسید خاطر
جمع دارند رمضان خان و عبد الله خان و دیگر عالم تسلیمات میرسانند مکتوب سی و پنجم در بیان کینه درویشان
دولت محمد مسعود یافته در بیان فنا [illegible] [illegible] [illegible] امام ربانی مجدد الف ثانی
بسم الله الرحمن الرحیم بعد الحمد و الصلوة و تبلیغ الدعوات معلوم اخوی اعز ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی علی مخارق
الطالبین باد که فنا فی الشیخ مقدم بر فنای الرسول است بیت ز ابرو نگه چشم است احوال معقود و تو
پیرست اول غلبه محبت که مرید رشید را به پیر کامل و مکمل خود پیدا گردد از سبب آن محبت ساعة فساعة
جذب کمالات محبوب خویش میکند تا بحدیکه حضور او همه را فراموش میسازد و ندا الی ان الشیخ از نهاد وی
می براید بیت در و دیوار چو آینه شد از کثرة شوق هر کجا مینگرم روی ترا می بینم در آن هنگام
که این فقیر با ینمقام رسانیده بود و ندا این دید الفقیر استیلا یافته بود که جمیع حرکات و سکنات و خیال

دانوال خود را حرکات و سکنات حضرت شیخ خود میافتم و چون شیخ کامل مکمل باالحاق بحقیقت
محمدی علی صاحبها الصلوة والسلام شده است و اتحاد خاص با آن سرور علیه الصلوة والسلام این اسعد الاکبر
حاصل گردیده بعد از فنا فی الشیخ فنا فی الرسول جلوه گر خواهد شد و حضور با حضرت مقدس آنحضرت
صلی الله علیه وسلم متحد خواهد یافت و در رنگ شیر و شکر ممتزج خواهد و بعد از آن بفنا فی الله
مشرف خواهد شد و باتصال ذات بیچون شرف اختصاص یابد و فوصل معه ما عوصل معه اگر از مستهلکین است
در بحر مشاهده مستغرق خواهد ماند و اگر از مرجوعین است خلعت بقائی پوشیده بعالم رجوع خواهد نمود
و حامل بار ارشاد و هدایت خلق الله تعالی مفوض او شود و نایب پیغمبر خویش گردد ذلک فضل الله یؤتیه من
یشاء والله ذو الفضل العظیم ثانیا استفسار اسامی اجداد این فقیر نموده بود نزد بعد بندگان اسم
جد امجد این فقیر حضرت محمد صفی القدر است که عالم باعمل و صوفی کامل و کثیر العبادة دائم الوظائف و الاوراد
والطاعات مجددی بوده اند که یک لمحه از کار و اشتغال خود فراغت نمی‌گشتند بعد نصف شب برای تهجد هم
بیدار شدند در ان اثنا که فقیر طلب علم میکرد اکثر شب و مطالعه میکردم حضرت موصوف مرا در مطالعه
دیده این حدیث میخواندند قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ان لنفسک علیک حق و لعینک علیک حق الی
آخر ما فی المشکوة و هنگامیکه از نماز تهجد و وظائف خود فارغ میشدند مردم خانه را بیدار میکردند مردم بخواندن
تهجد مشغول بودند و امر بالمعروف و النهی عن المنکر چنانچه در ذات بابرکاتش بود در دیگر کس نمی‌دیدم اگر کسی
که روبروی جناب میکرد است و در مخالفه شرعی میدید متوجه گاه شاه امر بالمعروف مشغول بودند هر روز به
وقت کل بالنظر بودند نواب نصرالله خان رامپوری که مرید حضرت ایشان بوده منصب تحصیلداری خویش برای داد
قبول نفرموده وقت احتضار ایشان حضرت والدی ماجدی پرسیدند که چه حال است در جواب مرقوم نمودند
که این وقت حجابها کلی مرتفع شده جلوه نمانده بعد ازین سخن جام وصال لایزال نوشیدند رحمة الله علیه
رحمة واسعة فاز رضوان الله بوده و تاریخ ارتحال ایشان است مزار مبارک ایشان در الکهنو واقع است

است شخصی از مخلصان پیش فقیر آمده اظهار نمود که وقت دوپهر موسم گرما بر مزار شریف ایشان حاضر شدم
سطح چبوتره مزار پر انوار ایشان سرد بود سبحان الله زهی تصرف و کرامت تام والد ماجد ایشان حضرت عزیز
القدر رحمة الله علیه بود و ابن حضرت شاه محمد عیسی رحمة الله علیه ابن سلطان الاولیاء حضرت شیخ
سیف الدین رحمة الله علیه ابن عروة الوثقی حضرت خواجه محمد معصوم رحمة الله علیه ابن حضرت امام ربانی
مجدد الف ثانی رحمة الله علیهم اجمعین این بزرگان مذکورین هر یک در وقت خویش از علمای راسخین
جامع بین العلم الیقین گذشته‌اند اگر بتفصیل احوال هر کدام پردازم دفتری باید احوال حضرت
امام در مقام حضرت القدس و برکات احمدیه مفصلا مسطور است و احوال حضرت خواجه محمد معصوم و حضرت
شیخ سیف الدین رحمة الله علیهما در مقامات معصومی بتفصیل تمام مرقوم است و احوال حضرت محمد عیسی رحمة الله
علیه در سیر المرشدین شمه بیان کرده است روزی عالمگیر بادشاه در خدمت ایشان حاضر شده دید که جامه
ململ باریک پوشیده اند عرض نمود که در میان مردم این حدیث مشهور است که من رق ثوبه رق دینه چه معنی
دارد حضرت موصوف در تحقیق این حدیث رساله نوشتند و موضوعیت این حدیث از کتب معتبره باثبات
رسانیده پیش سلطان فرستادند مخلصی که بدست ایشان ارسال نموده بود در حین نزد سلطان رسید سلطان
پرسید که حضرت شیخ چه معنی بیان فرموده اند آن مخلص عرض ساخت که حضرت ارشاد فرمودند که شخصی اینجا مرا
هدیه بر ما فرستاده بود ما خود را ساخته بودیم بادشاه سکوت نمود بعد از ان آن شخص رساله را گذرانید
بادشاه آن رساله را مطالعه نمود و گفت سبحان الله حضرت شیخ در علم و عمل یکتا اند در روزگار خویش
همچنین حضرت محمد عزیز القدر رحمة الله علیه در علم و عمل و نسبت باطن مثل والد ماجد خویش بوده اند
و هر یکی ازین بزرگان نسبت خاندان عالیشان خود از آبا و کرام خود اخذ نموده بودند تا آنکه نوبت
بجد امجد رسید ایشان حضرت والدی ماجدی را بعد تعلیم ذکر اجازت فرموده اند که از حلقه و خانواده خود
خویش سلوک تمام نمایند پس باجازت ایشان حضرت والد ماجد رحمة الله علیه نزد حضرت شاه صاحب

حاضر گردیده سلوک را تمام ساخته و یافتند آنچه یافتند مکتوب سی و ششم که برای یکی از مریدان دولت
صدور یافته در بیان احوال والد ماجد خود بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی حبیب
سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون و اشتیاق مشحون معلوم فرمایند که چون در مکتوب
سابق چیزی از احوال اجداد کرام خود مرقوم شده بود و احوال حضرت والدی ماجدی رحمة الله علیه
نگارش نیافته بود لهذا درین مکتوب احوال حضرت موصوف ارقام نموده شد بدانند اسعدک الله تعالی که ولادت
باسعادت حضرت والد ماجد در سنه یکهزار و یکصد و نود و هشت از هجرت حضرت خیر الانام صلی الله علیه
وسلم در مصطفی آباد عرف رامپور واقع گردید چنانچه ای خیر عظیم تاریخ تولد بر آن دال است مصرع
حافظ و عالم و ولی باد ای از هنگام طفولیت آثار رشد و هدایت از جبین مبینش لائح بود که مثل شاهزاده
مانند اطفال در لهو و لعب گاهی نه دیده در عمر یازده سالگی کلام الله مجید حفظ نموده اند و نسبت نقشبندیه
نیز درین عمر از والد ماجد خویش حاصل ساخته اند و در عمر نوزده سال از تحصیل علوم منقول و معقول فارغ
گشته دستار فضیلت بستند درین اثنا که گذر ایشان در بلده لکهنو واقع شد شاه نقابت الله مجذوب
که کشف صحیح داشت ایشان را دیده و گفت صاحبزاده بزودی از تحصیل علوم فراغت نمائید که از شما کارهای
دیگر حق سبحانه را مطلوب است و ارشاد و هدایت خلق بشما مربوط ساخته اند چون از آنجا بوطن اصلی رجعت
نموده اند والد ماجد ایشان فرمود که ای فرزند مرجع همت شما طلب پیر و از افاضه کسب حالا شما را اجازت
دادم که از خلفای خاندان خود تکمیل نسبت باطنی نمائید پس حضرت موصوف نزد حضرت شاه درگاهی رحمة الله
که در رامپور مسند ارشاد و حضرت حافظ شاه جمال الله خلیفه قطب الدین خلیفه قبله عالم حضرت مرزا
مظهر شهید رحمة الله علیهم متمکن بودند رفته طلب سلوک نمودند و در خاندان قادریه بر دست ایشان بیعت
نموده ملازمت صحبت شریف شان اختیار نمودند تا دوازده سال در خدمت ایشان بودند در ریاضات و مجاهدات
شاقه مانند دوام صوم و بیداری تمام شب و ترک اطعمه لذیذه بجا آورده نزد حضرت شاه درگاهی رحمة الله علیه

علیه بخلافت عامه خود ایشان را سرافراز ساخته قائم مقام خویش کرده بودند و بعد وفات ایشان را
قبولیت تمام رو نمود زیاده از هزار کس در ان اضلاع بر دست ایشان بیعت نموده کت محبة حضرت حق
سبحانه گشتند و قوت تاثیر حضرت موصوف بانحدی بود که بر هر کس نظر مبارک ایشان می افتاد بر زمین
افتاده و بی تاب میگشت و تصرفات و کرامات بسیار از ایشان بظهور می آمد با وجود این همه حاصل
میفرمودند که چون مطالعه مکتوبات قدسی آیات حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی مینمودم معلوم میشد که سلوک
حضرت امام مرا تا هنوز حاصل نشده است لهذا همه را گذاشته متوجه حضرت قیوم زمان و قطب دوران
شاه صاحب قدس سره حاضر گردیدم و سلوک مجددیه را اتمام و کمال حاصل ساختم و تا پانزده سال در صحبت
بابرکت استفاده نمودم و به بشارت عالیه آنجا تا آن عالیشان مشمول عنایت و قیومیت مشرف گردیدم
فالحمد لله علی ذلک و جناب حضرت شاه صاحب رحمة الله علیه حضرت ممدوح را قائم مقام خویش تعین فرموده و
هرگاه ایشان تشریف از سفری آوردند استقبال ایشان میفرمودند حتی که یکبار حضرت شاه صاحب
مریض بودند و ایشان تشریف آوردند بر چارپائی خود نشسته مردم را فرمودند که مرا برداشته بیرون برید
تا استقبال فوت نشود تا مسجد حکیم قدرت الله که بیرون از خانقاه بفاصله قلیله واقع است تشریف
بردند و بنوازشهای بیشمار سرافراز فرمودند چنانچه حضرت موصوف در رساله خویش تفصیل رقم
نموده اند من شاه ظهیر جمع البهاء والسلام دیگر زبانی صالح محمد دریافت گردید که التفات در باره
اجازت ملا فیض محمد استفسار نموده اند چون ملا فیض محمد مرد صالح است و از مقامات
طریقه هم آگاه شده است قابل اجازت است اجازتش فرمایند انشاء الله العزیز چیزی که خواهد شد
فقط حامل رقیمه صالح محمد دبیر محمد را بدعا و شفقت مخصوص میدارند مکتوب سی و هفتم که برای یکی
از دولت طلب صدور یافته در بیان جواب استفسار مولود شریف بسم الله الرحمن الرحیم اخوی
اعزی ارشدی حاجی حبیب الله ارشاده وسلمه ربه از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون و دعوات

ترقیات مشغول بطالب بنمایید الحمد لله که تا تحریر احوال فقرا بخیر و جمعیت مقرون است و مشغول کن به
سبحانه سلامتکم و استقامتکم و ترقی ارشادکم چون درین ایام استفسار مولود خوانان نزد فقیر
وارد گردیده بود کلمهٔ چند در جواب مرقوم گشته بود نقلش ضروری دانسته محرر نموده شد ذکر مولود
شریف و اخلاق لطیف و معجزات و وفات شریف و حلیهٔ مبارک جناب مستطاب حضرت محبوب رب
العالمین سید الانبیاء والمرسلین صلی الله علیه وسلم بعینه ذکر خالق السموات والارضین جل جلاله
و عم نواله است و ذکر حق سبحانه و تعالی واجب لقوله تعالی یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکرا کثیرا
و سبحوه بکرة و اصیلا لان الامر للوجوب عند الاکثر کما صرح به فی علم الاصول قال فی التوضیح الامر للوجوب
عند اکثرهم لقوله تعالی فلیحذر الذین یخالفون عن امره ان تصیبهم فتنة او یصیبهم عذاب الیم
یفهم من هذا الکلام خوف اصابة الفتنة او العذاب لمخالفة الامر اذ لولا ذلک الخوف لقبح التحذیر
فیکون المامور واجبا اذ لیس فی ترک غیر الواجب خوف الفتنة او العذاب و دلیل بر آن امر که ذکر جناب
حضرت سرور مرسلین صلی الله علیه بعینه ذکر حق سبحانه است حدیث شریف است روی ابو سعید الخدری
ان النبی صلی الله علیه وسلم قال اتانی جبرئیل فقال ان ربی و ربک یقول تدری کیف رفعت ذکرک
قلت الله و رسوله اعلم قال اذا ذکرت ذکرت معی قال ابن عطاء جعلت تمام الایمان بذکری معک
و قال ایضا جعلتک ذکرا من ذکری فمن ذکرک ذکرنی پس هر که از ذکر مولود شریف مانع باشد و او را
مکروه و حرام گوید کالفرقة الوهابیة دشمن خدا و رسول است و مورد وعید ان تصیبهم فتنة او یصیبهم
عذاب الیم است الحذر الحذر عن مودتهم و عن صحبتهم و السلام الراقم حقیر حامل رقیمه عبدالغنی را
به دعا مخصوص دارند از ملا حسن سلام برسد

مکتوب بیست و هشتم بمولوی رکن الدین شاه صاحب در اثبات مستند یافته در ثبت شدن طریقه صوفیه کرام از خلفاء راشدین رضی الله عنهم

بسم الله الرحمن الرحیم بعد الحمد
والصلوة و تبلیغ الدعوات واضح خواهد نمود که از جناب خلیفه ثانی امیر المؤمنین حضرت عمر فاروق

فاروق رضی الله عنه و از خلیفه ثالث امیر المؤمنین حضرت عثمان ذی النورین رضی الله عنه از
طرق صوفیه کرام رحمة الله علیهم منقول است یا نه جواب آنکه ارشدکم الله فی الدارین که چون نزد اهل
سنت و جماعت شکر الله تعالی سعیهم ثابت است که خلیفه برحق بعد رسول الله صلی الله علیه وسلم حضرت ابوبکر
صدیق رضی الله عنه اند و حضرت صدیق خلیفه خویش حضرت عمر فاروق را ساختند و بعد وفات
حضرت صدیق همه اکابر و اصاغر از حضرت فاروق بیعت نمودند و ایشان را خلیفه خلیفهٔ رسول الله
صلی الله علیه وسلم میگفتند بعد ایشان حضرت عثمان خلیفه ایشان شدند پس بعد ایشان
حضرت مرتضی علی خلیفه شدند پس هر طریقی از طرق صوفیه که بحضرت علی منسوب است بحضرت عثمان
و حضرت عمر هم منسوب گشت بجهة اختصار اسمای این هر سه بزرگ حذف میکنند بلکه در حقیقت از
خلفاء ثلثه رضوان الله علیهم اجمعین است خواه مردم اسماء شریفه این بزرگان نویسند یا نه پس
همه طریق صوفیه کرام رحمة الله علیهم سواء کان نقشبندیا او قادریا او چشتیا او سهروردیا او غیرها
وصل الینا بواسطة الخلفاء الراشدین الهادین المهدیین رضوان الله علیهم اجمعین لانهم سعوا
غایة السعی فی ترویج الشریعة و الطریقة و الحقیقة و المعرفة جزاهم الله سبحانه عنا خیر الجزاء و اعلم ان
نبینا و سیدنا و هادینا و شفیع ذنوبنا صلی الله علیه وسلم جامع لکمالات النبوة و الولایة فغلبة
کمالات النبوة فی ذات الشیخین و غلبة کمالات الولایة فی جناب المرتضی و لهذا صار مرجع
سلاسل الاولیاء الکرام و مجمع البحرین علی السویة حضرت عثمان و لهذا سمی بذی النورین ولا شک
ان کمالات النبوة اعلی و ارفع من کمالات الولایة و لهذا حصل الفضل للشیخین رضی الله عنهما
علی الختنین الکریمین و هذا السر مخفی عن اعین بعض الناس و لهذا حکموا بالمساوات و فوق کل ذی
علم علیم و الله یختص برحمته من یشاء و الله ذو الفضل العظیم والسلام [illegible] المرقوم رسید
جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء برادر عزیز از جان محمد معین سلام و دعا خوانند بهدایای ایشان

نیز صالح محمد رسانید الله تعالی در مال برکت عنایت فرماید و برحمت تمام بدارد مکتوب بست و دوم
کرده اند درویشان دولت محمد مسعود یافته در بیان حفظ از اعدای آفاقیه کلان از شیخ
بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از
سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند الحمد لله که فقیر تا حین تحریر رطب اللسان است پس
بقیاس حضرت منعم علی الاطلاق جلت نعماؤه و تکاثرت آلاؤه است والمسئول من الله سبحانه سلامتکم
وعافیتکم وحفظکم عن الاعداء الآفاقیة والانفسیة و ان شاء الله تعالی تکونون محفوظا ابدا فلا تخافوا
من شیئی اصلا و کن فارغ البال متوجها الی جناب قدسه تعالی مصروفا الهمة الی مشاهدة سبحانه
والله یعصمک من الناس یعوذ جل عزه الیس الله بکاف عبده بلی یارب له انت شافی انت کافی
فی مهمات الامور حسبی انت حسبی انت نعم الوکیل و رسالها که براو کتابت داده بودند تا حال
طیار شده انشاء الله تعالی من بعد خواهد رسید مبلغ دو روپیه مرسله سید صاحب القدر است میمن مخلص
رسید جزاه الله عنا خیر الجزاء السید صاحب اطلاع سازند والسلام و برای مهمی توجه و دعا نموده باشند
مکتوب چهل و هفتم که برای کمینه درویشان دولت محمد مسعود یافته در بیان احوال تفسیر عزیزی و در بیان اشارت
حمید بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله الوهاب از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از
سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند الحمد لله که تا تحریر ایست خوش شنیده منسوبات فقیر
معه متعلقان بخیریت است والمسئول من الله سبحانه سلامتکم وعافیتکم و حسن استقامتکم دلکشا از سلامکم
مکتوب مرغوب معه دو رقعه لین بوردو مسعود مسرت بهار رسانید جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء و درین ایام مسلمی
گردید که ایشان بطرف هجرت متوجه گردیدند هر جاکه ارتحال جمعیت بگذرد و خاندان خلق الله را برسد
و تشویش در باطن راه نیابد محل اقامت اختیار نمایند ان شاء الله تعالی مبارک خواهد بود دیده سعادت
و دل هم ارادت و مبلغ دو روپیه برای تفسیر عزیزی که هم رسید جلد سیپاره آخر بدست آمده خرید نموده

نموده قیمت ستة و نیم روپیه است فرستاده شد باقی دو جلد از یک سیپاره تبارک و یک جلد سوا
سیپاره از اول قرآن تا سیل البر و این جلد کلان است از دیگر تا هنوز بدست نیامده لکن
کتاب فروشان را برای تلاش آن گفته ام هرگاه بدست خواهد آمد خرید نموده فرستاده خواهد شد
دیگر بشارت صحت خواسته بودند روزی که معالجه با شما کرده بودم در ضمن خویش داخل ساختم انشاء الله تعالی
انشاء الله المستعان در صحت همه پیران کبار رحمة الله علیهم داخل شده قبول من قبل بلا علة مقبول یک
مقبول همه است ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم شکر این نعمت عظمی بجا آورند لئن
شکرتم لازیدنکم و درین ایام فقیر را برای سامان النکاح فرزندی محمد مظهر ترددی لاحق است الله تعالی
با حسن وجه انصرام آن فرماید و ازین حق خلاصی دهد و اوبرادرزده خرقه درویش را و اوبرطها نماید
خویش را بسبب امورات خانگی قرض بسیار بر ذمه فقیر گردیده است برای اداء آن دعا نموده باشند
والسلام از برخورداران و درویشان سلام خوانند مکتوب چهل و یکم که برای کمینه درویشان دولت محمد
مسعود یافته در بیان احوال شیخ فیض احمد از مخلصان است بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی
ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون اشتیاق مشحون مطالعه
نمایند الحمد لله که تا تحریر فقیر معه متعلقان بخیریت است والمسئول من الله سبحانه سلامتکم وعافیتکم و استقامتکم
علی الشریعة والطریقة والحقیقة فانها فوق الکرامة و یرحم الله عبدا قال آمینا الحبیبة المقصود عزیز القدر جان
داد محمدی هم میان فیض احمد از مخلصان صمیمی فقیر است درین ایام در قرب جوار شما خانه حسب است در امر
بلیه رجوع بکلمات الفصاحت نماید بر عادت حمد و معاون مشار الیه باشند که رضامندی خاطر فقیر است
و دو صد روپیه که فرستاده بودند رسید جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء و میوه سال گذشته هم رسیده بود
خاطر جمع دارند الله تعالی ما و شما را در حفظ و حمایت خویش نگهداشته توفیق مرضیات خود عنایت فرماید
اللهم لا تکلنا الی انفسنا طرفة عین ولا اقل من ذلک این از فرزندان و درویشان سلام قبول نمایند

مخلصان آنجا سلام برسانند مکتوب چهل و دوم بمریدی کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته در احوال
رسالها بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از
سلام مسنون مکرم گذارش آنکه مکتوب مرغوب ایشان بدست سرمست خان متضمن رسیدن خود و طلب
کتاب تحقیقات معصومی بود و مسعود مسرت بخش گردید کتاب مطلوب بکاتب داده ام منبعد دیگر
جا بدست کسی آید رسالها هم قریب بدست سرمست فرستاده شده انشاء الله تعالی خواهد رسید و احوال دواخانه
سرکار بنویسید که نفع کرده باشد باقی خیریت والسلام مکتوب چهل و سیوم بمریدی کمینه درویشان
دولت محمد صدور یافته در احوال کتاب فتح الغیب بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب
سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون مطالعه فرمایند [illegible] محمد طلب کتاب فتح الغیب
برای آنصاحب نموده تلاشش نمودم کتابی مغشوش بهم رسید اگر نقلش بپسندید بیابد الا نسخه صحیحه بدست
خواهد آمد فرستاده خواهد شد والسلام مکتوب چهل و چهارم بمریدی کمینه درویشان دولت محمد صدور
یافته که از دشمنان سینه تنگی نباید بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله اوجب از فقیر احمد
سعید حفظه الله بلطفه الحمید بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه فرمایند الحمد لله که تا تاریخ [illegible]
و چهارم صفر احوال فقرا اینجا مستوجب حمد رب الودود است و مسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم
و ترقی مدارج علم و کثرة ارشادکم از خصومت عداوت دشمنان هرگز در سینه تنگی نباید فعال المخلوقات
را مظهر فعل محبوب حقیقی پنداشته مطمئن باشند ع من از تو روی نپیچم گرم بیازاری [illegible] که
خوش بود ز عزیزان تحمل خواری و مطالعه کتب [illegible] حسام و [illegible] نموده باشند در [illegible]
افعال ایشان ترتیب جلالی ظهور می نماید و کار [illegible] خویش را بالتزام رسانند کتاب حقایق شئون
و رساله در تصوف [illegible] عبد الله خان برای آنصاحب فرستادم از مطالعه آنها حظ وافر بگیرند فقط
تفسیر عزیزی مطبوع تا حال بدست نیامده و قلمی بسی در بیمی آید هذا توقف نمودم هر گاه [illegible] قیمت

قیمت موافق خواهد آمد خواهم گرفت مکتوب چهل و پنجم بمریدی کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته
در بیان فرستادن نقود و ثواب ذلک بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب
سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید کان الله له بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند
الحمد لله که تا تحریر که دوازدهم صفر است احوال فقرا اینجا مستوجب حمد است ع من آنکلم که ابر
نوبهاری کند از لطف بر من قطره باری ع اگر بر روید از تن صد زبانم ع چو سبزه شکر لطفش کی
توانم ع و مسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و ترقی ارشادکم و افاضة انوارکم و اشاعة اسرارکم
کالشمس فی نصف النهار علی الطالبین الاخیار بحرمة سید الابرار علیه الصلوة والسلام من الغافر الجبار
و یرحم الله عبدا قال آمینا مبلغ دو صد روپیه که ارسال نموده بودند موصول گردید جزاکم الله عنا خیر الجزاء
و ضاعف اجرکم الی سبعمائة ضعف از مبلغ مرسله ادای دین نموده شد فالحمد لله علی ذلک بر آن نسبت
ارسال اجناس و در ارسال نقد رفع حوائج بآسانی بوجه میسر میشود لهذا التماس می نویسند که رفع الحاجة
افضل من رفع العین فی باب الصدقات عن ابی هریرة قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم
من تصدق بعدل تمرة من کسب طیب ولا یقبل الله الا الطیب فان الله یتقبلها بیمینه ثم یربیها
لصاحبها کما یربی احدکم فلوه حتی تکون مثل الجبل متفق علیه و عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم
ما نقصت صدقة من مال و ما زاد الله عبدا بعفو الا عزا و ما تواضع احد لله الا رفعه الله رواه مسلم والسلام
مکتوب چهل و ششم بمریدی کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته در جواب سوال بسم الله الرحمن الرحیم
اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات
مشحون مطالعه نمایند مکتوب مرغوب مصحوب عزیز از جان میان [illegible] احمد بود و مسعود مسرت رسانید
نوشته بودند که الحب حیث [illegible] توجه در ولایت علیا در کمالات ثلثه و حقایق سبعه چنانچه تمامی وجوه
انطالب در حرکت می آید معلوم نمایند که در ولایت علیا مورد فیض عناصر ثلثه اند سوا عنصر خاک اگر

تمام بدن را حرکت پیدا شود مضائقه نیست و همچنین در عنصر خاک هم شمول بدن است اما وقتیکه کار لطیفه
وحدانی می افتد سیر ماورائی بدن حاصل میشود آنوقت حرکت بدن بسبب نقصان نسبت سفلیات
که نسبت تحتانی او بکمال رسیده است و وقتیکه نسبت لطائف عشره تمام خواهد شد آنوقت نسبت
فوقانی ظهور خواهد نمود و لیکن جلدی در توجه باید نمود که اکثر مردم را در ولایات توجه نموده باشند
که ادراک نسبت فوقانی بسیار کمیاب است خواص را در مدت ادراکش میشود چه جائی عوام
نه حسنش غایتی دارد نه سعدی را سخن پایان بمیرد تشنه مستسقی و دریا همچنان باقی بلکه
عوام در نسبت ولایت صغری بسیار خوش میشوند مناسب حال ایشان همین است که در لطائف خمسه
عالم امر ایشان را بتفصیل توجه نموده شود یعنی اول بقلب تا فنا و آن بوجه کمال حاصل شود بعد از آن
بروح تا فنائش رود بعد از آن در سر علی هذا القیاس تا بخفی بلکه اخفی تا آثار و کمال
هر کدام بر سبیل تفصیل ظهور نمایند من بعد بر لطیفه نفس تا وقتیکه فنائش تمام و کمال ظهور نماید و انانیت
بالکل زائل شود و زوال عین و اثر و شرح صدر و ایمان حقیقی حاصل گردد و قس علیه الباقی والسلام
رسید مبلغ مرسله سابق ازین فرستاده ام یقینیکه رسیده باشد حالا مکرر نوشته شد جواب نسخه طرح حال
رقیمه جزاکم الله خیر الجزاء مکتوب چهل و ششم بمیر [illegible] دوست محمد صدور یافته در احوال سالها
که در شد [illegible] مشغول بودن [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب
سلمه الله الولی الوهاب از فقیر احمد سعید عفا الله عنه بلطفه الحمید بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون
مطالعه نمایند الحمد لله علی الانعم و هدانا السبیل الاقوم و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و حفظکم من شر
اعداء الآفاق و الانفس [illegible] و ترقیاتکم ظاهرا و باطنا و کثرة ارشادکم ساعة و آنا
و یرحم الله عبدا قال آمینا مکتوب مرغوب مع هدیه مائه روپیه مصحوب میر اکرم بر خاص و مخلص با اخلاص است
بوصول مودت شمول خوشوقت ساخت جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء مسند حشمت [illegible] رسید و هم [illegible]

ربانی مشار الیه اسرار مکنونه معلوم گردید دعا نموده میشود و خواهم نمود خاطر را از این جمعیت دارند
الله معکم اینما کنتم مصرع چو نو با مائی نباشد هیچ غم دوازده و نیم جزو از تفسیر عزیزی و رساله
مکاشفات غیبیه و معارف لدنیه تصنیف امام همام حضرت مجدد الف ثانی رضی الله عنه در یک جلد
و دو رساله از مصنفات فقیر که درین اوقات به پیامی رسیده یکی در تحقیق رابطه و دیگری در اثبات مولد
شریف سید المرسلین رحمة للعالمین صلی الله علیه و سلم بدست میمن برای آنصاحب فرستاده شد خواهند
رسید و تفسیر عزیزی کامل میسر نشد هر گاه بدست خواهد آمد خواهم فرستاد بکاریکه سپرد شما شده است
سرگرم باشند و در جمیع اوقات مشغول و متوجه الی الله سبحانه بوند و با کسی کار نه دارند هر کس پیش شما
بیاید بکشاده پیشانی و خاطر داری ملاقات کنند و اگر کسی بد نسبت شما هر گوید مکافاتش به نیکی باید
ساخت و همه یاران و دوستان خود را بر همین دلالت فرمایند جزائی بدی بدی کار عوام است
مصرع بدی را بدی سهل باشد جزا اگر مردی احسن الی من اساء والسلام حامل رقیمه بنسبت
سائر مریدان ممتاز است لازم که بر حالش توجه و عنایه زیاده از دیگران نموده باشند که خوشنودی
فقیر درین است مکتوب چهل و هفتم [illegible] در بیان [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید
بعد از سلام مسنون و اشتیاق مشحون مطالعه نمایند الحمد لله که تا تحریر اینجا خیر است و خیریت آنصاحب
از جناب الهی سبحانه مسئول رقیمه کریمه مشتمل بر صحت مزاج بود و مسعود و مسرور [illegible] و مبلغ مرسله
تا هنوز وصول نکرده حاملش بطرف مشرق رفته است اطلاعا قلمی آمده و چون در مکتوب احوال [illegible]
[illegible] مستفیدان خویش [illegible] قوم [illegible] مضطرب ماند و منتظر گردید لعل الله
یحدث بعد ذلک امرا [illegible] طفیل دولت باشد هر چه باشد والسلام مکتوب [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم جامع [illegible] اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب

سلمهم الله سبحانه از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون و اشتیاق مشحون معلوم نمایند که احوال فقیر
الحمد لله مستوجب حمد است و المسئول من الله سبحانه صحتکم و عافیتکم و سلامتکم و استقامتکم علی الشریعة و الطریقة
و الحقیقة فانها ملاک الامر فان الکثرة احوال الذین سببا للمزید القرب بتحصیل کثرة الثواب لان
ثواب سلامکم یصل الی المرشد کما یصل الیهم و لذا فضل من سبق فی الاسلام کسیدنا ابی بکر الصدیق
رضی الله عنه فان ثواب ایمان المؤمنین کلهم یصل الی جنابه و لهذا السر قال نبینا و سیدنا صلی الله
علیه و سلم لو اتزن ایمان ابی بکر مع ایمان امتی لرجح و لهذا صار افضل جمیع الصحابة رضوان الله
تعالی علیهم اجمعین و لما انتهی سلسلة سادات النقشبندیة الی حضرت الصدیق صار افضل الطرق من
طرق مشائخ الکرام رحمة الله علیهم اجمعین لهذا حکم شیخنا المشتهر بشاه نقشبند رضی الله عنه ما اخترناهم
ما فضلناهم ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء و الله ذو الفضل العظیم فبشری لمن اختار هذه الطریقة و استقام
علیها ع بر اهل استقامت فیض نازل میشود نظم نمی بینی تجلی گرد کوه طور میگردد از فرزندان
و درویشان سلام مسنون خوانند از احقر البشر محمد عمر نیز سلام علیکم قبول باد مکتوب پنجاه و یکم بنام [illegible]
درویشان دولت محمد صدور یافته که آرزوی فقیر این است [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی [illegible] سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از
سلام مسنون و اشتیاق مشحون مطالعه نمایند الحمد لله که تا تحریر نگارش همه رجب المرجب فقیر معه
متعلقان بخیریت است و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و کثرة ارشادکم یوما فیوما و مزید نسبتکم
مع الله سبحانه آنا فآنا و یرحم الله عبدا قال آمینا آرزوی فقیر این است که این [illegible] جامع [illegible]
و صدقات حضرت حق سبحانه هر وقت با خود دارد و ما را با جا نگذارد [illegible] محبت و معرفت خویش گرداند
و خاتمه بمضمون این شعر نصیب شود ع مصحف بکف و پا بره و دیده بر دوست با پیک اجل خنده
زنان بیرون شود آمین و السلام حامل رقیمه آذر خان را توجه دعا مخصوص دارند و ظلم ظالمین [illegible]

[illegible] از خان مشار الیه دفع نمایند و همچنین بر حال طوطی خان و فور خان عنایت نموده باشند
مکتوب پنجاه و دوم بنام [illegible] درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان استقامت شریعت و طریقه [illegible]
و [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم نحمده و هو اهل الحمد و نستعینه و ایاه نستعین العبید و نصلی و نسلم
علی حبیبه الهادی الی الرشید و علی آله و اصحابه الذین فازوا برضوان المجید و بعد فقد وصل الی
المکتوب المرغوب من اخی و خلیلی حاجی الحرمین الشریفین سلمه الله تعالی بواسطة الصوفی محمد جان و وصل
الرمان من ید برید محمد خمسین عددا و الملحفة و القباء من ید عبد الله خان فحمدت الله تعالی علی انعامه
و دعوت لاخی القبولی جزاه الله سبحانه خیر الجزاء و زاده الله تعالی ارشاده و عم قبوله و جعل انواره
کالشمس فی نصف النهار و یرحم الله عبدا قال آمینا و علیک یا اخی بالصبر و التحمل علی ایذاء الخلق و مکافاة
السیئة بالحسنة امتثالا لامر الله تعالی ادفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینه عداوة
کانه ولی حمیم و ما یلقیها الا الذین صبروا و ما یلقیها الا ذو حظ عظیم و قال نبینا صلی الله علیه و سلم
صل من قطعک و اعف عمن ظلمک و احسن الی من اساء الیک هدانا الله سبحانه و ایاکم باخلاقه
و شمائله و صفاته و احواله صلی الله علیه و سلم و آله و صحابه و اولیائه و ان یهذبوا انفسهم بالاوصاف
المذکورة و لا یغتروا اقدامهم من الصراط المستقیم و الطریق القویم و سلک مشائخنا قدس الله اسرارهم فانه
لیس الا هذا فاعتبروا یا اولی الالباب ذکر فی النفحات ان رجلا دخل فی رباط سیدنا ابو العباس
المشتهر بالقصاب فطلب من الخادم ابریق الطهارة فکسره ثم طلب آخر فکسره ثم و ثم حتی کسر الاباریق
کلهم ثم قال این الشیخ قولوا له ان باقی بلحیته [illegible] فبلغ الخبر الی الشیخ فقام و مشی الیه و اخذ
لحیته بیدیه و قال الحمد لله نعم قال ابن القصاب تحیی لحیته بعمل امره و سلم فتاب الامر و دخل فی جملة
المریدین اللهم اجعلنا من متبعیهم آمین ع احب الصالحین و لست منهم لعل الله یرزقنی صلاحا و السلام
مکتوب پنجاه و [illegible] بنام [illegible] دولت محمد صدور یافته در بیان [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله وکفی وسلام علی عباده الذین اصطفی وبعد فقد وصل الی مکتوب من شرایف
من اخی وخلیلی لا زال کاسمه مشتملین علی الخیر والعافیة وبعض الاسرار فحمدت الله سبحانه وحصل الفرح
والسرور لفقد وهاد والشدت ۝ اهلا لسعدی المرسول وحبذا حبذا الوصول بوجه حبیب المرسل ودعوت
الله تعالی الحصول الی رب المسئول بقبر فیها ربنا تقبل منا انک انت السمیع العلیم ویرحم الله عبدا قال امینا
فعلیک یا اخی بدوام الذکر والشغل مع الله سبحانه وکثرة مراقبته فانها باب المشاهدة ۝ فمن دق باب
الکریم والفتح ومن اکثر طرق الباب یوشک ان یقع فیه کلام صحیح لا غبار علیه وفقنی الله سبحانه وایاکم
لمرضیاته ورزقنا ذوقا وشوقا الی لقائه بتوسل حبیبه محمد واله واصحابه وازواجه وذریاته صلی الله
علیه واله وصحبه وبارک وسلم مکتوب پنجاه وسیوم [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم بعد الحمد والصلوة وتبلیغ الدعوات مطلوب از اخوی
اعزی الارشدی لا زال ارشاده زائدا الی یوم التناد باد الحمد لله علی کل حال والمسئول من کرم جناب
الرب المتعال سلامة البال والصحة والفراغ فی جمیع الازمنة والاحوال مکتوب مرغوب مصحوب
ملا فیض محمد بورود مسعود مفرح ساخت برکات نسبة خاندان عالیشان از ملا موصوف لائح وتابان دید
مجرد کلاه وعمامه خلافت داده شد بارک الله فیما اعطاه وجعله للمتقین اماما تبتل وانقطاع از دنیا
واهل آن ناگزیر صوفیان وصافیانست حضرت پیر دستگیر رشد قدس سره منظور بودند که خلیفه مشایخ ما الکس
کدولت بریده و پاشکسته وکور وکر باشد مراد از دست بریده آنست که دست سوال پیش کسی دراز نکند
واز پاشکسته آنکه بهر دری نرود وکور از معایب مردم وکر از شنیدن غیبت ودروغ باشد الله تعالی
این اوصاف وجناب اصحاب الدار مشرف بانصاف گرداند دراین ایام عبد الاحد خلیفه شاه آفاق برای
ملاقات فقیر آمده استفسار سماع ووجد وتواجد نموده در جوابش منع از سماع ووجد وتواجد طریقه
نقشبندیه مجددیه مرقوم شد بعبارت مجمل مراد ممانعت از وجد وتواجد اختیاری است و آنچه بلا اختیار باشد

نباشد از حکم مستثنی است السکاری معذورون قول مشهورست ولا اثم علی المضطر کلام صادق
لاغبار علیه والسلام خیر الختام مکتوب پنجاه وچهارم بفقیر نور محمد صاحبزاده [illegible]
[illegible] طریقه [illegible]
نقشبندیه مجددیه [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم صاحبزاده عالی نسب والا حسب
فقیر نور محمد صاحبزاده سلمه الله تعالی بعد از سلام مسنون ودعوات مترقیات مشحون گذارش مینماید که حقایق و معارف
آگاه فضائل وکمالات دستگاه حاجی دوست محمد سلمه الله تعالی از خلفای حضرات نقشبندیه مجددیه است
مدار کار این بزرگان قدس سرهم اتباع سنت سنیه واجتناب از بدعت نامرضیه است چنانچه از مکاتیب
حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی رضی الله عنه ظاهر و باهرست وطریقه تصوری وجود وجد ابا لشان
ساسی نسبت بر محبان ومخلصان خاندان عالیشان ما لازمست که اعانت حاجی صاحب موصوف باحسن
وجوه نموده باشند چون شیر وشکر باشند الفقیر الکنفی [illegible] والسلام مکتوب پنجاه وپنجم
بمولوی محمد وصیل [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم زبدة علمای کرام قدوة اذکیای عظام
مولوی محمد وصیل صاحب سلمه الله تعالی بعد از سلام مسنون ودعوات مترقیات مشحون گذارش مینماید
که حقایق ومعارف آگاه فضائل وکمالات دستگاه حاجی دوست محمد صاحب سلمه الله تعالی از خلفای
حضرات نقشبندیه مجددیه سهروردیه است ومدار کار این بزرگان قدس سرهم اتباع سنت سنیه
واجتناب از بدعت نامرضیه است چنانچه از مکتوبات قدسی آیات حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی رضی
الله تعالی عنهم اجمعین ظاهر و باهرست وطریقه تصوری وجود وجد ابا لشان ساسی نسبت بر محبان ومخلصان
این خاندان عالیشان ما لازمست که اعانت حاجی صاحب موصوف باحسن وجوه نموده باشند چون شیر
وشکر باشند الفقیر الکنفی [illegible] بوده والسلام مکتوب [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله حمدا

کثیرا طیبا مبارکا کما یحب ربنا و یرضی و الصلوة و السلام علی حبیبه خیر الوری و آله و صحبه
البررة التقی اما بعد معلوم اخوی اعزی باد شعر از هر چه میرود سخن دوست خوشتر است المحبة ایثار
المحبوب علی نفسه یعنی محبت آنست که ایثار کنی آنچه دوست میداری برای کسیکه او را دوست میداری یعنی
ظاهر و باطن خود را در رضای دوست دار بلکه کلیت خود را بدو سپار تا محبت با غیر برخیزد و محبت حاصل
شود هر که خواهد بدولت محبت برسد تا جان و تن عزیز را برای رضای دوست در جا ننهد هرگز بدان
سعادت نرسد و اگر این معنی ندارد دعوی محبت کاذب است بهر مخالفت دوست کند و از بلای وی بگریزد و عمر
بنفاق بگذراند و تصور کند که من محبم مقبول خواهم بود یک علامت شناختن نوشته اند که مرد محب
دائم بیدار و کم مقبول خواهم ابتدا المحبة عدم النوم و العزلة من القوم یعنی محبت علامت خواب و عزلت و انزوا
از اغیار محب صادق را شب و روز یکسانست عام و در محبت محبوب بیقرار است قال علیه السلام لو ان عبدا تحابا
فی الله احدهما فی المشرق و الآخر فی المغرب یجمع الله بینهما یوم القیمة و یقول هذا الذی کنت تحبه یعنی اگر در
میان دو کس محبت باشد خاص برای خدا تعالی یکی در مشرق باشد و دوم در مغرب حق جل و علا بکرم خویش فردا
قیامت جمع کند تا بملاقات یکدیگر مشرف گردند فرمان شود که این ملاقات شما بسبب محبت شما بود که برای من
محبت کرده بودید و چون محبت مخلوق برای این ثمره است که فردای قیامت یکجا جمع شوند و آن محبت شفاعت
یکدیگر گردد پس کسیکه در راه محبت حق جل و علا شروع کند و سالک این راه گردد و قدم صدق درین راه
نهد که بجهد میدود یقین است که بمقصد اصلی برسد من جد وجد قال الله تعالی والذین جاهدوا فینا لنهدینهم
سبلنا و ان الله لمع المحسنین و نعم ما قیل شعر عشق آن شعله است کو چون برفروخت هر چه جز معشوق
باقی جمله سوخت تیغ لا در قتل غیر حق براند در نگر زان پس که بعد لا چه ماند ماند الا الله باقی جمله رفت
شاد باش ای عشق شرکت سوز رفت والسلام مکتوب بیست و دوم بخدمت [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله و سلام علی عباده الذین

الذین اصطفی اما بعد این غلام نامه ایست از جانب فقیر احمد سعید مجددی السلام و علیکم بخدمت علماء
و قضاة و امراء و خوانین بلند مکان عموما و خصوصا بخدمت حضرت غلام صدیق صاحبزاده و ملا کلان
اخوندزاده صاحب و قاضی صاحب و ملا غلام اخوندزاده و دیگر علماء و طلباء سلمهم الله تعالی مخبر برین امر که جامع
جمع العلوم و العرفان منبع الشهود و الایقان حاجی دوست محمد صاحب از خلفای حضرت نقشبندیه مجددیه
وجود شریف شان در آن نواح کبریت احمر است و مغتنم دهر اعزه آن دیار را باید که در محبت و اطاعت ایشان
بجان و دل رغبت کنند که محبت اهل الله سبحانه در حقیقت محبت خدا جل جلاله است و از بغض و کینه و عداوت
شان الحذر بپرهیزند که منجر بعداوت حق تبارک و تعالی است من عادی لی ولیا فقد آذنته بالحرب
نعوذ بالله من ذلک زیاده خیر شرط است والسلام علیکم و علی من لدیکم مکتوب بیست و سوم بخدمت حقایق و معارف آگاه حضرت
غلام صدیق صاحبزاده صاحب [illegible] نقشبندیه
مجددیه احمدیه بسم الله الرحمن الرحیم احمد الله الحی القیوم و اصلی علی رسوله المعصوم و آله و اصحابه الذین هم کالنجوم
کالنجوم و اسلم علی زبدة العارفین و عمدة العاملین محب الفقراء و المساکین مشفق الغرباء و الطالبین
المتخلق باخلاق الالهیة و المتصف بالصفات النبویة سلالة الاکابر و الاماجد مجموعة الفضائل و المحامد
مولانا و اولانا مشفقنا و مکرمنا لا زالت انوار هدایته و ارشاده ساطعة علی اذکیاء المخلصین و المستفیدین
بعد اهدای هدیه مرضیه سلام مسنون و التحیة معروض خاطر عاطر میگرداند که عنایت نامه عالی و صحیفه گرامی
در اسعد اوقات بورود مسعود عز ورود [illegible] فرحت فراوان رسانید شعر بوسیدم و بر دیده
دیده نهادم بپیچیدم و تعویذ دل سوخته کردم الحمد لله تعالی [illegible] ذکر
مخدوما مکرما مسموع گردیده که بعضی علماء و صلحاء آنجا بر طریقه حضرات ما زبان طعن و اعتراض میکشایند بر چه
بگویند که حضرت شاه ولی الله قدس سره در طریقه حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی قدس سره و نموده اند کبرت کلمة
تخرج من افواههم ان یقولون الا کذبا جناب حضرت شاه [illegible] پیر و مرشد فقیر اند اخذ طریقه از شمس الدین

حسب مدرجه الله علیه بوده اند و ایشان از حضرت شیخ نور محمد رحمة الله علیه و ایشان از سلطان الاولیا
حضرت شیخ سیف الدین رحمة الله علیه و ایشان از حضرت عروة الوثقی خواجه محمد معصوم رحمة الله علیه
و ایشان از حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی رحمة الله علیه و بنا بر طریقه حضرت امام همام که سلسله حضرت
شاه نقشبند قدس سره است بر اتباع سنت سنیه و اجتناب از بدعت تمام ضروریست و حالات این طریقه
برین منوال است که در قدم اول که عبارت از ولایت صغری است نسیان ماسوی و تعلق علمی و حبی هم
حاصل میشود و در قدم ثانی که ولایت کبری است استغراق و انا و حصول تسلیم و رضا بر احکام قدر و قضا و این
حقیقی را ازاله شرک خفی است میسر میشود شروع سیر در طریقه مجددیه از لطیفه قلب است که زیر پستان چپ
بفاصله دو انگشت است بعد ازان از روح که زیر پستان راست بفاصله دو انگشت بعد ازان از لطیفه
سر و خفی و اخفی که درمیان سینه اند و لطیفه نفس در پیشانی است و لطیفه قالب تمام بدن را شامل است
تو اعمال این لطائف ذکر اسم ذات میکنند بعد ازان نفی و اثبات بعد ازان مراقبه احدیت و معیت و اقربیت
و محبت و مسمی اسم الباطن و غیرها از کمالات نبوت و رسالت و اولوالعزم و حقائق الهیه و حقائق انبیا
و معبودیت صرفه و لاتعین که در مکاتیب حضرت مجدد رحمة الله علیه تفصیل تمام مرقوم گردیده اند و مقصود
از سلوک تحصیل مرتبه احسان است که در مشکوة شریف در کتاب الایمان مسطور است که جبرائیل علیه السلام از جناب
رسالت مآب پرسید که ما الاحسان قال رسول الله صلی الله علیه و سلم الاحسان ان تعبد الله کانک تراه فان
لم تکن تراه فانه یراک شخصی از حضرت خواجه بهاء الدین نقشبند رحمة الله علیه پرسید که المقصود از سیر
و سلوک چیست فرمودند تا معرفت اجمالی تفصیلی گردد و استدلالی بدیهی گردد یعنی آنچه در شریعت ثابت
مفصل شود و بی زحمت دلیل گردد و علوم کشفی و عیانی گردد و برای تحصیل این امر حضرات نقشبندیه ذکر الله
سبحانه بر سبیل دوام موضوع ساخته اند و توجهات بر طالبین بکار میبرند و از برکت ایشان است
که اول در طالبین جذبه پیدا میشود بیتابی و بیقراری و آه و ناله و ذوق و شوق و سکر و محویت تمام

ظاهر میشود چنانچه در صحبت پیران کبار مانند شاه نقشبند و حضرت غوث الثقلین قدس سرهما این چیزها
در مریدان پیدا میشدند کما هو المسطور فی النفحات اگر کسی را که اشتباه دران باشد در کتابهای مذکور در
احوال ایشان ببینند غرض از تحریر این سطور اینست که جناب عالی علما و صلحا را آنجا تفهیم فرمایند که بر احوال آن
زبان اعتراض نکشایند که نتیجه آن خوب نیست خصوصا که از یک طریقه باشند که آن اعتراض بر مشائخ
کرام خود میشود و باید که با هم چون شیر و شکر باشند المومنون کالبنیان المرصوص یشد بعضه بعضا حدیث
شریف است و کینه و بغض و عداوت از صفات ذمیمه اند اهل اسلام را از آنها اجتناب ضروریست
و شان علما و صلحا ازان ارفع است خصوصا که صاحب ارشاد و فرمایند از طرف فقیر که حاجی دوست
محمد صاحب که خلیفه فقیر است در جوار قرب شما میباشند مراعات خاطر شان بعینه مراعات فقیر دانسته بطریق محبت
پیش آمده باشند الفقراء کنفس واحده تصور فرمایند و بدیگر صاحبزادگان نیز همین التماس است والسلام

مکتوب پنجاه و نهم که بنام درویشان دولت محمد صدور یافته در جواب اثبات جذبات

بسم الله الرحمن الرحیم بعد الحمد و الصلوة و تبلیغ الدعوات معلوم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله
تعالی باد که بعضی مردم بسبب جهل از حالات مشائخ کرام خود رحمة الله علیهم و عدم دیدن کتب تصوف
انکار از جذبات و واردات که بر مریدان خویش مستعد از نظر تصرف پیران صاحب همت
ظهور میباید مینمایند و میگویند که در طریقه نقشبندیه مجددیه جذبات کی باشند و این حرکات شیطانیه اند
و تحت عبارت مکتوبات شریف حضرت مجدد الف ثانی که از فقیر نویسانیده برده ... میکنند
لهذا جواب ایشان نوشته میشود که ایشان مراد حضرت امام ربانی نفهمیده اند مراد حضرت شان آنست
که وجد و تواجد که عبارت از رقص است در خاندان ما نیست یعنی چنانکه معمول خاندان چشتیه است
که سماع میشنوند و حالهای آرند و رقص مینمایند و حضار مجلس موافقت ایشان مینمایند و آنرا تواجد
مینامند و حرکات مصنوعا را وجد نامیده اند در خاندان نقشبندیه مجددیه نیست نه آنکه جذبات و واردات

وحالا فهیه در خاندان مانیست معاذ الله من هذا الجهل العظیم کبرت کلمة تخرج من افواههم ان یقولون
الا کذبا تا شیرات اکابر نقشبندیه که به نسبت مریدان واقع شده اند وحصول جذبات ایشان را
اگر نویسیم دفتری باید ناچار شمه ازان در معرض بیان می آرم که القلیل یدل علی الکثیر و القطرة
تنبئ عن البحر الغزیر در مقامات حضرت مجدد الف ثانی قدس سره مسمی به برکات احمدیه تصنیف مولانا
خواجه هاشم کشمی که خلیفه اجل حضرت مجدد الف ثانی است در احوال حضرت خواجه محمد باقی بالله رحمة الله علیه
که شیخ حضرت مجدد الف ثانی اند مرقوم است خواجه برهان نام از خواجهای خجندی که از اکابر خود نسبتها
داد جاذبها یافته بود بخدمت ایشان رسیده و طلب افاده و افاضه نمود ایشان نزاو برا نگاه داشت
صورت خود دلالت نمودند وی در تعجب رفت و با محرمان خود گفت این شغل مناسب حال جمعی است
که اول قدم درین راه نهاده باشند مرا ایشان کرم نموده بمراقبه عالیتر ازان اشارت نمایند دوستان
گفتند امتثال امر باید نمود و از فضول احتراز باید فرمود چون عقیده ایشان درست بود ناچار بنگاه داشت
صورت مبارک پرداخت و در وقتی نرفته بود که آن صورت او را فرو گرفت و نسبت عظیم بروی استیلا
نمود تا غلبه سکرش بجائی رسید که با وجود تمکین و کبر سن مقدار دو ذراع از زمین می جست
و بر سر خود را بدیوار و اشجار میزد با آنکه چندین از جوانان دیرا گرفته بودند قوت نگاهداشت
او نداشتند و تا دیر که هجده ورا نمی شد مر طالبان نیز اول بنظر قبلیه متوجه میکرد کاین سلسله است که در اول
مبتدی جمیع ابنیه را نفی و اثبات و بر جمیع را ابتدا اثبات صرف یعنی اسم ذات قرشانه و از غایت سریان
نسبت آنحضرت قدس سره بسیاران نمجرد دیدن ایشان مجذوب و مغلوب میشدند گویند یکبار خطیب
بر منبر بوده که نظر بجمال ایشان کشوده صیحه زد و از منبر بر افتاد شبی از شبهای رمضان حضرت
ایشان ما قدس سره بدست خادمی با آنحضرت فالوده فرستادند چون آن خادم از کوچه تا آن ساده
لوح بوده بدروازه خاص رسیده حلقه در زده حضرت خواجه دیگری را بیدا نکرده خود برآمدند و ظرف

فالوده از دست او گرفته فرموده که تمام توجه صورت ما دارد که باما خواهد چون خادم شیخ
احمد بازمائی بحجره مراجعت آن خادم را جذبه و سکر دست داد فریاد کنان و افتان و خیزان
خود را بحضرت ایشان ما رسانیده آنحضرت پرسیدند که حال چیست بشور و مستی تمام بگفت که همه جا
چه در حجر و چه در شجر و چه در زمین و چه در آسمان نوری با برنگ بیچگونه و بی نهایت می بینم که بیان
آن نمیتوان نمود حضرت ایشان ما فرمودند البته حضرت خواجه ما مقابل این بیچاره شده اند که از مقابله آن
آفتاب پرتوی برین ذره افتاده فردا شب بحضرت خواجه رسانید تبسم فرمودند ه بر فرق چشم جهانیان
چون خون ما طلبند ه تبسمی کن و خاموش کن زبان همه ه گویند روزی عسکری بلازمت ایشان
آمده بتقریب طهارت از مسجد بیرون رفتند خادم این سپاهی در بیرون عنان اسب گرفته ایستاده
بود حضرت تنحنح و استبرا بکرات تا نظر کیمیا اثر ایشان بران خادم افتاده بود چون بمسجد در آمدند
خبر رسید که خادم آن عسکری را جذبه و بیخودی گرفته بر خاک افکنده است در میان اسپان چون گوی که در شکم
غلطان است از قبیل شام تا پاسی از شب همچنان در اضطراب بود ناگاه شور دیده روی بهار او نهاده
و همچنین بصحرا بیرون رفته دیگر بمجلس از وخبر نیافته سیدی و مرشدی میر محمد نعمان سلمه الله تعالی فرموده بجمیع
مامر شده داشت برات آنحضرت را دلاله بمریدی حضرت خواجه فرستادیم ایشان آن طفل شیرخواره را در
کنار مبارک خود گرفته شفقتها نمودند آن طفل دستی بمحاسن شریف ایشان برده موئی از لحیه مبارک ایشان
او بجانب خود بند طفلک میرا زمایاد گاری میکرد در حدود همان ایام انتقال فرمودند آن موی مبارک
تا امروز بیادگار و تبرک مانده ه مرا از زلف تو موئی بسند است ه فضولی میکنم بوئی بسند است ه
چون آنحضرت بحجره نمره مراجعت نمود ساعتی نرفته بود که تا رکستی و جذبات بر وی پیچیدن گرفت و وی
خود را بران میزد است تا آنکه فریاد سخت بر آورد بیهوش بیفتاد و از پهلوی چپ او حرکتی قلبی
چنان غلبه داشت که همه یاران معاینه مینمودند بعد از مدتی بهوش آمد پرسیده شد که چه بود دیده

گفت سابقه فاتحه بحضرت خواجه بصورت عجیب عجب نمودند تا آنکه مرا از من ربودند و دیگر خبرم از خود نماند
جز آنکه دل خود را الله گو می یابم بسیری گفتند که حال او را آنحضرت خواجه عرض کرد کاشف تبسم نمودند
و تعلیم ذکرش فرمودند و آن از حضرت خواجه آن بود که هر کرا تعلیم ذکر میفرمودند بعد از آن اثناء تعلیم
ذکر توجه بر ایشان مستعمل حال او میداشتند بعضی چون مرغ نیم بسمل بر خاک میغلطیدند و برخی از خود غائب شده
بحیرت میرفتند و بعضی را بعد از آن کیفیت عالم مثال یا ارواح یا معانی منکشف میگردید تا آنهم نظر
تربیت ایشان بعجز و انکسار قوتش می آورد و مصداق الشیخ یحیی و یمیت بظهور می پیوست و نیز در
کتاب مسطور در احوال مجدد الف ثانی رحمة الله علیه مرقوم است که شیخ بدیع الدین را حضرت موصوف
فرمودند که برو در منور کده دوگانه ادا نموده بیا شیخ بدیع الدین میگوید که چنان کردم و در انجا بی
بروند و تعلیم ذکر دل فرمودند و توجه نمودند چنانکه از مستی و بیخودی بر خاک افتادم و بیجان مرا برداشته
بجای من بردند بعد از یکروز با فاقت آمدم در حضرات القدس در کرامت حضرت مجدد الف ثانی رحمة الله
علیه منقول است درویشی که آثار جذب و آثار بی تعینی و علامات آن از وی در سیما وارستگی پیدا و هویدا بود
نقل نمود که از بنگاله باکبرآباد آمده بودم و حضرت ایشان قدس سره دران بلده تشریف داشتند شبی
بملازمت شریف آنحضرت رسیدم و ملتمس تعلیم ذکر گردیدم اجابت فرمودند و تلقین نمودند در ضمن توجهی
و تصرفی در حق من کردند که حالتی بر من مستولی گشت که همانشب دیوانه وار از انجا بیرون آمده بدشت
و صحرا افتادم و مدتها در کوه و بیابان میگشتم و از خواب و خور و سکون و آرام خبر نداشتم چنانکه درین
میان چه دیدم و بچه چیزها رسیدم در مقامات حضرت خواجه بهاء الدین نقشبند قدس سره در احوال
ایشان منقول است که حضرت خواجه مولانا محمد را فرمودند که اینک واقف باش که فرصت نهایة اندک است
مولانا محمد متوجه حضرت خواجه شد و ایشان باو التفات نمودند آنگاه خواجه فرمودند ای محمد درین
محل چه وقت باد و باغ زاغات مولانا محمد در گریه شد و جامه پاره کرد و اضطراب عظیم نمود

روزی حضرت خواجه بزرگ رحمة الله علیه با یاران مشغول شدند حیثیتی در ان قوم که بخواجه نماز میگذاردند
پیدا شده و در هر یک کیفیتی تصرف کردند که نتوانستند نماز را گذاردن مگر یک کس که با ایشان
نماز گذارد و آن جماعت که در باغ خواجه یوسف بودند معتقد تن بودند هر یکی را حالتی بود بعضی
میگریستند و بعضی در خاک میغلطیدند و بعضی بطرف صحرا میرفتند و در احوال خواجه حسن نواسه
حضرت خواجه بزرگ قدس سره مرقوم است هر که بدستبوس شریف ایشان مشرف شدی از پای
در افتادی و حالت غیبت و بیخودی دست دادی چنین استماع افتاده است که یکروز بامدادی از
خانه بیرون آمدند و کیفیتی غالب داشتند هر که را نظر بر ایشان افتاد همه را کیفیت بیخودی
روی نمود و بیخود افتادند و صلی الله علی سیدنا محمد و اله و صحابه مکتوب شصتم که بنام یکی از منسوبان
دولت بطریق سعید دریافته در بیان توجه کامل قبیه بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی حبیب
سلامت از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون گذارش آنکه حامل رقیمه جوان از دودمان طریقت
است بر حالش توجه نموده باشند دیگر آنکه یکروپیه غازی بدست همین حامل قرطاس فرستاده
بودند نزد فقیر رسید خاطرش جمع فرمایند و دعاء برای او نموده شد والسلام مکتوب شصت و یکم که بنام
یکی از منسوبان دولت محمد سعید دریافته در بیان آنکه اصل از طریق پند انفع
بسم الله الرحمن الرحیم نحمده و هو الرب الحمید و نستعینه و ایاه نستعین العبید و نتوکل علیه و هو الفعال
لما یرید و نصلی علی حبیبه و رسوله الحمید و اله الذین عرفوا الشقی و السعید و اصحابه الذین نالوا
من الله بمراتب السعید اما بعد مکارم اخوی اعزی ارشدی حاجی حبیب سلمهم الله سبحانه علی اکرم
الطالبین باد که مکتوب مرغوب مع ملحقه ایا صحوب محبی که تفصیلش در رقیمه سابق اندراج یافته
رسید مضمون مندرجش واضح گردید بلائی دردمندان از در و دیوار می آید لکن عاشقان صادق
آن را در رنگ شکر میخورند و چون شیر با شهد آمیخته نوش جان میفرمایند دل از دولت تو زیری خورد

گفتم نویش بجان باشد • ستم لطف است اگر پای محبت در میان باشد • اهل الله هر چه می بینند از حق می بینند
و هر چه می شنوند از حق می شنوند و نظر از اشخاص که تعینات اند مرتفع میسازند و شکایت از زید و عمرو
بر لب نمی آرند و گوش بر مطاعن مردم نمی نهند و بد گوینده و مکافات باحسان می نمایند و عفو تقصیرات
ایشان میفرمایند ه هر که ما را بد رساند از راحتش بسیار باد • مقصود ایشان است اگر شرع عوام با هم جنگ
و جدال کنند پس فرق در میان عوام و خواص چه باشد و امتیاز چگونه صورت بندد جماعه که نفی این طایفه
میکنند و بدلایل و براهین ایشان اثبات می نمایند امر او شان از دو حال خالی نیست یا موافق مراد حق است
جل و علا پس چه گفتن از آن یعنی خواره حله واجب است که پیش از پیش از ایشان خوشوقت شود و الا سر از
ربقه بندگی خواهد کشید ه گر طمع خواهد ز من سلطان دین • خاک بر فرق قناعت بعد ازین • و اگر مخالف
مراد او ست عز و جل پس مضای خواهش ایشان محال در محال ه که مسلهٔ کشیش خاری • لب چاهی یار جانی
انبوه خلق از فعل و قول ایشان بی حاصل است باید که در مشغولی حق اوقات خود را صرف سازد و از لا یعنی
احتراز نماید ه در زمین دیگران خانه مکن • کار خود کن کار بیگانه مکن • بحث و مباحثه با خلایق نمودن
اوقات عزیز خود را که بدل ندارد ضایع ساختن است و قباحت آن اظهر من الشمس است ه جواب
جاهلان باشد خموشی • بگذار بیاسار الله تعالی این فقیر کمینه و دوستان او را توفیق بر مرضیات
خویش عنایت فرماید اللهم لا تکلنا الی انفسنا طرفة عین و لا اقل من ذلک و الا فنهلک ه تو دولی
بغم این جان که پردازد • بگام جان که فرو باشی بجان که پردازد • هر کس که ترا شناخت جان را چه کند •
فرزند و عیال و خانمان را چه کند • دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی • دیوانهٔ تو هر دو جهان را چه کند
دیگر از دریافت کردن خلفا و حلقه و مراقبه درد و حال بمقدار شکر حضرت حق سبحانه بجا آورد هم
زده فزود و کثر اخوانا ه لب در دست گشته گلهای بهاری ما • همین است بس ای خسرت بهاری ما

مکتوب بیست و دوم در بیان کیفیت [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

اخوی اعزی ارشدی صاحبیت سلمهم الله تعالی دعا فاهم از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون
و دعوات عافیت مشحون مطالعه نمایند که میمن مخلص قدیم معه مکاتیب مرسله و صندوق بپیه و رب به
دو لاکل الخیرات رسیده و اشیاء مرسله رسانید جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء و مکتوب که در دلائل الخیرات
فرستاده بودید نیز رسید احوال مرقومه مفصلا دریافت گردید هیچ گونه اندیشه نکنند یریدون
لیطفئوا نور الله بافواههم والله متم نوره ولو کره الکافرون هر چه خواست خدای سبحانه خواهد شد
والله غالب علی امره ولکن اکثر الناس لا یعلمون کلمات معاندان را هرگز در دل جا ندهند دروغ بیفروغ
را جز رسوائی نیست خسر الدنیا والآخرة ذلک هو الخسران المبین بکار خویش سرگرم باشند و دعاء صحت
و ترقیات کرده میشود والسلام مکتوب بیست و سوم بمولوی فخر الدین رحمه الله تعالی صدور یافته در بیان
استفسار جوابها که نوشته بودند بسم الله الرحمن الرحیم بعد الحمد و الصلوة و تبلیغ الدعوات
معلوم اخوی اعزی ملا فخر الدین سلمه الله تعالی باد که مکتوب مرغوب مشتمل بر استفسار مسائل بورود محمود
مسرت بار رسانید حل انکار ملا علی قاری از سنت بودن اشاره هر مسئله فنی از فنون کتب آن فن باید
دید غیر آن مثلا مسئله فقهی در کتب فقه یافته خواهد شد و نحوی در نحو و همچنین مسئله تصوف کتب تصوف
شافی و کافی است حاجت بغیر ندارد و علمای ظاهر را کار و بار دیگر و علما باطن را ذکر و فکر علیحده و انکار علما
ظاهر بر علما اسرار دین از قدیم الایام جاری است و بسبب قصور فهم ایشان معذور اند پس از انکار ایشان
از جا نباید رفت و بکار خود مشغول باید بود مع هذا در فخر الحسن که فی الحال نوشته شده است ملاقات
خواجه حسن بصری با حضرت علی کرم الله وجهه با حسن وجوه از کتب صحیحه اثبات نموده اند و همچنین تلقین
ذکر خفی و جلی و طریق مصافحه و بیعت و الباس خرقه در کتب صوفیه کرام رحمهم الله علیهم مانند عوارف و توضیح
و نفحات و مکتوبات حضرات بالتفصیل تمام مسطور است و ذکر یکه در خاندان نقشبندیه است معنعن از حضرات
مشائخ کرام تا ما بکار رسیده و در وسائط فتور نرفته است پس قول ملا علی قاری لا یصح عند اهل الحدیث

ضرر نمی‌دارد که وسائط ما دیگر اند و وسائط اهل حدیث دیگر و جواب سوال ثانی آنست که الله تعالی در قرآن
شریف میفرماید وما خلقت الجن والانس الا لیعبدون ای لیعرفون لان العبادة فرع المعرفة پس تحصیل
معرفت علة غائیه ایجاد آدم و پیری و مریدی برای حصول عرفان حق است تا وقتیکه عرفان حاصل نشود
بیکار محض است اگر معرفت از پیر اول حاصل نشد بلا تردد به پیر ثانی رجوع نماید تا مقصود حاصل شود
تعالی علمه نور رزده و از طلب خود دست باز ندارد و الا تارک عمل بنص مطلوب خواهد شد جواب سوال ثالث
آنست که روی ذبیحه و ذابح بسوی قبله باید و ترک آن مکروه است قال فی الدر المختار و کره ترک التوجه
الی القبلة لمخالفة السنة و قال فی الاصل أرأیت الرجل یذبح ویسمی ویوجه ذبیحته الی غیر القبلة
متعمدا او غیر متعمد قال لا بأس بأکلها قال خواهرزاده فی شرح المبسوط اما الحل فلان الاباحة شرعا
متعلقة بقطع الاوداج والتسمیة وقد وجدا و توجه القبلة سنة مؤکدة و ترک السنة لا یوجب
لکن یکره ترکه من غیر عذر انتهی جواب سوال چهارم الخ در میان علماء حنفیه در رفع سبابه اختلافست
بعضی بر کثرت احادیث نظر انداخته فتوی بر استحباب و سنت داده اند و بعضی در احادیث اضطراب دیده فتوی
بر عدم رفع نموده اند لکل وجهة هو مولیها و حتی کان فی المسئلة قولان صحیحان جاز القضاء والافتاء باحدهما
پس باید که یکی بر دیگر طعن نکند و از طعن خود را دور دارد و جواب سوال پنجم الخ بوریه که انکار رفتن
خلفاء از جای بجای میکنند از کدام دلیل مینمایند حضرت شیخ آدم بنوری رحمة الله علیه از بنور بحضرت سرهند
برای زیارت پیر خود حضرت مجدد الف ثانی بسیار میرفتند و در شاهجهان آباد نیز تشریف
آورده بودند باز بحرمین شریفین رفته در مدینه منوره علی صاحبها الصلوة والسلام انتقال بعالم
آخرت نمودند و مزار ایشان در جنت البقیع است پس فعل پیر ایشان بر خلاف حکم ایشان حاکم است
اگر دلیل دارند اظهار سازند تا جواب آن داده آید تعجب آنست که با وجود هبوط قلیل القدر ایشان
بر اهل طریقه خود مینمایند طریقه درویشان آنست که در میان خود دلها همچو شیر و شکر

ولو کان من غیر الطریق الفقر الکعب قول اینطائفه است و نیز فرموده اند که بدترین خلائق
عیب بین اینطائفه است کما فی النفحات جواب سوال ششم آنست که ماخذ الصاق کعبین آثار
صحابه است اخرج ابن ابی شیبة عن هشام بن عروة قال اخبرنی من رای ابن الزبیر یعنی عبدالله
یصلی قد صف قدمیه والزق احدهما بالاخری و عن عیینة قال رأیت ابن مغفل یصلی صافا بین قدمیه
و عن سعد بن ابراهیم قال رأیت ابن عمر یصلی صافا بین قدمیه و عن مالک بن دینار قال رأیت عکرمة
یصلی صافا بین قدمیه و عن قریش بن حیان قال رأیت الحسن یصلی صافا بین قدمیه و عن مختار بن سعد
قال رأیت القاسم بن محمد یصف بین قدمیه فی الصلوة ولا یراوح بینهما والله اعلم مکتوب شصت و چهارم بطور
محضر در بیان اثبات جذبات بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله وسلام علی عباده الذین اصطفی بر ارباب
علم کامل و اصحاب فهم صائب ظاهر و هویدا باد که بتاریخ سیوم ماه ربیع الآخر سنه ۱۲۶۹ روز دوشنبه
یکپاس روز برآمده ملا عبدالصمد ولایتی مرید حضرت شاه آفاق صاحب مرحوم خادم حاجی الحرمین الشریفین
مقبول رب المشرقین حاجی صاحب خلیفه حضرت صاحب و قبله قدس سره بحضور حضرت صاحب و قبله حاضر
شده حضرت صاحب و قبله فرمودند که در میان شما و حاجی صاحب چه مخاصمت است گفت که مریدان حاجی صاحب
وجد و تواجد میکنند و وجد و تواجد در طریقه مجدد رحمة الله علیه منع است بعد از ان از مکتوبات قدسی
آیات حضرت مجدد رحمة الله علیه مکتوب دویست و شصت و ششم که بحضرت پیر زاده ها صدور یافته است
خواندم در آن نوشته بودند که اکابر این طریقه هرگاه در منع ذکر جهر اینهمه مبالغه مینمایند از سماع و رقص
و وجد و تواجد چه گویند احوال و مواجید که بر اسباب نامشروعه مترتب شوند از قبیل استدراج اند و نیز از
مکتوب صد و شصت و هشتم که بمخدوم زاده خواجه محمد قاسم صدور یافته و این هر دو مکتوب از جلد اول مکتوبات اند
خواندم درین نوشته بودند لهذا اکابر این طریقه عالیه از ذکر جهر اجتناب نموده اند و بعلی دلالت نموده اند
وانع سماع و رقص و تواجد که در زمان آنسرور علیه الصلوة والسلام و در زمان خلفاء راشدین نبوده علیهم الرضوان

منع فرموده‌اند این هر دو عبارت از مکتوبات ملا عبد الصمد ولایتی خوانده و گفت که وجد و تواجد خواه به اختیار باشد
و یا بی‌اختیار هر دو در طریقه مجددیه نیست در میان صاحبان کلیم باختیار میکنند حضرت [illegible] قبله ارشاد
اند که وجد و تواجد که باختیار باشد و یا در مجلس سماع باشد و بر او امر نامشروع مرتب شود در طریقه ما نیست
و در بی‌اختیاری ممانعت نیست چون ممانعت باشد که از اختیار بشر خارج است تکلیف ما لا یطاق حق تعالی
نمیدهد از بزرگان ما این چنین بروی گشته بعد از آن در مجلسی که بسیار مریدان و مخدوم‌زادها هم حاضر
بودند مخدوم‌زاده بزرگ فرموده بود که از مقامات حضرت مجدد رحمة الله علیه که برکات احمدیه نام دارد و تصنیف
خواجه هاشم کشمی که خلیفه حضرت مجدد است این عبارت باواز بلند بخوانید مخدوم‌زاده خورد این عبارت
خواندند خواجه برهان از خواجهای نقشبندی از اکابر خلفاست [illegible] اجازت یافته بود که بحضرت ایشان رسید
و طلب افاده و افاضه نمود ایشان در آن نگاه داشت صورت خویش دلالت نمودند وی امتثال امر نمود در روز یا
رفته که آن صورت او را فرو گرفته و نسبت عظیم بروی استیلا نمود تا غلبه سکرش بجای رسید که با وجود تمکین
دگر کس مقدار دو ذراع از زمین می‌جست و هر سو خود را بدیوار و دیوار میزد با آنکه چندین از جوانان
وی را گرفته بودند قوت ایشان [illegible] او دفع نمیکرد تا دم آنچه دید و از غایت سریان نسبت آنحضرت [illegible]
سر بسیاران [illegible] در میان ایشان [illegible] بیکبار خطیب بر منبر بوده که نظر [illegible] گشوده
صیحه زد و از منبر بزیر افتاد و [illegible] حضرت ایشان [illegible] خادمی با آنحضرت [illegible] ایستاده [illegible]
فرموده‌اند که نام توجه [illegible] که بابا فرموده چون خادم شیخ احمد [illegible] در [illegible] آن
خادم را جذبه و سکر [illegible] فریاد کنان و افتان و خیزان خود را بآنحضرت [illegible]
گویند عسکری [illegible] ایشان [illegible] طهارت از مسجد بیرون رفته خادم این سپاهی
در بیرون [illegible] اسپ گرفته بود ایستاده [illegible] نظر کیمیا اثر ایشان [illegible] خادم [illegible]
آن خادم را جذبه و بیخودی گرفته بر خاک افکنده [illegible] اسپان چون گوی هر سو غلطان [illegible]

قبیل [illegible] در اضطراب بود [illegible] بجای او نهاده همچنین
بعضی از [illegible] دیگر مجلس [illegible] خانقاه و [illegible] حضرت خواجه از غایت [illegible] آن بود
که هر که را تعلیم [illegible] میفرمودند همه را [illegible] توجه شریف [illegible] حال [illegible] در راه نقوش [illegible]
برادران حقیقت [illegible] که طریقه نقشبندیه [illegible] آورده‌اند تا هر [illegible]
[illegible] بعضی چون مرغ نیم بسمل بر خاک
[illegible] از خود غائب شده [illegible] ایشان بر سبیل تعمیم بود [illegible]
تلخیص آن عبارت که مخدوم‌زاده [illegible] از مقامات مذکوره خواندند بعد از آن حضرت ایشان فرمودند
که آنچه حضرت مجدد رحمة الله علیه منع آن نوشته اند مراد آنست که وجد و تواجد که باختیار باشد یا همراه [illegible]
و رقص بوده مطلق وجد [illegible] بی‌اختیار از بسیار بزرگان [illegible] طریقه [illegible] ملا عبد الصمد
گفت که اگر بی‌اختیار باشد [illegible] حضرت ایشان فرمودند که از
تاثیر [illegible] عبارت مقامات نقشبندی [illegible]
بر سبیل تعمیم بوده [illegible] شاه آفاق صاحب مرحوم [illegible] بودند که [illegible]
[illegible] حضرت شاه جمال الله صاحب خلیفه شاه قطب الدین صاحب خلیفه حضرت محمد زبیر صاحب رحمة
الله علیهم [illegible] تاثیر بود [illegible] افتاد چون مرغ نیم بسمل [illegible] از مریدان
و مخلصان [illegible] غرض [illegible] بر سبیل عموم شده است و همه بی‌اختیار میشدند باز ملا عبد الصمد
گفت [illegible] در طریقه حضرت مجدد رحمة الله علیه نیست مخدوم‌زاده خورد گفتند که شما رای خود برای حضرت ما
ترجیح [illegible] حضرت [illegible] کلام حضرت مجدد رحمة الله علیه بیان فرموده‌اند [illegible] در مقامات
[illegible] و تطبیق هم ارشاد [illegible] منع فرموده‌اند حضرت مجدد رحمة الله علیه
آنست که بر سبیل [illegible] باشد و یا در مجلس سماع و غیره نامشروع باشد چنانچه مشائخ [illegible] حضرت

بلند میکردند و حاجیصاحب خلیفه حضرت ما هستند حضرت صاحب و قبله او شان را قبول فرموده اند شما بشنید
که انکار میکنید ملا عبد الصمد گفت که ما انکار حاجیصاحب میکنیم وجد و تواجد را انکار میکنیم مخدوم زاده خورد
گفتند که شما چه طور دانستید که مریدان حاجیصاحب بی اختیار میکنند وجد و تواجد را از کشف دانستید
یا دلهای ایشان را قطع کرده دانستید یا بدگمانی بر مسلمانان ملا عبد الصمد گفت که دانستم دانستم بر طور
که دانستم مخدوم زاده خورد گفتند که شما به هیچ وجه ندانستید بچنین منازعت میکنید از حسد ملا عبد الصمد
گفت این امر معروف میکنم بر مسلمانی و دیگر [illegible] مخدوم زاده خورد گفتند که این هم امر معروف نیست
سبحان الله امر معروف یکبار [illegible] گفتن است که این هم خلاف شرع است ما علی الرسول الا البلاغ
نص قاطع است بر این نه اینکه منازعت کردن با وجودیکه حضرت صاحب و قبله فهمایش میکنند نمی فهمید
و علم هم ندارید و عبارت فارسی راست خواندن نمی آید مکتوبات قدسی آیات را چه طور فهمید و مکتوبات
چنان کتابی است که علما و عرفا از فهمیدن آن عاجز آیند و شما مکتوبات را از که خوانده اید و کدام شخص
[illegible] بشما فهمانیده است [illegible] مکتوبات بیان کنید تا حقیقت معلوم شود ملا عبد الصمد این را جزی جواب نداد و گفت
جزی فهم بعد از آن مخدوم زاده خورد غلام میرزا محمد و لیسر علا یار محمد که همراه ملا عبد الصمد بود گفت که شما نفهمید
که حضرت صاحب با چه [illegible] مانید و دادشان قبل از این موافقت و تائید ملا عبد الصمد میکردند هم خود مخدوم زاده گفتند
که کلام حضرت راست است و قبول داریم باز مخدوم زاده گفت که این اصحاب خود را بشما فهمانید باز ملا عبد الصمد مکتوبات را
گرفت همین مکتوب را که به پیر زاده صدور یافته است خواندن شروع کرد تا اینجا رسید که حضرت مجدد فرموده اند
که این نامشروع است حضرت صاحب و قبله فرمودند که معنی بیان کنید که امور نامشروع کدام هستند چیزی نگفت
و باز خوانده حضرت صاحب ایستاده فرمودند که معنی بیان کنید که امور نامشروع کدام هستند معنی نمی فهمید
و عبارت میخوانید آخر هم عقل هم دارید مخدوم زاده خورد گفتند که این انکار هرگز هرگز نکنید از نظر [illegible]
نیش گرفتن و بر حین انکار کردن کی جائز است بعد از آن ملا عبد الصمد چیزی [illegible] کرده رخصت شدند

شدند حضرت صاحب فرمودند که غرض ما این بود که نزاع باهم نکنند و باهم دوست باشند فقط این است
حالات حاضر شدن ملا عبد الصمد من وجه فقط وصلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه وسلم والحمد لله رب
العالمین مکتوب شصت و پنجم [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم سیادت و نجابت دستگاه سید حیدر صاحب سلمه
تعالی بعد از سلام مسنون مکشوف خاطر عاطر میگرداند مکتوب مودت اسلوب متضمن استفسار بعضی مسایل
بورود مسعود مسرت بار رسانید در باب رفع یدین آنچه ایشان پرسیده اند حق مراتب تفصیل آنکه
عینی شارح بخاری [illegible] قال العینی و هو قول الشافعی و احمد و [illegible]
و ابی ثور و ابن جریر الطبری و روایة عن مالک و الیه ذهب الحسن البصری و ابن سیرین و عطاء بن ابی رباح
و طاوس و مجاهد و ابن المبارک و القاسم بن محمد و سالم و قتادة و مکحول و سعید بن جبیر و ابن عیینة قال ابو عمر
روی الرفع عن رسول الله صلی الله علیه وسلم نیف و ثلثون من الصحابة و قالت الحنفیة [illegible] الا برفع یدیه الا
فی التکبیرة الاولی [illegible] قال الثوری و النخعی و ابن ابی لیلی و علقمة بن قیس و الاسود بن یزید و عامر الشعبی و ابو
اسحاق السبیعی و خیثمة و مغیرة و وکیع و عاصم بن کلیب [illegible] روایة ابن القاسم عن مالک و هو المشهور
من مذهبه و المعمول عنده [illegible] و قال الترمذی و به یقول غیر واحد من اصحاب النبی صلی الله علیه وسلم و التابعین
و هو قول سفیان و اهل الکوفة و احتجوا بحدیث الباب [illegible] انه کان فی ابتدا
الاسلام ثم نسخ و الدلیل علیه ان عبد الله بن زبیر رضی الله عنه رای رجلا یرفع یدیه فی الصلوة عند
الرکوع و عند رفع الراس من الرکوع فقال لا تفعل فان هذا شیء فعله رسول الله صلی الله علیه وسلم ثم ترکه
و یؤیده النسخ ما رواه الطحاوی باسناد صحیح [illegible] ابن ابی داود و قال اخبرنا احمد بن عبد الله بن یونس قال
حدثنا ابو بکر بن عیاش عن حصین عن مجاهد قال صلیت خلف ابن عمر فلم یکن یرفع یدیه الا فی التکبیرة الاولی
من الصلوة قال الطحاوی فهذا ابن عمر قد رای النبی صلی الله علیه وسلم یرفع ثم ترک الرفع بعد النبی

صلی الله علیه وسلم فلا یکون ذلک الا وقد ثبت عنده نسخ ما قد کان رای النبی صلی الله علیه وسلم فعله ولو ذکر
طاوس انه رای ابن عمر یفعل ما یوافق ما روی عنه عن النبی صلی الله علیه وسلم لم یقدح فی ذلک لانه یجوز
ان یکون ذلک قبل ان تقوم الحجة عنده بنسخه ثم لما قامت ترکه وفعل ما ذکره عنه مجاهد قال اما ما ابو حنیفة
حدثنا حماد عن ابراهیم عن علقمة والاسود عن عبد الله بن مسعود ان النبی صلی الله علیه وسلم کان لا یرفع یدیه الا عند
افتتاح الصلوة ثم لا یعود لشیء من ذلک وروی الطحاوی ثم البیهقی من حدیث الحسن بن عیاش بسند صحیح عن
الاسود قال رایت عمر بن الخطاب رفع یدیه فی اول تکبیرة ثم لا یعود وروی ابو حنیفة عن حماد عن ابراهیم
قال ذکر عنده وائل بن حجر انه رای رسول الله صلی الله علیه وسلم یرفع یدیه عند الرکوع وعند السجود فقال اعرابی
لم یصل مع النبی صلی الله علیه وسلم صلوة قبلها افهو اعلم من عبد الله واصحابه حفظ ولم یحفظوا وفی روایة
هو شیء من لا جهمی عن عبد الله انه رفع یدیه فی بدء الصلوة فقط وحکاه عن النبی صلی الله علیه وسلم وعبد الله عالم
بشرایع الاسلام وحدوده ومتفقد لاحوال النبی صلی الله علیه وسلم ملازم فی اقامته واسفاره وقد صلی مع النبی
صلی الله علیه وسلم ما لا یحصی فیکون الاخذ به عند التعارض اولی من افراد مقابله من القول السنیة الاسرین
والله سبحانه اعلم انتهی کلام ابن الهمام مختصر اقدر الحاجة و حنفی المذهب اگر انتقال بمذهب شافعی کند علما
اعلام تعزیر کش حکم کرده اند چنانچه در فتاوی عالمگیریه مرقوم است و در در مختار هم از سراجیه نقل کرده
حیث قال فی باب التعزیر ارتحل الی مذهب الشافعی یعزر سراجیه وفی الفتح قال ودکی ان رجلا من اصحاب ابی حنیفة
بن ابی حفص الکبیر ارتحل الی مذهب الشافعی فامر بالتعزیر والنفی عن البلدة وفی مختار حنفیه در تامین بسر است
قال العینی واحتج اصحابنا بما رواه احمد وابو داود الطیالسی وابو یعلی الموصلی فی مسانیدهم والطبرانی فی معجمه
والدار قطنی فی سننه والحاکم فی مستدرکه من حدیث شعبة عن سلمة بن کهیل عن حجر ابی العنبس عن علقمة بن
وائل عن ابیه انه صلی مع النبی صلی الله علیه وسلم فلما بلغ غیر المغضوب علیهم ولا الضالین قال امین واخفی بها صوته
ولفظ الحاکم فی کتاب القراءة وخفض بها صوته وقال صحیح الاسناد ولم یخرجاه ورواه محمد بن الحسن فی

کتاب الاثار حدثنا ابو حنیفة به قال اخبرنا حماد ابن ابی سلیمان عن ابراهیم النخعی قال اربع یخفیهن
الامام التعوذ وبسم الله الرحمن الرحیم وسبحانک اللهم وامین وبما رواه الطبری فی تهذیب الاثار حدثنا ابو بکر
بن عیاش عن ابی سعید عن ابی وائل قال لم یکن عمر وعلی رضی الله عنهما یجهران ببسم الله الرحمن الرحیم
ولا بامین وقالوا الیه امین دعاء والاصل فی الدعاء الاخفاء انتهی کلام العینی فقط والسلام مکتوب بیست
وششم بسرور خان صاحب صادر یافته در بیان تاکید ذکر و فکر و مخالفت جاهلین اخوند بسم الله الرحمن الرحیم
عالی الشان رفیع المکان سرور خان صاحب سلمه الله تعالی بعد از سلام مسنون گزارش مینماید الحمد لله
که احوال فقرا الی الحال خود دوستی خیر است صحت و عافیت ایشان مطلوب و مرغوب است باید دانست که حیات
دنیا چند روز است عاقل را باید که با آن کلفت چندروزه فریفته نشود الدنیا وما فیها ملعون الا ذکر الله و من
والاه حدیث شریف است متوجه به آخرت باشد و ایشان صحبت حضرت مرشدنا جناب شاه صاحب قدس سره
یافته اند و حظها گرفته لازم که ذکر و فکر را از دست ندهند که فخر حسرت و ندامت نخواهد بود بوقت صبح شود
همچو روز معلوم است که با که باخته عشق در شب دیجور تانیا انکه ملا لسین اخوند که از مخلصان فقیر است از اینجا
بیما شد اگر او را کاری افتاد در سر انجامش سعی بدل نمایند که ازان خشنودی خاطر فقیر است و موجب دعا
غائبانه والسلام مکتوب بیست و هفتم ابن کبیر در دمندان دولت محمد صدور یافته در بیان مشغول بودن
بکار خود بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام
مسنون مطالعه نمایند رقیمه کریمه معه دو کاغذ برای مهر ملا سالار رسانیدند و دو عدد مرهم حاجی ارسال
رسانیده خوشوقت ساخت هر دو کاغذ مختوم معه مکتوب حضرت شاه صاحب قدس سره فرستاده شد
انشاء الله تعالی خواهد رسید بکار خود مشغول و سرگرم باشند و بزید و عمرو التفات نکنند حسبنا الله
ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر والله غالب علی امره ولکن اکثر الناس لا یعلمون افوض امری الی الله
ان الله بصیر بالعباد کرمت المنون والصلوة والسلام مکتوب شریف حضرت شاه صاحب قدس سره

بسره الاقدس که مولانا حضرت ... فرموده که از استفاده او ... مکتوب محدود نیز
بکثرت علما و فضلا و غیرهما از شرفای و رؤسای اقلیم روم صدور یافته دربیان احوال مولانا خالد علیه الرحمه
تعالی بعد حمد و صلوة بکثرت خدام ذوالاحترام علما و فضلا و حفاظ و امرا و حکام و شرفاء آن دیار برکت آثار
گذارش میشود که جمیع فضائل ظاهر و باطن مولانا خالد سلمهم الله تعالی باشارات غیبی در هند در شاه جهان آباد نزد
احقر الناس رسیده در طریقه نقشبندیه مجددیه مصافحه بیعت نموده باذکار و اشغال و مراقبات در طلوق پرداختند
بعنایت الهی سبحانه بواسطه مشایخ کرام ایشان را حضور و جمعیت و بیخودی و جذبات و واردات و کیفیات و حالات
و انوار حاصل شد و مناسبتی به نسبت علیه نقشبندیه و استعداد و باز توجهات بر لطائف عالم امر و عالم خلق
ایشان کرده شد و بان توجهات تنی از دریاهای نسبتهای حضرت مجدد رضی الله عنه بهره یافتند
و باین حالات و مقامات اجازت و خلافت که در تلقین و ارشاد طالبان ایشان را داده شد و در وطن رسیده
بریاضات و ترقی نسبت باطنی مشغول شدند و ایشان را قبولی پیدا شد و بعنایت حضرت خواجه نقشبند
رحمة الله علیه اشاعت طریقه نقشبندیه در آن دیار نمودند فالحمد لله دولت ایشان و دیدن
ایشان و دیدن من و دوستی ایشان دوستی من و انکار و عداوة ایشان بعض من است و مقبول ایشان
مقبول پیران کبار من اعنی حضرت شاه نقشبند و خواجه احرار و خواجه محمد باقی و حضرت مجدد رحمة الله
علیهم و تعظیم و احترام ایشان بر مسلمانان آن ملک و دعا و خیرخواهی و درازی حیات و حفاظت ایشان
برین فقیر واجب است خیر الناس من ینفع الناس وجود ایشان را غنیمت دانند و محبت و دوستی و رعایت
آداب ایشان واجب شناسند در حدیث دین اسلام چهار جزء دارد توحید و اعمال ایمان و مرتبه احسان
و تصدیق قیامت مرتبه احسان جان دین متین است سبحان الله در خدمت ایشان این مرتبه بدست میآید
و توفیق اقبال آخرت و اعراض از دنیا نقد وقت میشود در قرن اصحاب کرام رضی الله تعالی عنهم
فیضی از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم میرسید که سکینه و طمانینت قویه دست میداد و فیض آنحضرت صلی

صلی الله علیه وسلم بر دلهای اولیاء رحمة الله علیهم وارث شد تا بیهای و اضطراب و ولوله و نعره را باعث
گشت مثنوی حضرت شبلی رحمة الله علیه از عجائب احوال صوفیه گفته اند در صحبت خواجه باقی بالله مرزا جان جانان
و میرزا مراد بیگ و حاجی اشرف این امور از این فقیر استفاده داشتند و ترتیبها بسیار حاصل شد
در خاندان حضرت میر ابو العلی نقشبندی آه و ناله بسیار است اگر در اصحاب مولانا خالد این امور ظاهر
شده بر وجه خوبی مولانا خالد است منجائی طعن نادانان و این فیوض پیغمبر با کمال محل تعقلی این
صیاح و بیقرار حالت و فیض از پیغمبر با کمال خواجه نقشبند رحمة الله علیه رسید استهلاک و اضمحلال در نسبت
اصحاب حضرت خواجه نقشبند سرایت نمود و فیض از پیغمبر ما صلی الله علیه وسلم بر باطن حضرت مجدد ورود
یافت جامع انجلاءات اطوار اولیاء رحمة الله علیه و شامل کیفیات نسبتهای اصحاب کرام رضی الله تعالی
عنهم البسط الی اللطیف و میرکت از تجلی ذاتی دائمی ناشی است و تمام جهان را بجذبات و واردات سیر شد
و از لطائف عالم امر و عالم خلق بر تر است سبحان الله و بحمده الحمد لله که مولانا خالد از جمیع حالات و درجات فیوض
از اینجا بهره یافته و مناسب استعداد طالبان این افاضه آن مینمایند اینچنین گوهر نایاب در آن
ملک باشد سعادت آن زمین و مستفیدان بالیقین است در صحیح بخاری یا قرنی از قرن صوفیه اینچنین
مجامع و کثرة فیوض مرا معلوم نیست که باشند تائید ایشان و اخلاص و محبت و استفاده از ایشان و حب
حضرت مجدد در اصحاب کرام حضرت خواجه باقی و حضرت آدم بنوری در اصحاب حضرت مجدد و مولانا
خالد در اصحاب این کلاشنی امتیازها دارند بلکه بانقدر کثرت فیوض در صحبت آن اکابر هم نبود
الحمد لله ثم الحمد لله ایذا و عداوت حاسدان از خدمت مولانا دفع نمایند و ثواب رسند والله الحق
سبحانه ناصر و معین کافی است همه راه اخلاص میگیرند حضرت مجدد طریقه چشتیه و قادریه و سهروردیه
از والد خود و کبرویه از مولانا یعقوب صرفی گرفته و استفاده در نقشبندیه از حضرت شیخ المشایخ
خواجه محمد باقی نموده اند و در اندک زمانه با اسرار و انوار و حالات و کیفیات و جذبات و واردات در سینه

باز همین تربیت حضرت خواجه محمد باقی طریقه جدیده و رأیی طریقه صوفیه و علوم و معارف بندم متعارفه
صوفیه فائض شدند حضرت خواجه فرمودند علوم شما صحیح قابل آنست که بنظر انبیاء علیهم السلام در آید مجموعه
شیخ احمد نام حضرت مجدد دست آفتابی است که مثل ما هزاران ستاره در سایه او گم اند مثل ایشان زیر
فلک نیست ملا عبد الحکیم سیالکوتی گفته که ایشان مجدد الف ثانی اند امام المحدثین شاه ولی الله در یکی
شریفه رساله که در ورود رد انفس حضرت مجدد نوشته اند آنرا بلفظ عربیه و فارسی ترجمه کرده اند در انجا در هند
بلغ امره الی ان لا یحبه الا مؤمن تقی ولا یبغضه الا منافق شقی بر تشه بلاد اسلام از فیوض حضرت مجدد
در وجب شد بر مسلمانان شکر فیوض حضرت این فیوض متنوعه که در طریقه جدیده خود بیان کرده اند از صوفیه
برای حضرت مولانا خالد و مولوی هراتی و مولوی قمر الدین پشوری دلکاز بعید از کجا تحریر ها رسانیده پیش بنده
آمده فیوض مجددیه کسب کرده در مجددیه بیعت کردند که این فیوض در کتب و صدور بلکه در قبور مسیالم
علماء و فضلاء بر رجحات مقامات طریقه مجددیه اقرار دارند سند در مناقشه سید برزنجی نیست عارف
نامی که عبارات مکتوبات حضرت مجدد را تحریف نموده عبارت محرفه را ترجمه بلفظ عربیه کرده در مدینه
منوره رساله فرستاد سید برزنجی نادانسته از جارفت و بی تحقیق انکار ایشان نوشته رساله در کتب نوشته
ارساله داشت و رسالت میرزا محمد حبشی افتاد و عبارت صحیحه مکتوبات از مکتوبات بر آورده ترجمه بلفظ
عربیه نوشت که برین عبارت هیچ گرفتی نیست در بهرانی علماء مکه آن رساله رسانید که برین عبارت صحیح
هیچ اعتراض نیست آن رساله در ینجا هست شیخ عبد الحق از انکار باز آمده در رساله اش کرد یا چنین
عزیزان بدرجه بیابد بود و غشاوه بشریت مرا نمانده حضرت مجدد جواب اعتراضات خود نوشته اند و چون
تاویل در کلام الهی سبحانی جاری است در کلام اولیاء نیز همه کلام حضرات اولیاء نیز همه کلام حضرت
مجدد مشروح است جایی اعتراض نوارد و معترض را از بی ادبی منع باید نمود که منکر اولیاء در خطر سلب اسلام
گفته اند از خطرات قال کما معانی می آید که الفاظ عبارت آن ساعه نمانده پس تسلیم ولی لکه یا ابراز

بذکر قلب و لطائف از توجه مولانا خالد رسیده اند و روی فراقی جهت گم گشته ملح شدند هزاران
بحضور و جذبات فائض شده ای برادر انصاف باید داد که این سعادت و دولت از کجا آمده بابن مکتوب
ایشان خواجه حضرت داب سبحانی بواسطه پیران نقشبندیه رسانیده امید دعا و همت از ایشان داریم مکتوب
شصت و هشتم در بیان آنکه در بیان دولت محمد جمهور یافته در بیان آنکه سید صالح کیسه دارید و ابدانی
دیگر مطلوب مقصود او بیان دیگر جانبداری حق سبحانه تعالی بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله حمداً کثیراً
طیباً مبارکاً فیه مبارکاً علیه کما یحب ربنا و یرضی و الصلوة والسلام علی حبیبه خیر الوری و آله و اصحابه البررة
التقی بعد الحمد والصلوة اخوی اعزی ارشدی حاجی حاجی سلمه الله تعالی علی مفارق الطالبین و المحبین
معلوم فرمایند که مکتوب مرغوب شما کنف و هدایا و مبلغ یکصد روپیه و نه کلاه برای فقیر و یک شیشه و طاس
برای فرزندی محمد عمر و حمائل برای فرزندی محمد مظهر و سجاده نماز قالین برای اهل بیت از ذات محمد عالم
وصول گردید جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء و تقبل الله منکم و بارک فیما اعطاکم در اولاد و اموال شاد کام و خذل
اعداء کم و حفظ کم و رحم الله عبد الله آقا آل آلیسا از خبر انتقال ایشان که مخلص صمیمی بود کمال تأسف دست داد
انا لله و انا الیه راجعون غفر الله له مغفرة ظاهرة و باطنة پرورش اطفال او بر ذمه دوستان او است
و دعاء مغفرت او هم از اهم مهام است جمله مقامات معنوی برای آن بحالت خلیفه رسیده میرزا محمد عالم
فرستاده شده انشاء الله تعالی خواهد رسید و دیگر حالات اینجا بحمد الله سبحانه قرین جمعیت است همه خواهان
یک مطلب اند و فقیر از حق سبحانه مقصدی ندارند و اگر هیچ نبود او را هیچ نمیخواهند و اگر میخواهند او را میخواهند چند
مرام ایشان جز رضای او سبحانه نیست اللهم وفقنا لما تحب و ترضی و اجعل آخرتنا خیراً من الاولی
و درد زبان ایشانست و از مراد است غوغای گشته بمراد مولی جل جلاله قیام دارند کمالیت این
طریق انتهائی لازم که دوستان آنجائی همین نهج زندگانی نمایند والسلام دیگر آنکه مولوی عبد الرحیم
یک تنگی برای فرد حصن حوالامین مرحوم کرده بودند از صالح محمد بر سیم یعلی جنو جان نمود از آنجا

یافته شود ارسال فرمایند که امانت بود دیگر مخفی نبودن برای القاب حاجی الحمد عالم نموده ام جواب نامه
از فرزندان و درویشان سلام برسد مکتوب شصت و نهم که برای کلینه درویشان دولت محمد صادر
در جواب تحریر یافته بود فرموده اند بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعز ارشدی حاجی حبیب سلمهم الله تعالی از فقیر احمد سعید
مجددی عفی عنه بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند رقیمه که مشتمل بر طلب کتاب
تاریخ و منبع و خط بنام محمد سرور خان بود ورود مسعود مسرت بار رسانید کتاب مذکور نایاب است اگر بدست خواهد آمد
فرستاده خواهد شد و خط بنام مذکور ملفوف خط هذا میرسد و خط دیگر جواب خط میر سید نیز ملفوف است
نقلش گرفته حواله مکتوب الیه فرمایند والسلام از فرزندان و برادران و درویشان سلام قبول باد مکتوب
هفتادم بعلماء و صلحاء و فقراء و ولاة و قضات و سادات کرام و مشایخ سکنه خراسان و قندهار و کابل
و غزنین و دیگر نواحی [illegible] صادر یافته بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله
الاعلی والصلوة والسلام علی سیدنا محمد المصطفی و آله المجتبی و اصحابه التقی اما بعد بر علماء و صلحاء و فقراء
و ولاة و قضات و سادات کرام و مشایخ عظام سکنه خراسان و کابل و قندهار و غزنی مخفی و محتجب نباشد
که حقایق و معارف آگاه فضائل و کمالات دستگاه حاجی الحرمین الشریفین مقبول رب المشرقین و المغربین
حاجی [illegible] حبیب سلمه [illegible] فقیر احمد سعید مجددی انسبا و طریقه کان الله له طریقه
نقشبندیه مجددیه و قادریه و چشتیه و سهروردیه اخذ نموده بخلافت این خانواده سرفراز و ممتاز گردیده
مرجع و مآب طلاب گشته [illegible] فی الدین درین ایام استماع یافته که بعضی
حاسدین زبان طعن بر حاجی حبیب موصوف دراز کرده لهذا بخدمت [illegible] و موالی آنجا مصدع گردیده
که اعانت و حفاظت حاجی حبیب بر ذمه خود لازم شناسند و حاسدین را فهمایش بلیغ ساخته بر تقبیح حسد
و علاوه که از صفات ذمیمه است مطلع فرمایند تا از ایذاء مؤمن باز آیند و فیما بین که اهل اسلام اند بخوشی
و شکر باشند و تعلق لازم الوثوق انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم و اتقوا [illegible]

فیض بنیاد حضرت سید الابرار صلی الله علیه وسلم المؤمنون کالبنیان یشد بعضه بعضا عمل نموده سعادت
دارین حاصل فرمایند وجود اهل الله تعالی که بجز حق سبحانه مطلب ندارند در بلاد خود غنیمت دانند
و در رضای ایشان بذل جان کوشش نمایند که موجب صلاح و فلاح است والسلام علی من اتبع الهدی
والتزم متابعة المصطفی صلی الله علیه وآله واصحابه وبارک وسلم مکتوب هفتاد و یکم که برای کلینه درویشان دولت
محمد [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی حاجی الحرمین الشریفین مقبول رب المشرقین والمغربین سلمه الله تعالی
از فقیر احمد سعید مجددی بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند مکتوب مرغوب مع مبلغ
[illegible] روپیه سکه حالی و دو عدد لنگی سیاه و چهار کلاه مصحوب عبد الله خان ورود مسعود مسرت بخش
گردید جزاکم الله خیر الجزاء معلوم فرمایند که مرید الله تعالی وقتی میشود که جمیع مقاصد و مرادات خویش را
سلب نیستی خود نماید و مرادش بجز رضای حق سبحانه هیچ نماند و کالمیت بین یدی الغسال جز حضرت حق
تبارک و تعالی باشد و همیشه بتضرع و زاری بجناب باریتعالی عرض نموده باشد که الهی آنچه رضای تست
مرا بران جاده دار و گلیم [illegible] از خود بدر مگردان اللهم لاتکلنی الی نفسی طرفة عین ولا اقل من ذلک
ورد زبان باشد فنای قلبی عبارت از آنست که تجلی افعالی ظهور کند یعنی افعال مخلوق از نظر سالک
مرتفع شوند و بجز فعل الحق سبحانه هیچ در نظر نیاید انعام و ایلام خلق برابر شود و از فعل محبوب خود داند
بلکه از الم زیاده ملتذ شود ضرب الحبیب زبیب هرچه بکند محبوب [illegible]
[illegible] ساقط [illegible] بفعل الله سبحانه و تعالی و بحکم ما رمیت [illegible] افعال خلق
[illegible] بنده را بجز تسلیم و رضا هیچ نباید تا بندگی متحقق شود و داخل زمره انهم من عبادنا المخلصین
گردد الهی [illegible] گلستان [illegible] که عباد مخلصین خود داخل بساز یا رب این آرزوی من چه
خوش است تو بدین آرزو مرا برسان بصدقه حبیبک المصطفی علیه وعلی آله واصحابه من الصلوات اتمها ومن

تسلیمات الکهباء والسلام از فقیرزادگان و درویشان سلام قبول باد مبلغ چهل و شش روپیه یک چادر
دیگ لنگی سیاه و یک چادر انگینی و ده عدد مسواک مصحوب پیر محمد و کتب فرزندی محمد دوست صالح محمد
رسید جزاکم الله سبحانه عنا خیر الجزاء مکتوب صد و دوم به یکی از درویشان دوست محمد صدور یافته
در بیان دعا و شرح صدر بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی حبیب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید
عفی عنه بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه فرمایند رقیمه کریمه بورود مسعود مسرت افزا شد
سابق ازین بدست ملا فیض محمد رسیده بود یا بنام مرسله ایشان فرستاده ام ان شاء الله تعالی رسیده باشد
حالا که پیر محمد متوجه آنجا گردید مکرر بعد اولی نوشته میشود که اشیاء مرسله بدست پیر محمد بتفصیل دار
رسیدند خاطر شریف ازین امر مطمئن فرمایند و کتب مرسله بدست صالح محمد از ان فرزندی نیز رسیده
جزاکم الله سبحانه عنا خیر الجزاء ولیسر امورکم و شرح صدورکم کما شرح صدر نبینا و حبیبنا و شفیع ذنوبنا و طبیب
قلوبنا صلی الله علیه و آله و اصحابه و بارک و سلم حتی تطیق لتحمل ایذاء الخلق باحسن الوجوه آمین والسلام
از فرزندان و درویشان و ملا نواب صاحب سلام مسنون برسد و مصلی بزرگوار هی بملا صاحب داده شد خوش وقت
گردانید مکتوب صد و سوم به یکی از درویشان دوست محمد صدور یافته در بیان فرستادن کتاب مکتوبات
معصومی و کمی ظهور پی تا پنجاه و دو نفر دوست ایراد منسوبیت بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی
سلمهم الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون مطالعه نمایند مکتوب مرغوب مرقوم هشتم ربیع
الاول بتاریخ هشتم ربیع الثانی بورود مسعود مسرت رسانیدند و رسید کتاب مرسله ایشان مکتوبات
معصومی بدست محمد عالم فرستاده شد ان شاء الله تعالی رسیده باشد حضرت مولانا ارشدنا رحمة الله علیه
در مکتوب صد و دهم که بمولانا خالد رومی نوشته اند سیر بانیه ظهور پی تا پنجاه و دو نفر گفت
اکابر صوفیه است در حضرت حضرت غوث الثقلین و ابو علی دقاق که باستاد مشهور اند از ایشان اضطراب
و شور کشش مرکزم سیر دیده کاش درین قبر جان برابر کران جانان درین پر تو دیدار حق بنا جهانند از

از دوستان مشتاق دار مشتاق جان اللهم ارزقنی تنقلا بسبب غلبة الاشتیاق فی حبک من حیث صحتی فاننا
دیگر تیغ لا سر خود بعیار دارا ... اطال الاشتیاق الی لقاء حبیبی زاده الله شوق الیه بدیده
گریبان و سینه بریان بردم مصحف لیک دیباره دیده بدوست هر فیضی که از دست فایض شد فیض نعم
ملت صلی الله علیه و سلم مکرر از حضور حضرت الشیخ ناگزیر است نور آفتاب در آیینه حب الوان برانها گوناگون
میشاید اسرار توحید وجودی در سیر لطیفه قلب میشود زدریا موج گوناگون بر آمده ز بیچونی برنگ
چون بر آمد گهی در کسوت لیلی فرو شد گهی در صورت مجنون بر آمد این توحید از شعبده های غلبه محبت
که از کثرت ذکر و مراقبه و مجاهدات و خلوتها دست میدهد مجنون هر جا دیده صورت لیلی مشاهده کرد از غلبه
محبت حضرت مجدد بیان نموده اند و مشرب انبیاء علیهم السلام العبد عبد والحق حق فرموده اند الحمد که ازین
حالات و معارف حکایت فرمایند لایق استعداد طالب خواهد بود بهتر والسلام از فرزندان و درویشان
و برادران سلام قبول فرمایند مکتوب صد و چهارم به یکی از درویشان دوست محمد صدور یافته در بیان سرگرم
بودن به افاده طالبان حق جل و علا بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی حبیب سلمه الله تعالی از فقیر احمد
سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون مطالعه فرمایند الحمد لله که تا تحریر فقیر بخیریت و صحت و عافیت از آنجناب
مسئول است لازم که در افاده طالبان سرگرم باشند و تعمیر اوقات بوظائف عبادات و اشتغال و اذکار معمول
نموده باشند در وقت سحر از گریه و زاری و تضرع و عاجزی خالی نباشند و دعای طلب خود درین وقت
نمودن که سریع الاجابت است همه امور خویش بخدا کریم سپارند الله تعالی حافظ و ناصر و معین باد والسلام
کتابهائی فرزندی ارسال نمایند مکتوب صد و پنجم به یکی از درویشان دوست محمد صدور یافته در بیان
قابلیت تفویض امر خلافت بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی حبیب سلمه الله تعالی و بارک الله فی
امره از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون و دعوات صحت و عافیت مشحون مطالعه فرمایند مکتوب
مرغوب مصحوب شاه حسین رسید و از حالات مکنونه اطلاع بخشید قبل ازین جواب مکاتیب ایشان بدست

بدست همین روانه نموده شد ان شاء الله تعالی رسیده باشد و دعائی برای صحت ایشان نموده میشود ان شاء الله
تعالی صحت شده باشد و تفویض امر خلافت برای آن شخص نمایند که هم عالم باشد و هم سلوک تمام از و یافته
و صاحب اعتبار و عزیز و شریف در مردم بود و رجوع خلائق باو بیشتر باشد و با دعوات و حقوق مشایخ کرام
رحمة الله علیهم متحلی بود و محبت و عشق پیران کبار بوجه اتم و اکمل باشد و تاثیرات قویه در توجه او ظهور کند
و حب جاه و ریاست از دلش دور شده باشد و تواضع و فروتنی و خاکساری وسیما عادت بود و مشغولی بحق بگا
علی سبیل الدوام او را حاصل باشد چنین کس لائق خلافت است مکتوب سی و ششم این پاره در بیان
دولت ناکه صدور یافته در بیان توجه به پیر محمد خان که مرید مکتوب الیه است نمودن بسم الله الرحمن الرحیم
اخوی اعز ارشدی حاجی حبیب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون گذارش اگر پیر محمد
داخل طریق گردیده است و چند توجه نیز گرفته بزودی راهی آن طرف گردید توجه بر حالش نموده باشند ان شاء الله
تعالی بهره مند خواهد شد و معظم خان را که مرید مخصوص است نیز توجهات نموده باشند والسلام مکتوب سی و هفتم
این گنجینه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان دعا و ترقی در حق این فقیر و تقلیع در ورود و توبه مستقر شدن
بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعز ارشدی حاجی حبیب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون مطالعه
نمایند مکتوب مرغوب مشتمل بر رسیدن خود که مرسل نموده بود نور ورود مسعود کرد تعالی رسانیده الله تعالی بصحت و عافیت
داشته و محفوظ بحفاظت خود ساخته مستر شدان را بوجود ایشان منتفع فرماید و آفتاب هدایت و افاضت را
روز بروز تابان تر گرداند مکتوب برای اهالی اکام قوم ساخته بدست حامل رقیمه فرستاده شد ان شاء الله تعالی
خواهد رسید باقی احوال اینجا مقرون بحمد ایزدی است والسلام از فرزندان و درویشان سلام برسد
مکتوب سی و هشتم این گنجینه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان من استوی یوماه فهو مغبون
و دعا و محبت فی الله بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعز ارشدی حاجی حبیب زاد الله ارشاده و طال
بقائه علی المسترشدین بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند الحمد لله رب العالمین احوال

الفقرائی الحمد و دعا بعنایات رب المعبود که موجب حمد بیحد و شکر لا تحصی ولا تعد است و المسئول الی مولی
من ارحم الراحمین صحتکم و عافیتکم من الآلام و الاسقام الظاهرة و الباطنة و افادتکم الزائدة یوما
فیوما ساعة فساعة علی الطالبین و یرحم الله عبدا قال آمینا من استوی یوماه فهو مغبون معروف و مسلم
عند السادات الصوفیة رحمهم الله علیهم فیا الهی و مولائی لا تکلنی و جاءنی من المغبونین بل زدنی انا
فانا محبتک و محبة حبیبک صلی الله علیه و سلم و حب من یحبک و حب عمل یقربنی الیک و لا تکلنی الی نفسی طرفة عین
و لا اقل من ذلک فیهلک و فقنا لما تحب و ترضی و اجعل آخرتنا خیرا من الاولی آمین سه مکر کردی این دلم
پر خون شد * بنگر که ازین سرای فانی چون شد * مصحف کف یا بره و دیده بدوست * با پیک اجل خنده
زنان بیرون شد * والسلام مکتوب سی و نهم این گنجینه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان لطیفه
که هیچ وقت بلاطائل نگذرد بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعز ارشدی حاجی حبیب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه
بعد از سلام مطالعه نمایند الحمد لله که تا تاریخ یازدهم جمادی الاولی فقیر مع متعلقان بخیریت است و المسئول
من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و حفظکم من جمیع الآفات و البلیات و کثرة ارشادکم و افادتکم یوما
فیوما و یرحم الله عبدا قال آمینا لازم که هیچ وقتی از اوقات در لاطائل نگذرد و دوام توجه الی الله تعالی
بر نیاز و عاجزی تمام و تفویض امورات خویش باو سبحانه و خود را کالمیت بین یدی الغسال پیش او
داشتن فرض وقت داشتن شما سد رب الکلائی کلایة الولید در زبان باشد سه ما کار خویش
را بخداوند کار داده ایم * بسپرده ایم تا کرم او چها کند * والسلام مکتوب چهلم در این گنجینه درویشان دولت محمد
صدور یافته در بیان سفارش توجه ملا حامد که همشیره حضرت ایشان است طی زود ولی خدا داد
بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعز ارشدی حاجی حبیب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون
و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند حامل رقیمه ملا غان که همشیره نعرت شغلی دارد بتوجه کامیاب
سازند سه پیری که دم از عشق زند بس غنیمت است * ای که درین راه پیر و جوان و کهول مساوی اند

چه نعمتی است که کسی در یاد حق موی خود را سفید کند و روز بروز شعلهٔ عشق مشتعل شود والسلام علیکم وعلی
من لدیکم مکتوب فرستاده دوم که باین کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته در باب سفارش تعلیم و توجه
بیان ابراهیم مرید حضرت ایشان ملتمس [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم بعد الحمد والصلوة وتبلیغ الدعوات
اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی معلوم نمایند که تا تحریر رقیمه هذا که پانزدهم محرم الحرام است
فقیر مع متعلقان بخیریت تمام است و مسئول من الله سبحانه سلامتکم وعافیتکم واستقامتکم وترقی ارشادکم یوما
فیوما بحرمت سید البشر المطهر من زیغ البصر علیه الصلوة والسلام من الله الاکبر و تا هنوز مکتوب مرغوب ایشان نرسیده
حامل رقیمه ابراهیم داخل طریقه شده بسرعت راهی آنطرف گردید تعلیم ش نموده توجه نموده باشند والسلام
ملا فیض محمد و دیگر یاران مخصوص بدعا اند مکتوب فرستاده دوم باین کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته
در بیان رسید پوستین مطبوع بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید
عفی عنه بعد از سلام مسنون گذارش آنکه پوستین سفید ملائم مطبوع از دست عبد الله خان سلمه الرحمن بسبب
[illegible] رسانید جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء وسیر سرورکم وزاد وصلکم الی غایة تمناکم [illegible] آمال
امثالکم والسلام علیکم وعلی من لدیکم مکتوب فرستاده دوم که باین کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان
صلح کنانیدن در میان دو قوم بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید
بعد از سلام مسنون گذارش آنکه در میان قوم [illegible] خان و دیگر قوم که باهم جدال شده است لازم که میان
هر دو مصالحه فرمایند و آشتی سازند که بنی آدم همه برادران اند باید که باهم متفق باشند قال الله تعالی
والصلح خیر و ایضا قال جل ذکره وان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما الآیه والسلام
مکتوب فرستاده چهارم ازین کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان سرگرم بودن [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون مطالعه
نمایند الحمد لله که تا تحریر احوال فقرای اینجا [illegible] مستوجب حمد است و صحت [illegible] از جناب الهی [illegible]

بتاریخ مسئول قبل ازین جواب رقیمه ایشان فرستاده شده انشاء الله تعالی خواهد رسید در کار خود سرگرم
باشند و هیچ تشویش در دل نگذارند که من کان لله کان الله له والسلام مکتوب فرستاده [illegible] که باین
کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان صلح کنانیدن در میان دو قوم بسم الله الرحمن الرحیم
اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون گذارش آنکه حامل رقیمه
عالم خان را با قوم [illegible] چیزی منافشه است اگر سعی آنصاحب صلح شود مناسب است واز [illegible]
آنطرف شده خبر رسیدن بوطن معلوم نشد لهذا نگران میباشد الله تعالی [illegible] یاد والسلام مکتوب فرستاده
ششم که باین کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان [illegible] طریقه بسم الله الرحمن الرحیم
اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه فرمایند الحمد لله
که فقیر تا تحریر رقیمه هذا بخیریت است و مسئول من الله سبحانه سلامتکم وعافیتکم مکتوب مرغوب بدست ملا شیر محمد
بورود مسعود مسرت آثار رسانید واز دریافت خیریت مزاج ایشان مسرور بر مسرور افزود الله تعالی در علم
ایشان برکت دهد و در رواج طریقه بوجه احسن نماید و در نوبلا فرزندی اعزی حافظ محمد عمر سلمه در
شوق ملاقات ایشان غلبه نموده متوجه آنجا گردیده است بعد ملاقات خویش همراه قافله متوجه اینجا گردد برخوردار
مسطور را [illegible] نمایند و احوال مفصل اینجا زبانی برخوردار موصوف دریافت خواهند شد
ملا فیض محمد و دیگر دوستان اینجا سلام مسنون خوانند والسلام بالفضل الاکرام برخوردار موقوف مانده
استخاره موافق بیامد الخیر فیما صنع الله سبحانه فقط دیگر آنکه مولوی شیر محمد خوب توجهات بکنند
که [illegible] صاحب کمال گردد مکتوب فرستاده هفتم که باین کمینه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان آنکه
در [illegible] معلوم نمایند بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی
حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند
رقیمه آنعزیز محرره بجهت دوم شوال مشتمل بر اقامت خود در کوه [illegible] بورود مسعود مسرت آثار رسانید

و فقیر نیاز دفع رضا و مولی از همه اولی که حکمت آن معلوم نباشد و در روش بر کجا که شب به سرائی باید رفت
موافق حکم الله ستی عمل نموده در کار خویش مشغول مستغرق باشند و اوقات عزیز را در اهم مهام که عبارت
از یاد حق سبحانه است مصروف دارند سواءکان بالاذکار و الاشغال و المراقبات او بالعبادات و الطاعات
او بالتلاوة و الصلوة علی النبی المختار علیه الصلوة و السلام او بالارشاد و الافادات للطلاب او بمطالعة
کتب التصوف و المکتوبات و التفسیر و الحدیث و غیرها من الکتب النافعة و فقیر را از دعاء خویش فاضل نخواهند
و دیگر احمد دل همراه است و السلام از عبد الرشید بعد از سلام گذارش آنکه یک جوره لنگی پیشاوری اگر
یافته شود و یک جوره خورد ملتانی و الا هر دو جوره ملتانی و یک پلنگ پوش ملتانی و چهار پنج دستار کوهی
و قدری بادام و پسته و قدری تماک ارسال فرمایند بعید از مهربانی نخواهد بود و آنکه دو کشته بعید لمانند
حضرت صاحب باشند که شما آورده بودید یافته شود هم ارسال فرمایند و از محمد معصوم سلام برسد از فقیر محمد
نواب بعد از آداب و تسلیم بقصد تعظیم و تکریم عرض اینکه حق اوقات و قدر محبوسی آنکه در حق این بی نصیب
بوقت خاص خود دعا فرمایند که الله تعالی محبة خود و حسن خاتمه نصیب گرداند و السلام علیکم و علی من لدیکم
مکتوب شصت و چهارم بکمترین درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان آنکه هر چه از جناب الله تعالی مرحمت
شود بران قانع شود و عمل بعزیمه گردیدن طالب ترقی باشد بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی
ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند
الحمد لله که تا تحریر احوال اینجا درست و جمعیت است و المسئول من الله سلامتکم و عافیتکم و استقامتکم رقیمه کریمه
که مشتمل بر احوال خویش و یاران خویش ارقام نموده بودند بر سبیل ڈاک رسیده از دریافت احوال
ایشان و یاران ایشان مسرت وافر حاصل گردید اللهم زد فزد و اخوانا فی الدین لیکن باید که هر چه
از جناب الله تعالی مرحمت شود بران قانع شوند و عمل بعزیمه گردیدن طالب ترقی باشند آنچه از حالات
خود مرقوم نموده اند همه از حالات قناعت است اما باید که به آن باقی است و آنچه فوق آن تمام است باید که آن هم

نیز معدوم شود و هیچ نامی و نشانی باقی نماند نه وجود و نه عدم لا تبقی و لا تذر بعد از آن حالات
بقا ظهور خواهند نمود و نزول بعد عروج بعد تا کرا باین دولت بنوازند و معارج آن بی نهایت است
انشاء الله تعالی بمعارج کمال و تکمیل حظ وافر حاصل فرماید فقط و السلام مکتوب شصت و پنجم بکمترین درویشان
دولت محمد صدور یافته در بیان ختم سوره ایلاف برای ترقی صاحبزاده و فرزندی مولوی محمد مظهر صاحب
و قضاء حوائج ظاهری و باطنی سلمه الله تعالی و امنه من حصول المقصود بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی
حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند
الحمد لله که تا تحریر که پنجم ربیع الثانی است فقیر مع متعلقان مع الخیر است و المسئول من الله سبحانه سلامتکم
و عافیتکم و ترقیاتکم و استقامتکم مکتوب بعد رقعه هم مرحوم رسید صالح محمد که حواله تفصیل احوال با او کرده
بودند نرسیده و چه کرد برای فرزندی مولوی عبد الرشید نیز موصول گردید و فرزندی مولوی محمد مظهر از غلبه
شوق متوجه حرمین شریفین زادهما الله شرفا معه رفقا چهل کس گردیده الله تعالی در حصول مقصود ساخته با رسانم
و دعا این امر را ختم هم نموده باشند و سوره لایلاف یکصد و یکبار هر بار بسم الله خوانده باشند هر روز
بعد نماز صبح یا بعد مغرب و فقیر را متوجه احوال خویش دانند و السلام از فرزندان و برادران و دوستان
سلام برسد مکتوب شصت و ششم بکمترین درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان رسیدن مبلغ یکصد
روپیه و فرستادن تفسیر بیضاوی بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله
تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه فرمایند رقیمه کریمه مصحوب علیجان
بوردی و مسر تهار سانیدند قبل ازین مکتوب به هنگام صدور به بیت رمضان رسیده بود جواب آن
نوشته ام لیکن کار رسان تا هنوز اینجاست لهذا جوابش نرسید تفسیر بیضاوی تمام شما نزد دهار و پیه خرید
کرده شد بدست رمضان خواهد رسید و تفسیر معالم از چهار په منتبنی بدست می آید لیکن غلط بسیار است و قیمت
آن بیست روپیه است اگر غلط مطلوب باشد ارقام سازند فرستاده شود و دعای محافظت از شر اعداء

نموده میشود یقین واثق از جناب الهی است که هیچ فرزندی خواهد رسید از فرزندان سلام قبول باد

مکتوب نود و یکم بری یکی از درویشان دولت محمد مسعود یافته در بیان [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم

اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی بعد از سلام مسنون مطالعه نمایند الحمد لله که تا تحریر فقیر مع متعلقان
بخیریت است و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و استقامتکم علی الشریعة و الطریقة و الحقیقة فانها ملاک الامر
و بدونها خرط القتاد و ثبتنا الله سبحانه ایانا و ایاکم و یرحم الله عبدا قال آمینا حافظ شیرازی علیه الرحمة
فرموده بیت آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت با دشمنان مدارا والسلام

مکتوب نود و دوم بری یکی از درویشان دولت محمد مسعود یافته در بیان [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله حمدا کثیرا والصلوة والسلام علی رسوله
و حبیبه خیر الوری و آله و اصحابه البررة التقی اما بعد معلوم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب باد که تحریر رقیمه
احوال فقرای اینجا موجب حمد الهی است و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و استقامتکم و صونکم عن
جمیع الاعداء الآفاقیة و الانفسیة بحرمة سید البشر المطهر من زیغ البصر علیه الصلوة والسلام من الاله الاکبر
حافظ حقیقی ایشان را از شر حاسدان محفوظ داشته بر مسند ارشاد و افاده طالبان سرگرم داراد در وجوه ترغیب
کالشمس فی رابعة النهار گرداناد بزرگان فرموده اند هر که سه خصلت دارد او محبوب حق است اول سخاوت
چون سخاوت دریا دوم شفقتی مانند شفقت آفتاب سیوم تواضع مثل تواضع زمین و نیز
فرموده اند که بهترین طاعت نزد حق جل و علا در ماندگان را فریاد رسیدن و حاجت بیچارگان روا
کردن و شکسته را [illegible] و چهار چیز از هفصد [illegible] طبقات سوال کرده همه یک جواب دادند
من افضل الناس قالوا تارک الدنیا من اکیس الناس قالوا الذی لا یغتر بشیء و من اغنی الناس قالوا
القانع و من افقر الناس قالوا تارک القناعة و الیه قالوا الصوفی یصفو به کل شیء و لا یکدره شیء و قالوا
لو اردتم طلوع درجة الکبار فعلیکم بعدم الالتفات الی ابناء الملوک الله تعالی ما را و دوستان ما را باخلاق

باحق و اعمال و اقوال و احوال اولیاء خود متخلق گرداند و یرحم الله عبدا قال آمینا فرزندی
محمد مظهر از غلبه شوق احرام حرمین شریفین زادهما الله شرفا و کرامة بسته مع چهل کس وارد شد
دعا در حق او نموده باشند که بصحت فائز مقصود گردیده بکاشانه مراجعت نماید در خانه فرزندی محمد عمر فرزند
نرینه تولد گردیده الله تعالی عمر و صالح فرماید مبلغ یکصد روپیه مرسله ایشان بصفا نشان رسانید تقبل الله منکم
و جزاکم الله خیر الجزاء از فرزندان و برادران و دوستان سلام قبول نمایند همه اهل حلقه سلام خوانند

مکتوب نود و سیوم بری یکی از درویشان دولت محمد مسعود یافته در بیان دعا در حق این فقیر

بسم الله الرحمن الرحیم
اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون مطالعه نمایند الحمد لله که
تحریر فقیر مع متعلقان بخیریت است و المسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و استقامتکم و کثرة ارشادکم
و دفع مخالفیکم بحرمة سید البشر المطهر عن زیغ البصر و یرحم الله عبدا قال آمینا فرزندی محمد مظهر [illegible]
بر مرکب سوار شده متوجه حرمین گردید الله تعالی بخیریت بیارد والسلام

مکتوب نود و چهارم بری یکی از درویشان دولت محمد مسعود یافته در بیان رسیدن مبلغ یکصد روپیه و طلب دعا در حق فقیر

بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی
ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند
الحمد لله که تا تحریر بیست و هشتم ربیع الاخری است فقیر مع متعلقان بخیریت و خیر و عافیت القصه [illegible] از
جناب الهی مسئول است مکتوب مرغوب معه مبلغ یکصد روپیه و کوان پنجاه عدد از دولت [illegible] رسید
گردید جزاکم الله سبحانه خیر الجزاء سابق ازین از درد یافت الحق عارضه بخار مزاج [illegible] دعا
نموده ام حالا [illegible] مزاج معلوم گردید الحمد لله علی ذلک الله تعالی همیشه بصحت و عافیت
داشته فیض رسان عالم گرداناد دیگر فرزندی محمد مظهر بعنایت الله سبحانه بدعای فقیر و احباب
بخیریت تمام از زیارت حرمین شریفین فارغ گردیده داخل بندر ممبئی گردیدند انشاء الله تعالی عنقریب
به اینجا خواهند رسید فقط از طرف فرزندان و دوستان سلام مسنون در ضمن باد

مکتوب نود و پنجم من

قدوة السالكين زبدة العارفين سيد الاصفياء سند الاتقياء لؤلؤ محيط الحقيقة بحر مواج الطريقة مولانا مرشدنا حضرة السيد سلمه الله سبحانه ارسل من دار الخلافة دهلي الى بلدة الكشمير جوابا لما ارسل اليه الفقير الحقير خورشيد احمد مجددي

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي جعل الامكان مرآة الوجوب اذ الوجوب يتجلى في الامكان فشكل حمد جميع الحامدين والصلوة والسلام الاتمان الاكملان على سيد الانس والجان افضل الانبياء والمرسلين محبوب رب العالمين شفيع المذنبين قائد الغر المحجلين الذي لولاه لما اظهر الله الربوبية وما خلق الخلق شعر هو الحبيب الذي ترجى شفاعته لكل هول من الاهوال مقتحم وعلى آله الطيبين الطاهرين اما بعد فقد وصل الي كتاب كريم من الاخ الصالح الاعز الارشد ذي الخصال السنية والكمالات البهية الشيخ خورشيد احمد المجددي سلمه الله تعالى وفرحت لقدومه وانشدت شعر اهلا لسعدي والرسول وحبذا جمال رسول لوجه جمال مرسل ولما طالعت المكتوب المشتمل على لحوق المرض حزنت ودعوت الله سبحانه ان يشفيه شفاء كاملا عاجلا ولكن يا اخي ان المرض كفارة للذنوب والآثام مطهر الابدان والاجسام كما ورد في الحديث الصحيح حمى يوم كفارة سنة وان الاسقام والالام مرسل رب الرحيم العلام فيكون محبوبا عند المحب الصادق ومرغوبا لدى العاشق الفائق بل يجد اللذة من الايلام فوق الانعام لان في الانعام شائبة النفس والايلام خالص مراد المحبوب لاحظ للنفس فيه اصلا [illegible] وهذه المعرفة الشريفة منوطة بالوصول الى مقام الرضاء الذي هو فوق مقامات السلوك وبه يستوي الايلام والانعام مربوط بالقلب هو التجلي الافعالي الذي هو اصل القلب وبالوصول اليه يكون مشرفا بالولاية الصغرى والفناء القلبي الذي هو ولاية الاولياء المعروفين السالكين والمجذوبين وثمرة هذه الولاية نسيان ماسوى الله سبحانه وزوال العلم الحصولي من القلب فان يحصل الترقي من هذا المقام وصل الى الولاية الكبرى التي هي ولاية الانبياء ولم يلتزم ومنها يحصل تهذيب النفس الامارة بالسوء وفناءها واطمئنانها فتصير مطمئنة فيشرف بخطاب يا ايتها

يا ايتها النفس المطمئنة ارجعي الى ربك راضية مرضية اي بسبب حصول الاطمينان والفناء صارت اهلا لمشاهدة ربه تعالى ورضي الله عنها ورضيت عنه فادخلي في عبادي اي في عباد المخلصين بفتح اللام بعد الخلاص من المخلصين بكسر اللام وادخلي جنتي اي جنة ذوق المعارف وفهم الاسرار وثمرة هذه الولاية اللطيفة عبارة عن زوال العلم الحصولي وزوال العين والاثر وحصول شرح الصدر وارتقاء النفس المطمئنة على سرير الصدر وترك الوطن واختيار جوار الصالحين وانكشاف التوحيد الشهودي كما انكشف في الولاية الصغرى التوحيد الوجودي والفرق بين التوحيد الوجودي والشهودي ان التوحيد الوجودي عبارة عن انكشاف سريان الوجود في مراتب الامكان وفي كل ذرة من ذرات وفي هذا المقام يترنم بهذه الابيات شعر البحر بحر على ما كان في قدم ان الحوادث امواج وانهار فلا يحجبنك اشكال تشاكلها عمن تشكل فيها وهي استار لا آدم في الكون ولا ابليس لا ملك سليمان ولا بلقيس فالكل عبارة وانت المعنى يا من هو للقلوب مغناطيس رق الزجاج ورقت الخمر فتشابها وتشاكل الامر فكانما خمر ولا قدح وكانما قدح ولا خمر والتوحيد الشهودي عبارة عن شهود الحق واختفاء الكثرة عن النظر لا في الواقع فافترقا فاذا اتضح ان التوحيد الشهودي لا بد من انكشافه لحصول الفناء الاتم وانكشاف التوحيد الوجودي ليس بضروري للسالك اذ لا دخل له في حصول الفناء ولهذا منع امام الطريقة المشتهر بشاه نقشبند قدس سره طريقة السالكين التي لا ينكشف فيها التوحيد الوجودي صيانة عن زلة القدم بسبب الجهل عن المعارف العلية والمطالب السنية فاللازم على كل طالب الايمان بهذه العلوم الشريفة لا السعي في انكشافها بل السعي في الذكر والفكر والاشتغال والمراقبات واداء الطاعات من الفرائض والواجبات والنوافل الماثورة كما قال الله سبحانه فاذكروني اذكركم واشكروا لي ولا تكفرون واي مرتبة اعلى من ان يذكره المحبوب في ملأ خير منه وفي الحديث القدسي من ذكرني في نفسه ذكرته في نفسي ومن ذكرني في ملأ ذكرته في ملأ خير منه فلا بد للطالب ان لا يغفل وقتا من اوقاته عن الذكر الا مع دوام والذكر اعم

سعید مجددی النسباً و طریقةً بعد اهدای هدیه مرضیه من السلام المسنون و التحیة و دعوات ترقیات
القولیة و الفعلیة مکشوف خاطر عاطر باد حاجی الحرمین الشریفین مقبول رب المشرقین و المغربین
حاجی دولت محمد صاحب از خلفای حضرت شاه صاحب و حضرت امام ربانی قدس سرهما در انجا تشریف میدارند
بودن ایشان در انجا از غنائم شمرند که بسیار عزیز الوجود اند و موجب برکت در ان نواح اند رضای ایشان
رضای جمیع حضرات است و ایذای ایشان ایذای تمام سلاسل [illegible] رضای خاطر فیض مآثر حاجی صاحب
موصوف از همه مقدم دارند و کلام زید و عمر در حق ایشان گوش نفرمایند انشاء الله تعالی از دعای شریف ایشان
فتح و نصرت سامی بر اعداء خواهد شد اطلاعا گذارش ساخت والسلام مکتوب نود و نهم بسردار غلام حیدر خان
فرزند دوست محمد امیر کابل صدور یافته بهم ترغیب بسم الله الرحمن الرحیم زبده خوانین بلند مکان عمده ارکین
عالیشان سردار غلام حیدر خان صاحب سلمهم الله تعالی از فقیر احمد سعید مجددی النسباً و طریقةً بعد از سلام
مسنون و دعوات ترقیات مشحون مکشوف خاطر عاطر باد حاجی الحرمین الشریفین مقبول رب المشرقین
و المغربین حاجی دولت محمد صاحب از خلفای حضرت شاه صاحب و حضرت امام ربانی قدس سرهما در انجا تشریف
میدارند بودن ایشان در انجا از غنائم شمرند که بسیار عزیز الوجود اند و موجب برکت در ان نواح اند
رضای ایشان رضای جمیع حضرات ما است و ایذای ایشان ایذای تمام مشائخ ما است رضای خاطر
فیض مآثر حاجی صاحب موصوف از همه مقدم دارند و کلام زید و عمر در حق ایشان گوش نفرمایند انشاء الله
تعالی از دعای شریف ایشان فتح و نصرت سامی بر اعداء خواهد شد اطلاعا گذارش ساخت والسلام
مکتوب صدم بسردار [illegible] دولت محمد صدور یافته در بیان دعا و ترقی ارشاد الی یوم القیام و ذکر رسیدن
مبلغ [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی و عافاه و بلغه
الی غایة ما یتمناه از فقیر احمد سعید مجددی الکان الله له عوضا عن کل شیء بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون
مطالعه نمایند [illegible] طیبا مبارکا فیه مبارکا علیه کما یحب ربنا و یرضی که احوال فقرای [illegible] و بتوجه

من ان یکون بالجنان او باللسان من اسم الذات و النفی و الاثبات و صلی الله علی سیدنا سید
الثقلین و آله و اصحابه اجمعین مکتوب نود و هشتم بصاحبزاده عالی مقدار حضرت شاه غلام صدیق صاحب
قدس سره صدور یافته در بیان [illegible] عنایت بکمال فقیر [illegible] عنایت بکمال حضرت [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم بجناب فیضمآب صاحبزاده عالی مراتب و الا مناقب سلالة الاکابر و الاماجد حضرت شاه
غلام صدیق صاحب دام عنایتهم [illegible] از الفقیر السلام و الاشتیاق ملاقات سراپا برکات گذارش مینماید عنایت
نامه عالی بورود مسعود فرحت تمامی اندازه رسانید الله تعالی باقی باد [illegible] سلاسل [illegible]
خلائق فرماید تا نیاز عرض انکه درین ایام چونکه عزل و نصب در ان نواح واقع گردید لهذا مکرر عرض مینمایم
که حاجی صاحب در انجا میباشند [illegible] بسیار میباشند امید که آنجناب حامی ایشان و معین ایشان باشند
که از خلفای حضرت مشائخ سامی اند عنایت بر حال ایشان بعینه عنایت بر حال فقیر است و الاجمال عندکم مغنی
عن التفصیل والسلام مکتوب [illegible] صدور یافته در بیان انکه [illegible] از خلفای حضرت شاه صاحب
و حضرت امام ربانی قدس سرهما است بسیار عزیز الوجود رضای او رضای فقیر و رضای همه مشائخ است
بسم الله الرحمن الرحیم جامع علوم معقول و منقول کاشف فروع و اصول [illegible] صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید مجددی
النسباً و طریقةً بعد از سلام مسنون و ترقیات مشحون مطالعه فرمایند حاجی الحرمین الشریفین مقبول رب المشرقین
و المغربین حاجی دولت محمد صاحب از خلفای حضرت شاه صاحب و حضرت امام ربانی قدس سرهما در ان نواح تشریف
میدارند و بسیار عزیز الوجود اند رضای خاطر شریف حاجی صاحب موصوف رضای همه حضرات ما است و ناخوشی
ایشان ناخوشی جمیع مشائخ ما است پس رضای خاطر شان از همه مقدم شناسند و بگفته زید و عمر در حق
ایشان گوش ننهند انشاء الله تعالی دعای ایشان موجب ترقیات عالی خواهد شد اطلاعا گذارش ساخت والسلام
مکتوب [illegible] بامیر دولت محمد خان والی کابل صدور یافته بهم ترغیب بسم الله الرحمن الرحیم زبده خوانین
بلند مکان عمده اراکین عالیشان امیر دولت محمد خان صاحب ادام الله ظلاله [illegible] از فقیر احمد سعید

حمد و سپاس بی قیاس حضرت حق سبحانه و تعالی است و مسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم و حفاظتکم من
جمیع الآفات الظاهرة و الباطنة و ترقی ارشادکم یوماً فیوماً و ارشدکم آناً فآناً الی یوم القیمة بحرمت
سید المرسلین علیه الصلوة و السلام من خالق الانام قبل ازین جواب مکتوب ایشان مع کسی مبلغ
صد و سی و پنجاه عدد مسواک بسبیل [illegible] ارسال داشته ام انشاء الله تعالی رسیده باشد خاطر عاطر مطلع فرمایند
که دو تیغی مع مسلم جلد آخر از صحاح مجلد که هدیه بابت رمضان خان فرستاده شد انشاء الله تعالی خواهد
رسید و قدری نبات تبرک نیز مرسل است فرزندی محمد مظهر درین ماه در خانه خواهد شد و از مولوی
عبد الرشید و محمد عمر درویشان سلام قبول فرمایند همه یاران آنجا مخصوص بدعا اند **مکتوب صد و یکم بمیر
دوست محمد خان والی کابل صدور یافته در بیان التماس دعا فقیر مظهر تاریخ لا تدرک** بحضرت شریف برادر
عالیشان بلند مکان عمدة الخوانین زبدة الاراکین دوست محمد خان صاحب سلمهم الله سبحانه المرحب از فقیر احمد سعید
مجددی نقشبندی طریقه عفی عنه بعد ادای بدیه هدیه من السلام المسنون و التحیة و دعوات ترقیات دارین مع
العافیة مکشوف خاطر عاطر باد که حاجی الحرمین الشریفین مقبول رب المشرقین و المغربین حاجی دوست محمد صاحب
سلمه الله تعالی از خلفای حضرت شاه صاحب قدس سره در نواح قندهار سکونت مستقر اختیار نموده در ارشاد طالبان
حق جل و علا مشغول میباشند حمایت و کفالت ایشان بر ذمه علیا لازم شناسند زیرا که اکثر مردم آنجا از
سبب حسد و کینه عداوة با ایشان پیدا نموده و آزار [illegible] میرسانند پس حکام و ولات را تادیب و زجر [illegible]
مفسدان ضروری است تا اهل الله بفراغ البال مشغول بحق باشند و در دعا برای [illegible]
مدارج حکام و ولات بدل مصروف نموده وجود درویشان را مغتنم است در ملک سامی [illegible]
درویشان منتظر تاریخ لا تدرک و الحق است و السلام **مکتوب صد و دوم بقاضی مولوی احمد سعید [illegible]
قاضی کابل بوده صدور یافته در بیان [illegible] در [illegible] و بیان [illegible]**
بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله العلی الاعلی و الصلوة و السلام علی رسوله المجتبی [illegible]

بعد سپاس از فقیر احمد سعید عفی عنه بخدمت قاضی القضات مروج شریعت غرا مربی علم و علما جامع
معقول و منقول حاوی فروع و اصول مزین کاشانه تقوی مبین رموز اهتداء ملاذ العلماء
الاعلام معاذ فحول الانام قاضی القضات مولوی محمد سعید اخوند زاده المعروف بکلا ملا صاحب [illegible]
مجدهم و تقویهم آنکه الحمد لله که تا تحریر رقیمه حال فقیر قرین عافیت است و مسئول من الله سبحانه صحتکم و عافیتکم
و استقامتکم علی الشریعة نامه سامی و صحیفه گرامی بورود مسعود فرحت فراوان رسانید الله تعالی باین یاد
آوری سلامت باکرامت داشته مروج شریعت غرا دارد بعد ازین بر خاطر عاطر مخفی مباد که اخوی اعزی
ارشدی حاجی دوست محمد صاحب سلمهم الله تعالی مخلص فقیر و خلیفه اینجانب اند هستند در ان نواح سکونت
میدارند هر گونه معاونت که با ایشان نموده خواهد شد موجب اجر جزیل و باعث خوشنودی حضرات کبار است
قدس الله اسرارهم خیر الختام مکرر اکثر بودن حاجی صاحب در صوب ایشان دیار دولتی است عظمی و عطیتی است کبری لحاظ
ملاقات شان عزیز در طاقت شمارند و این کبریت احمر که سهل الوصول است غنیمت الفارغ [illegible] دادیم
تریاق گنج مقصود شان **مکتوب صد و سیوم در وصیت نامه از فقیر باصحاب و احباب خود صدور یافته**
بسم الله الرحمن الرحیم بعد الحمد و الصلوة فقیر دوست محمد کان الله له در ضمن مینماید که بموجب حدیث شریف شخص را
وصیت کردن ضروریست لهذا اصحاب و احباب خود را وصیت میکنم که ابدا در فیما بین خود نزاع و جدال نکنند
و با هم بحق شیر و شکر باشند و حلقه و مراقبه بدستور قدیم مع ختمات مشایخ کرام رحمة الله علیهم لازم گیرند
و نشر علوم شرعیه و درس کتب صوفیه خصوصا مکتوبات شریفه حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی قدس سره
و نفحات و عوارف المعارف و رشحات [illegible] خلیفه را جانشین من باشد در تعظیم و احترام قصور
نسازند و مثل من دانند و انقیاد و اطاعت او بجان و دل ورزند و در حلقه و توجه او داخل بوند
و اتباع سنت سنیه و اجتناب از بدعت [illegible] و صبر و توکل و قناعت و رضا و تسلیم و دوام اشتغال مع الله
سبحانه و اعراض [illegible] و التبتل و الانقطاع عن الخلق و الاقبال الی الله و ترک الدنیا و اهلها [illegible]

دفت خود دهند و صلی الله علی سید خیر خلقه محمد و آله و اصحابه اجمعین مکتوب بیست و چهارم از جناب حضرت
صاحب حق [illegible] بآن مکرمه درویشان دولت محمد صدور یافته در بیان اجازت چند اعمال بآن فقیر
بسم الله الرحمن الرحیم اذا جاءك من به تمام مرض السوداء [illegible] او توجه الریاح فخذ لوحا طاهرا وضع علیه رملا
طاهرا واکتب بمسمار ابجد هوز حطی ثم اکشط بالمسمار علی الالف واقرأ الفاتحة مرة وضع الالم
وضع اصبعه علی موضع الالم بقوة ثم اسأله هل شفیت فان شفی فبها والا فاکشط بالمسمار الی الباء
واقرأ الفاتحة مرتین وسأله کالاولی فان شفی فبها والا فاکشط الی الجیم وقراءة الفاتحة ثلاث
وهکذا فلا تصل الی آخر الحروف الا وقد شفاه الله تعالی اذا عنت لک حاجة او کان لک غائب [illegible]
ان یرجعه الله تعالی سالما غانما او کان لک مریض فاردت ان یشفیه الله فاقرأ سورة الفاتحة مائة
واربعین مرة بین سنة الفجر وفرضه ومن عضه الکلب المجنون وخیف علیه الجنون فاکتب له هذه
الآیة علی اربعین کسرة من الخبز انهم یکیدون کیدا واکید کیدا فمهل الکافرین امهلهم رویدا ومره
ان یأکل کل یوم کسرة ومن خاف من سلطان فلیقل کهیعص کفیت حمعسق ونحمی [illegible] مع
من الید الیمنی عند کل حرف من اللفظ الاول ومن الیسری عند کل حرف من الثانی ثم یفتحهما جمیعا فی
وجه من یخاف وتعویذ الطفل بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بکلمات الله التامات من شر کل شیطان وهامة
ومن کل عین لامة تحصنت بحصن الف الف لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اذا ظهر مرض الصبیة فخذ خیطا
ازرق واقرأ سورة الرحمن وکلما مررت علی قوله تعالی فبای آلاء ربکما تکذبان فاعقد عقدة وانفث
فیها وعلق الخیط فی عنق الصبی یعافیه الله تعالی من ذلک المرض اجازت اعمال مرقومه که حسب الامر [illegible]
صدور یافته بآن مکرمه درویشان دولت محمد بوقت قدوم شریف جناب حضرت ایشان قطبی [illegible] دهلی [illegible]
بعزم حرمین شریفین زادهما الله [illegible] تعظیما وتکریما از دهلی [illegible] صدور یافته در بیان طلب
شتران برای سواری و اسباب بسم الله الرحمن الرحیم الحمد [illegible] ارشدی [illegible] سلام [illegible]

تعویذ جهت [illegible]

غائب از نظر احمد سعید بعد از سلام مسنون مطالعه فرمایند فقیر فردا که تاریخ دهم ربیع الثانی است از لاهور اطراف
دیره اسماعیل خان روانه خواهم شد ان شاء الله تعالی و تا شاهجهان آباد [illegible] همراه لازم که پانزده
شتر [illegible] از ان معه گاوه دیگر برای اسباب بزودی پیش [illegible] روانه فرمایند تا از آنجا بر شتران
سوار شده بیائیم باقی حالات عند الملاقات واضح خواهد شد والسلام مکتوب بیست و ششم به مریدان جناب
حضرت قدس سره که [illegible] کستان و خراسان سکونت دارند در حین حاضر بودن در وقت [illegible] جناب
حضرت [illegible] قدس سره بحرمین الشریفین زادهما الله تعالی شرفا و از [illegible] دیره اسمعیل خان صادر
یافته در بیان اینکه این فقیر را بجای حضرت [illegible] و متضمن اجازت عامه بآن فقیر و غایب ذلک
الحمد لله افضل الحمد واجله والصلاة کما یلیق بجناب قدسه تعالی والصلوة والسلام علی سید الوری کما ینبغی
بذکره وعلی آله التقی واصحابه النقی اما بعد باعث این سطور آنکه از مدت آرزوئی زیارت حرمین
شریفین زادهما الله شرفا و کرامة در دل بود حالا اراده الهی سبحانه بآن منضم گردید و نیت طرف
آنجا راسخ شده متوجه گردیده و مع اهل و عیال شده ایم الله تعالی [illegible] قوم
مسلمانم بر مریدان خود که در هند و کستان و خراسان سکونت میدارند که تا [illegible] مقبول بارگاه احد
حاجی دوست محمد صاحب را که خلیفه من اند بدانند و توجهات از ایشان گرفته باشند و هو خلیفتی [illegible]
فطوبی لمن اهتدی به فهو خلیفتی علی الاطلاق بای طریق یأمرکم فعلیکم بامتثاله ولا یجوز العدول
عن حکمه اللهم اجعله هادیا و مهدیا واهد به الناس طرا علی سبیل الدوام والاستمرار وزد فی عمره وارشده
وصلاحه وفلاحه یا رب العالمین بجاه سید المرسلین صلی الله علیه وعلی آله واصحابه اجمعین ویرحم
الله عبدا قال آمینا والسلام اولا و آخرا مکتوب بیست و هفتم بآن مکرمه درویشان دولت محمد [illegible] شاهجهان
آباد [illegible] صدور یافته در بیان اجازت ختم خواجگان [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم
بعد حمد و صلوة [illegible] مجددی عفی عنه واضح نماید که فقیر باراده الله سبحانه از دهلی شریف

متوجه حرمین شریفین گردیدم و خانقاه و مکانات محل سرائی خود و تسبیح خانه حواله خلیفه خود حضور
بارگاه احمد حاجی دوست محمد صاحب سلمه الله تعالی نمودم و حاجی صاحب را اختیار دادم خواه خود سالها
در اینجا باشند یا خلیفه خود را دارند لهذا این چند کلمه نوشته دادم که سند باشد و بوقت حاجت
بکار آید و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله و اصحابه اجمعین محرره بتاریخ شانزدهم جمادی الاول
۱۲۶۳ هجری مکتوب بیست و ششم بصاحبزادگان عالی تبار که از اولاد امجاد حضرت امام ربانی مجدد
الف ثانی قدس سره بودند [illegible] بوقت [illegible] مقام الوصف صادر یافته
در بیان آنکه [illegible] نسبت حضرت نقشبندیه کرام قدس سرهم که عزیز الوجود است این فقیر از نسبت
شریفه این بزرگواران ملفوظات احوال وقت میکرده باشند و غیره ذلک بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله و سلام
علی عباده الذین اصطفی اما بعد بخدمت برادران عزیز از جان بلند مکان عالی اقتدار ان سلاله
خاندان خلاصه دودمان صاحبزادگان میان غلام رسول صاحب و میان غلام فاروق صاحب و میان محمد عمر
جان صاحب و میان محمد انس صاحب و میان غلام محمد صاحب از فقیر احمد سعید مجددی احمدی کان الله له بعد از
اسلام مسنونه و دعوات ترقیات مشحونه واضح باد که احوال فقیر مع فرزندان و متعلقان بفضله تعالی و تقدس
بالخیر و العافیه و المسئول من الله تعالی عافیتکم و استقامتکم قبل ازین دو سال که گذشته تعزیت نامه والده ماجده آن
عزیزان بخدمات آن گرامی مرسل کرده بودم امید که بشرف مطالعه گذشته باشد و الحال فقیر مع فرزندان و متعلقان
روانه حرمین شریفین است [illegible] سبحانه [illegible] اسمعیل خان رسیده ملاقی [illegible]
شده کار ایشان [illegible] نموده باز روانه ام حق تعالی بخیریت مشرف بزیارات شریفه حرمین شریفین گرداناد شما
هم [illegible] فقیر را بدعوات قبولیه [illegible] یاد کرده باشند فقط درین زمان که نسبت آبا و اجداد شما
که حضرات نقشبندیه کرام اند بغایت عزیز است لازم که مثل اسلاف خود در رواج نسبت شریفه کوشیده باشند
تا برکات و تاثیرات آن بزرگواران آباد و ملان باشند و از اتفاقات [illegible] خلیفه

خلیفه حضرت نقشبندیه که حاجی صاحب اند سلمهم الله تعالی در حوالی آنجا در میباشند با ایشان براهی
کسب نسبت و استفاده و استفاضه مرور فت میکرده باشند که ایشان چراغ دین و اولین نسبت شریفه
این بزرگواران [illegible] اند بلکه دران دیار شمع دارند دادیم ترا ز گنج مقصود نشان گر ما نرسیدیم
شاید که شما برسید والسلام خیر ختام [illegible] فرزندان سلام مسنون قبول فرمایند مکتوب بیست و نهم
بصاحبزاده [illegible] خود عالی تبار جامع کمالات باطنی و ظاهری [illegible] حاجی [illegible] حضرت شاه
محمد مظهر [illegible] قدس سره صدور یافته در بیان رضا بقضای حق تعالی و دعا [illegible] و غیر ذلک بسم الله الرحمن الرحیم
فرزندی اعزی ارشدی سلمه الله تعالی بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند خط شما
بر رسیدن اکبرآباد رسید فرحت رسانید نوشته بودند که گویا در خانه نشسته ام هیچ کلفتی نیست سال
[illegible] نموده خود خانه اختیار [illegible] حسبی الله و نعم الوکیل [illegible] از
قضا [illegible] هر چه از دوست میرسد نیکوست [illegible] بنده چو دعوی کند [illegible] رضا است
اگر رضا تراست [illegible] مراد خویش [illegible] گر یار من نخواهم خواست اللهم [illegible] منی
در [illegible] الاولی باقی در خانه تا یوم النحر [illegible] صغیر و کبیر بخیریت اند از والده و برادران
و عیال [illegible] الجمیل و جمیع صاحبان و دوستان سلام برسد میان عظیم الله صاحب و سید امیر [illegible]
و محمد بخش و عبد الغفار و میر عبد الله و ملا سکندر و تمام اتفاقا فضل معصوم [illegible] سلام خوانند و در
خانه [illegible] خیریت است والسلام مکتوب صد و دوم [illegible] بصاحبزاده [illegible] صدور یافته در بیان توکل
[illegible] فرزندی اعزی ارشدی سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از
سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند خط [illegible] رسید [illegible]
[illegible] توکل [illegible] دارند [illegible] خرقه [illegible] درویش [illegible]
[illegible] سوره لایلاف یازده بار صبح و یازده بار شام [illegible]

مانع نخواهد ساخت نوشته بودند که درازی عمر ایشان از عمر خود میخواهم لقد تحیرت و استغفار [illegible]
دعا چه حکم است سبحانه اللیل والنهار لا یعصیه شیء یمحو الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب لهذا
نخواهند آنچه در قسمت نیامده آن دهد همه از دست عطای بی نهایت اوست اگر بر فرد در را عمر حضرت
نوح علی نبینا و علیه السلام بر هر یک فرد از ملک اکرم نمود ای برادر بی نهایت در گیتی است [illegible]
تجربه واسع نکند آنچه از ایذای رفقا و تحمل خود در قوم بود الله تعالی زیاده صبر و تحمل عنایت فرماید
و باخلاق محمدی علی صاحبها الصلوة والسلام متصف گرداند بدی را بدی سهل باشد جزا اگر مردی
احسن الی من اساء بزرگان فرموده اند که هر کس [illegible] خصلت دارد محبوب خداست سخاوت چون سخاوت
دریا و شفقت مانند شفقت آفتاب که تجلی پاک میسازد و تواضع مثل تواضع زمین الله تعالی این
درمانده را و متعلقان او را باین صفات محلی گرداناد لیکن بعد رکوب بحر حزب البحر زیاده از عادت کنند
که سودمند خواهد شد انشاء الله تعالی و از هر جا که ممکن باشد خبر خیریت خود نویسان باشند و از [illegible]
فارغ نباشند آن کم نامه تو بر درگاه باشد از ذوالقره و اهلخانه و نور چشم و برادران [illegible]
و فرزندان ما خبر برسد خطوط مرسله هر یک و پیغام محمد بخش رسانیده شد میان عظیم الله و سید امیر علی
و ملا سکندر و میر عبد الله و عبد الغفار و همه رفقا ابو عوات مخصوص اند از عبد الله شاه و همه دوستان
سلام خوانند مکتوب [illegible] صاحبزاده [illegible] در جای [illegible] حق تعالی
محمودان باید بسم الله الرحمن الرحیم فرزندی اعزی ارشدی مولوی محمد مظهر سلمه الله الاکبر از فقیر احمد سعید
بعد سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند مکتوب مرغوب مورخه بیست و نهم جمادی الاولی
بهفتم جمادی الاخری بورود مسعود مسرت آثار رسانید مرقوم بود که تا هنوز جهاز بهم نرسید بسبب آنکه [illegible]
بود که هم بهتر [illegible] باید نوشت اینجا مسموع گردید که در حرمین شریفین جنگ [illegible]
دو [illegible] افتاده است [illegible] طریق [illegible] اگر این خبر صحیح باشد [illegible] ناش

نمایند حزب البحر را هم اکثر [illegible] اعوذ بکلمات الله و بسم الله الذی [illegible] هر وقت کوچ و مقام خوانند
باشند باقی احوال اینجا معروض آنکه بحمد الله تعالی از ذوالقره خویش و برادران و اهلخانه و نور چشمان و همه
اقربا ما خبر برسد مکتوب [illegible] صاحبزاده [illegible] موصوف [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم فرزندی اعزی ارشدی سلمه الله تعالی بعد از سلام مسنون مطالعه نمایند مکتوب [illegible]
رسید خاطر حزین را نوعی طمانیت گردید آنچه ما را نظر آن سرحد درد هجر بوده اکثر از ناسازی طالع با شما
هم ساخته لکن معلوم نشد که از نواب غوث محمد خان در اندور ملاقات یا فرصت شده یا نه و فقیر وقت سحر دعا
برای شما لازم گرفته است الله تعالی قبول فرماید و [illegible] در همه امور ظاهری و باطنی سازد اکنون ذوالقره تمام هم
بسبب هجر ایشان مضطرب و پریشان میباشند الله تعالی جزا دهاد برسد نور چشم [illegible] الجلیل [illegible] خود
در یاد ایشان بسیار میباشند و دیگر همه اقارب [illegible] مع الخیر مشغول اند از همه [illegible] سلام
در خانه محمد عمر تا این وقت تولد نگردید مولوی محمد نواب برائی ادای این [illegible] رفت میان عظیم
الله و سید امیر علی و عبد الغفار و ملا سکندر و میر عبد الله و محمد بخش و غلام نبی و ماما و غیرهم سلام خوانند
و در خانه همه خیریت است مکتوب [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم فرزندی اعزی ارشدی [illegible] سلمه الله تعالی و حفظه من
جمیع الآفات از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات دارین [illegible] مطالعه نمایند
مکتوب آن قرة العین از بمبئی مشتمل بر رسید مع الخیر در آنجا و نزول در دکان میان محمد حسین صاحب
رسید احوال مندرجه موجب انبساط و خوشی فقیر از حد زیاده گردید که از زیارت حرمین شریفین [illegible]
گردیده در بمبئی رسیده خواهند نوشت که حالا توجه حضرت دهلی [illegible] حق تعالی قادر است که [illegible]
[illegible] بیاد و مایه خویش را ادای حساب کم و بیش را خوش آن وقتی و خرم روزگاری که یاری بر خورد
از وصل یاری برافروزد چراغ آشنائی رهائی یابد از داغ جدائی [illegible]

گر بر جناب مرتضی حق عمل آن عزیز از جان منت کش رای خود دانم نصیحت گوش کن جانان که
از جان دوستر دارند جوانان سعادتمند پند پیر دانا را انتقار بسیار بود در منع که واقع شد هیچ مفید نشد
حالا کی خواهد شد کوشش بسیار درآن شده است نشود الله تعالی مرا حسبی الله و نعم الوکیل
نعم المولی و نعم النصیر از والده و برادران و ام الفضل و امت الجمیل و جمیع اقارب و دوستان
و تاری قاسم صاحب سلام و دعا برسد در خانه همه رفقای ایشان خیریت است میان عظیم الله صاحب
و سید امیر علی و عبد الغفار و ملا سکندر و میر عبد الله و غیرهم سلام خوانند ما را بعد دعا معلوم باد که
پانزده روپیه تحت … قرآن شما نزد زوجه مولوی صدر الدین است اگر مطلوب باشد فرستاده میشود
در مبلغ چهل روپیه و پنج روپیه محرر قطب الدین نام بنام مولوی عبد … فرستاده ام و تفصیل آن چهل روپیه …
بخشش … برای حج والده عزیز الدین … مسند … تا … رسید آن معلوم گرده
باید نوشت مکتوب صد و چهار … متضمن دعا … فرزندی اعزی
ارشدی سلمه الله تعالی … از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات … مطالعه
نامه … مکتوب … حرمین شریفین صانهما الله سبحانه و ساکنیها … شر المفسدین
رسید … معلوم گرد … الله تعالی …
و آن فرقه … و این فقیر را نیز … دعا فقیر از جناب
الهی سبحانه همین است که آن فرزند را بزیارت حرمین شریفین مشرف گرداند بزودی تمام الصحت
و عافیت عام نزد فقیر رساند آمین یا رب العالمین … انه سمیع مجیب علیم بذات الصدور
جام جهان نمای … ضمیر منیر دولت اظهار احتیاج خود … از والده … خویش …
مضمون … از اهل خانه خود و امت الجمیل و برادران … و جمیع اقارب و دوستان … غلام محمد
سلام برسد بجمیع رفقا سلام برسد مکتوب صد و پانزدهم بشیخ جمال …

خرقه … که یکی از مریدین مخلصین غوث ربانی قطب جهان جناب حضرت غلام علی شاه صاحب
قدس سره … تعالی … متضمن دعا … در بیان … ارتباط مودت بهتر از
قرابت است … بسم الله الرحمن الرحیم برادرم صاحب کرم فرمائی من میان جمال الدین صاحب
سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید مجددی بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات دارین مشحون مطالعه فرمایند
رقیمه کریمه مشتمل بر حالات خویش و ملاقات با فرزندی اعزی سلمه الله تعالی و این گروه … در حرمین
شریفین بورود مسعود مسرت … رسانید و از مکتوب فرزندی اعزی اخلاص و محبت و خاطر داری آنصاحب
و خدمتگذاری نسبت فرزندی بوضوح انجامید جزاکم الله سبحانه عنا خیر الجزاء الله تعالی در حال آنصاحب برکات
بی اندازه عنایت خواهد فرمود انشاء الله تعالی از ارقام شریف باب امن شدن حرمین شریفین صانهما
الله تعالی من شر المفسدین اطمینان … سید حالا فرزندی را اجازت دادم که توکلا علی الله بر مرکب سوار
شده فائز بمقصود شده بزودی معاودت بکاشانه خود نماید اللهم کن له معینا و کفیلا و حافظا فی البحر
و البر بجاه حبیبک المطهر صلی الله علیه و سلم افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد لکن آنصاحب
را لازم است که بعد رفتن فرزندی از احوال ایشان آنچه معلوم شود فقیر را مطلع فرموده باشند که
دل فقیر از فراقش بی آرام می باشد الله تعالی برادر دلها برساند حسبی الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم
النصیر نسخه فرزندی در رسالها بتصحیح رسیده است او تعالی باقصی الغایات رساند و در عمرش برکت
کثیر عنایت فرماید همه را و امسال هم … چنانچه برای فرزندی دعا گفته میشود برای آنصاحب که اخوت دینی
دارند نیز دعا التزام خواهم کرد زیرا که مقوله حضرت پیر ارشد قدس سره است که ارتباط مودت بهتر
از قرابت است خدمت فرزندی خدمت همه پیران است تقبل الله تعالی منکم و ضاعف اجرکم و یسر امورکم
و حصل امالکم بحرمة سید البشر علیه الصلوة و السلام من الله الاکبر و السلام از شاه غلام محمد سلام قبول نمایند

میان عزیز الله صاحب را از طرف فقیر سلام مسنون رسانند مکتوب صد و شانزدهم بحقائق و معارف آگاه
میان عبد القدیر صاحب که یکی از یاران حضرت ایشان اند قدس سره صدور یافته در بیان غنیمت صحبت
غنیمت است و [illegible] برادر عزیز و افر تمیز میان عبد القدیر صاحب سلمه الله از فقیر احمد سعید
بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند مکتوب مرغوب بعد مدت بورود خود مسرت
رسانید لیکن معلوم نشد که حالا اراده حرمین شریفین باز کرده اند یا اقامت در ممبئی خواهند نمود اگر عزم
حرمین شریفین باشد از فرزندی الشیخ محمد عارف فقیر است اخذ علوم و اسرار باطنی ضرور نمایند که
فرصت غنیمت است تا بار دیگر فرصت ملاقات فقیر شود یا نه و خلاصه ملاقات همین است که عرفان حضرت
حق سبحانه حاصل شود و از نسبت حضرت نصیب کامل روزی گردد والسلام از فرزندی مولوی عبد الرشید
و حافظ محمد عمر و حافظ محمد عظیم سلام خواهند مکتوب صد و هفدهم بصاحبزاده محمد عمر [illegible] صدور یافته در بیان
رخصت آمدن بوطن بالوالدت خویش و غیر ذلک بسم الله الرحمن الرحیم فرزندی اعزی ارشدی حاجی الحرمین
الشریفین سلمه الله تعالی و ادعیه الیها عاجلا از فقیر مبتلا بهجران شدید احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون و دعوات
مرحمت عاجلا مشحون مطالعه نمایند الحمد لله که تا تحریر الیسیر دهم محرم است احوال فقیر و متعلقان مستوجب حمد است
والمسئول من الله سبحانه سلامتکم و مراجعتکم سالما و غانما عاجلا و یرحم الله عبدا قال آمینا الله تعالی برودی
داخل وطن مالوف ساخته مهجوران را شاد کام سازد بیت خوش آن وقتی و خورم روزگاری که یاری برخورد
از وصل یاری برافروزد چراغ آشنائی رباعی باید از داغ جدائی و آنچه شکایت عدم رسیدن
جواب خطوط مرقوم نموده [illegible] که فقط خط ایشان از عدن رسیده بود و جوابش [illegible]
نوشته ملفوف خط شیخ جمال الدین صاحب فرستاده بودم تعجب که نزد آن قرة العین نرسیده [illegible]
و شب انتظار خط ایشان بود حالا خط رسیده که [illegible] وقت رواز [illegible] مدینه منوره [illegible] رسید

رسید و تسکینی داد الله تعالی ایشان تمام غایت فرماید و خطه داخل شدن در ممبئی هم [illegible]
از طرف بیاید این ام الفضل دامت الجمیل که شیخ احمد فرزند ارجمند ایشان که در رمضان المبارک
تولد گردیده الله تعالی معمر و صالح گرداند بخیریت تمام اوقات خود را در یاد ایشان میگذرانند و والده
ایشان شب و روز در یاد ایشان دیده پر آب و جگر کباب بیدار اند و دعا بعد شوق میرسانند
و اخوین و دیگر تمام اقارب سلام باشتیاق تمام میرسانند از طرف جمیع احباب سلام مسنون برسد
کمخدمت میان عظیم الله صاحب و میر امیر علی و میر عبد الغفار و میر عبد الصمد و ملا سکندر و محمد بخش و فضل معصوم
و دیگر رفقا سلام خواهند و در خانه همه خیریت است آنچه انعامات در حق خود نوشته الحمد لله علی ذلک
فقیر نیز دیده بود و در خانه بیان کرده اللهم زد فزد آمین حالا در آمدن خود توقف نمایند والسلام
مکتوب صد و هجدهم بصاحبزاده [illegible] مشغول رب مجید مقبول [illegible] حافظ مولوی
حاجی شاه عبد الرشید صاحب قدس سره صدور یافته در بیان [illegible] از افضل
طاعات است [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم فرزندی اعزی ارشدی سلمه الله تعالی و جعله کاباءه الکرام
از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند الحمد لله که تا تحریر که چهاردهم
صفر است احوال بخیر و مستوجب حمد است والمسئول من الله سبحانه سلامتکم و عافیتکم مکتوب مرغوب بورود
مسعود مسرت را رسانید [illegible] انشاء الله تعالی [illegible] طالبان را از ایشان فوائد
کثیره حاصل خواهد شد خاطر را از تعلیم مطمئن فرمایند و توجهات بلیغه در حق طالبان نموده باشند
[illegible] انشاء الله المستعان
خوشحال رسیده و سابق ازین نیز خطی فرستاده شد امید که رسیده باشد غرض آنکه درین آخر زمان
که نسبت حضرت [illegible] متوجه بکمال طالبان و القای نسبت ایشان نمودن از افضل
طاعات است [illegible] من حبب الله الی عباده [illegible] شنیده باشند فقط والسلام برخوردار

محمد معصوم و امة الرشید و میان جمیل الرحمن و حافظ پیر محمد و عبد الرحیم و شرف الدین و خدابخش
و برکت محمد به عنایت مخصوص اند و میان طفیل احمد صاحب و میان نجم الدین صاحب و مولوی ولی النبی
صاحب و میر محمد خان سلام مسنون مطالعه نمایند احوال محمد رضا خان و زین العابدین خان مرقوم شده
که نزد ایشان می آید یا نه و ملاقات نمودند یا نه از ایشان برنگارند و از والده صاحبه خود و نور چشمان او
و جمیع اقارب صغیر و کبیر بمراتب درجه خود اند و تا حال خطی از میان مظهر مشتمل بر نزول از مرکب رسید به راه
که خواهد آمد خواهم نوشت و از فرزندی محمد عمر و عبد الله ابن عمر سلام مسنون و انبساط باد و محمد کامل علی خان
ولیعهد بهادر نیز از فقیر سلام مسنون برسانند و از کمترین داراین محمد ارشاد حسین بعد سلام مسنون
گذارش آنکه خواهان طریق بتوفیق حضرت حق سبحانه خود بخدمات اقدس مشرف خواهد شد و بعض شده هم
حاجت نگارش تمامی آنها نیست و بخدمت جمیع صاحبان مرقوم الصدر والسلام مسنون مکتوب صد
و نود و نهم الیه بصاحبزاده ممدوح صدور یافته در بیان مرزمت توجه له از حسن عبادت
بسم الله الرحمن الرحیم فرزندی اعزی ارشدی احظی سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون
و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند رقیمه کریمه مورود مسعود سرشار رسانید احوال داخل شدن
ولیعهد بهادر در طریقه معلوم گردیده لکن حال ادراک توجه و کیفیت استعداد شان و ظهور مرقوم
نساختند آن را هم باید نوشت و توجه بآن وجه باید نمود تا چاشنی از نسبت نقشبندیه حاصل گردد و مشغولی
استیلا یابد و شعله عشق سر زند و چون این امر از حسن عبادات صرف است در آن نیز فرموده است
و احوال محمد رضا خان نیز مرقوم نمود که داخل حلقه میشوند یا نه و در آمدن خود رضا خاطر ولیعهد بهادر
مرعید ارشد آزرده خاطر گرده اکنون مناسب حیثیت دیگر احوال مردمان دیگر که داخل طریق شده اند و جوار
ملاقات فی الجناب مفصل برنگارند و تا حال خطی از ولد از مرکب ایشان فرزندی نرسیده یا نه همه بجوه خیرت
لذ والده صاحبه و اهلیه و نور چشمان ایشان و برادر و عیال [illegible] و جمیع اقارب

تا اهب صغیر و کبیر سلام و دعا برسد محمد معصوم و امة الرشید و همه صاحبان الیه به دعوات مخصوص اند و از طرف
والده ایشان بر برخورداری امة الرشید و انبساط باد که هر گاه مسیری شما از ملاقات بزرگان آنجا گردد
بما نوشت خادم انطرف شوند و بر خود تکلیف گوارا نسازند و از کمترین خادم ارشاد حسین عفی عنه
بعد سلام مسنون و انبساط باد که در اوقات مخصوصه فقیر را از دعای خیر فراموش نفرمایند و از مولوی
محمد حشمت صاحب نیز سلام مسنون پذیرا باد و میان جمیل الرحمن و اندرون خانه شان و برخوردار
محمد معصوم از فقیر دعوات معقول باد مکتوب دویستم بصاحبزاده ممدوح صدور یافته در بیان حدیث
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم فرزندی اعزی ارشد حاجی الحرمین
الشریفین سلمه الله تعالی و ادام [illegible] از سوخته دوری و مهجوری احمد سعید مجددی معصومی
بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند که مکتوب مرغوب آن قرة العین و مسرة
الاوقات بمورخه بیستم صفر مشتمل از نزول مرکب و داخل شدن در مبئی رسید و دیده دل را مسرت
بی اندازه رسانید فسجدت بعد شکرا و قلت شعر مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید که ز انفاس
خوشش بوی کسی می آید اهلا و سعدی للرسول و حبذا حب الرسول لوجه حب المرسل
الفتاف شعر ای فلک مینا فام زین هر دو کدام خوبتر کرد خرام خورشید جهان تاب تو از جانب
شرق یا ماه جهان گیر من از جانب شام حالا المنطوق لازم الوثوق من تمنی بعثه فلیجعل الی [illegible]
لیشاهد [illegible] که رفته بودند بزودی مراجعت نمایند چون آن فرزند از صورت [illegible] رسیده بود
حالا از صورت [illegible] حضرت حق سبحانه بیایند معیه خواجه امراجه در کارات مولوی محمد نور الحسن
که رفته اند و قاموس و مثنوی هر دو موجود اند در عوض [illegible] نامه حکیم [illegible] بعد رفتن ایشان
[illegible] داده بود حسب المرقوم ایشان حواله محمد عمر نموده ام و در نامه همه را اتفاقاً [illegible]
[illegible] کلان رسیده [illegible] انتقال کرده [illegible] طرف فقیر تعزیت [illegible] عظیم [illegible]

و عبد الغفار و محمد بخش و جمیع رفقا سلام خوانند از والده صاحبه ایشان بعد دعوات ترقیات مضمون اینکه
خط و حسرت از برادران و نور چشمان و هم الفضل ذات الجمیل و شیخ احمد و دادی آغا و بیبی
صاحبه و اماجان و همه خورد و کلان ما واجب بدانند از فقیر محمد ارشاد حسین سلام مسنون و اشتیاق
ملازمت از حد افزون مطالعه فرمایند و دعا که برای فقیر نموده بودند از خاطر عاطر فراموش
نفرمایند و هیچ بخیریت شما ارکباد و جمیع رفقای حضرت میر عبد الله و ملا سکندر و عبد الغفار و غیرهم
سلام مسنون واضح باد مکتوب صدور یافته بصاحبزاده کلان صدور یافته در جواب اطلاع دادن
از رسیدن صاحبزاده خورد از سفر حجاز در بمبئی و غیر ذلک بسم الله الرحمن الرحیم فرزندی اعزی ارشدی
سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد سلام مسنون و ادعیه ترقیات مشحون خلاصه مضمون اینکه دیروز خطی
از نزد برخوردار محمد مظهر مضمون بعافیت رسیدن در بندر بمبئی مع جمیع رفقا از جبل رسید
الحمد لله ثم الحمد لله اطلاعاً نگارش یافت و پیشتر که خط ولیعهد بهادر بوصول پیوسته بود که آن
برخوردار بتاریخ یکم ربیع الاول باینطرف مرخص خواهند نمود باید که بعد رخصت نمودن شان معه
برخورداری راهی اینطرف شوند توقف نورزند و از همان باعث در فرستادن جانماز و چراغ
مولد شریف توقف گردید فقط و از طرف همه خورد و کلان ما واجب مطالعه نمایند و از طرف فرزندی
محمد عمر بعد از سلام مسنون اینکه منظوم [illegible] خود مولد شریف مؤلفه مولوی حبیب النبی صاحب و مولوی
ولی النبی صاحب از هر جا که بهم رسد همراه خود آرند فقط و از فقیر محمد ارشاد حسین سلام مسنون پذیرا
باد مکتوب صدور یافته دوم بصاحبزاده خورد صدور یافته متضمن اشتیاق و دعا فرزندی اعزی
ارشدی حاجی الحرمین الشریفین سلمه الله تعالی و اوصله الی غایة ما تمناه از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از
سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند مکتوب مرغوب مورخه هفتم ربیع الاول بورود مسعود
مسرت بار رسانید و خط مورخه [illegible] خوشوقت ساخت [illegible] تمام [illegible]

و داخل وطن مالوف ساخته مشتاقان را مسرور سازند لازم که بزودی متوجه اینجا گردد شوند و برای
ایشان و شیخ صاحب بروز بعد سحر التزام دعا است ارحم الراحمین دعا و بیچارگان قبول
خواهد فرمود و در تجارت شیخ صاحب برکات خواهد شد انشاء الله قریب مجیب و باقی احوال اینجا قرین
حمد و سپاس خداوند تعالی است از والدهٔ ایشان و اهلیه شان و نور بصر شیخ احمد ذات الجمیل
و جمیع بزرگ و خورد ما واجب بدانند جمیع رفقا سلام خوانند اخوی اعزی ارشدی عزیز از جان
بلکه از جان بهتر حاجی حافظ مولوی محمد مظهر صاحب سلامت از مشتاق ملاقات عبد الرشید عفی عنه
بعد از سلام سنت الاسلام و اشتیاق حصول ملاقات واضح باد الحمد لله که احوالم بخیر و عافیت
و اشتیاق ملاقات آن عزیز از جان حدی و نهایتی ندارد الله تعالی جل شانه بزودی ملاقات
نصیب کند و دیده و دل ما مسروری رساند درین خط از سلام نیز فراموش کرده اند شکایت
خط بیجا است برخاک ما نه شمع فرستاد نه گلی مردیم سینه صاف نشد بدگمان ما مبلغ پنجاه
روپیه را مرزا ید خورد [illegible] خورد همراه خود خریداری کرده آرند ضرور با لضرور تاکید دانند
از عمر و ابن عمر عفی عنه کذبت اخولیه صاحب و دیگر همه صاحبان سلام مسنون برسد عبد الغفار و ملا سکندر
و میان عظیم الله صاحب و دیگر رفقا سلام خوانند از فقیر محمد ارشاد حسین سلام مسنون و نیاز مشحون
و اشتیاق ملاقات از حد افزون و مشکوری ادعیه سامیه اجابت مقرون واضح باد چو با
حبیب نشینی و باده پیمائی بیاد آر محبان باده پیما را مکتوب صدور یافته سوم هم بصاحبزاده
[illegible] صدور یافته در بیان رضا بقضا و متضمن اشتیاق و غیر ذلک بسم الله الرحمن الرحیم فرزندی اعزی
ارشدی سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون و دعوات ترقیات و اشتیاق مشحون مطالعه
نمایند مکتوب مرغوب بعد از میعاد آن که دل را اسباب آن تشویش بود رسید بر منور حرض مطلع
گردانید [illegible] تعجب [illegible] ازان [illegible] آگاهان خستند [illegible] میکردم حالا حد انتظار گذشت

تا کی انتظار خواهند کشید چون مفارقت از ارادهٔ الله سبحانه جز واقع شد رضا بالقضا ساخته متوجه
امجد و دستور نیز همراه رفقا خواهند رسید خواهند آمد یکبر در مفارقت آن قرة العین برابر یک
سال میگذرد از کشاکش اضطراب نجات بخشند که بدون ایشان طرح راحت نیست و سلام از دو کرده
خویش بعد دعا همین مضمون خواهند از ادام الفضل در ابت الجمیل شیخ احمد حاجی برسد اخوی
اعزی امجد ارشدی جامع کمالات صوری و معنوی محمد مظهر صاحب سلمه الله سبحانه از عبد الرشید بعد از
سلام گذارش آنکه اگر مبلغها برای خریدن مراد اید نیز در آن عزیز از جان نباشند از شیخ
جمال الدین صاحب قرض گرفته خرید نمایند و ضرور همراه خود آرند وقت رسیدن ایشان مبلغها فرستاده
خواهد شد و شیخ جمال الدین صاحب را هم از مضمون خط مطلع نمایند و حاجی عبد الغفار را سلام برسد
از فقیر محمد ارشاد حسین عفی عنه سلام مسنون و اشتیاق ملاقات از حد افزون مطالعه فرمایند و از طرف
اخی اعظمی مولوی ولی النبی صاحب نیز سلام مسنون مطالعه فرمایند و از عزیز میان جمیل الرحمن
نیز **مکتوب صد و بیست و چهارم نیز بنام صاحبزاده ممدوح صدور یافته متضمن دعا دخول بوطن مالوف**
و غیره ذلک فرزندی اعزی ارشدی سلمه الله الولی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون و دعوات
ترقیات مشحون مطالعه نمایند الحمد لله که خط روانگی آن قرة العین غره شهر حال رسیده مسرور ساخت
الله تعالی بحفظ خویش طی منازل نموده داخل وطن مالوف گرداناد و در رفقایش مالاده را نیز امان در رحم
الله عبداً قال آمیناً و ما تحریر که بنام ایشان است همه صغیر و کبیر تحریر طرا اهلیه حاجی عبد الغنی صاحب بعارضه بخار
و ورم رحم بیمار است الله تعالی شفا عنایت فرماید فقط از فرزندی میان عبد الرشید و میان محمد عمر و جمیع
اکابر و اصاغر سلام مسنون مطالعه نمایند و از فقیر محمد ارشاد حسین عفی عنه سلام مسنون بپذیرا باد و از اخی
مولوی ولی النبی صاحب نیز **مکتوب صد و بیست و پنجم بنام ابن الکرام ایشان دولت محمد صدور یافته در**
بیان ارسال مکتوب شریف جواباً بقا [illegible] و غیره ذلک بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی

شدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون گذارش آنکه رقیمتین الکریمتین
در روانگی برای طلب جواب خط قاضی صاحب رسیده بود چنانکه جواب خط قاضی صاحب بر سبیل ڈاک
فرستاده ام انشاء الله تعالی رسیده باشد باقی حالات اینجا معروض آنکه بسبب ماه رمضان بقدر مقدور
مکتوبات از فرزندان سلام برسد **مکتوب صد و بیست و ششم بحقائق و معارف آگهی مولوی معز الدین صاحب**
[illegible] صدور یافته در بیان جواب سوالهای ایشان بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله
ذی الطول و الآلاء و الصلوة و السلام علی سید الانبیاء و آله و اصحابه البررة الاتقیاء لا سیما الخلفاء الاربعة
الذین هم کالنجوم الاهتداء **السوال** انه هل یجوز النوکری للنصاری میاومة و مشاهرة و معاومة او مطلقة
وهل کان فیه تفصیل و علی تقدیر عدم الجواز هل یفضی الی الکفر و علی تقادیر عدم الافضاء هل یحل لهم اخذ الاجرة
و علی عدم الحل لهم هل کان حل اخذ عطیاتهم ام لا و کان ما یاخذ الرئیس من النصاری سواء کان بخشش
او غیره و سواء کان الرئیس من المعمر المامون او المخوف من قطاع الطریق مثل النوکری ام دونه **الجواب**
ان الموجر نفسه من النصاری و غیرهم من المشرکین مکروه للمسلمین عند اهل التحقیق قال المهلب کره اهل العلم ذلک
الا لضرورة بشرطین احدهما ان یکون عمله فیما یحل للمسلم فعله و الآخر ان لا یعینه علی ما یعود ضرره علی المسلمین
کذا نقل العینی حاشیة الصحیح البخاری و لا یریبک ما قال الفقهاء من ان المسلم اذا اجر نفسه من ذمی بالاجرة او اخذ
الاجرة علی بناء الکنیسة او البیعة ای ترمیمها یجوز و یطیب الاجرة لانه محمول علی الضرورة و الا فخدمة
المسلم الکافر لا یخلو عن اذلال نفسه و هو مکروه بالاتفاق الا لضرورة داعیة الیها و لا یؤدی الی [illegible]
الی حد الکفر و لا ینبغی للمسلمین ان یاخذوا من عطیاتهم لانها تخلیة من الکراهیة و علی هذا لا یجوز لاهل
الاسلام مطلقا ان یاخذوا من النصاری اجرة اجراء الاحکام لتقتضی تولیتهم التی تخالف الشرع و لا یعادهم
علی ذلک و لا یجوز اخذ اجرة القتال معهم من المسلمین و لا اخذ اجرة عمل تؤدی الی تعظیمهم و اذلال المؤمنین
[illegible] عطیاتهم [illegible] انه هل یجوز لنا اماحتهم بالاجرة علی تقدیر جواز [illegible]

بالاجرة والصلوة خلفهم وعليهم عند الموت على تقدير عدم الكفر يعني انهم كالفساق ام مثل قطاع الطريق
وقاتل الابوين والبغات في عدم الصلوة عليهم الجواب يجوز اما منهم بالاجرة على تقدير جوازها بالاجرة ان
لم يكن المال مما اخذ من النصارى بوجه الكراهة ويجوز الصلوة عليهم وخلفهم لان النصارى ام [illegible]
وهو لا يخرجهم عن دائرة الاسلام ولا يدخلهم في البغاة وغيرهم الذين لا يجوز الصلوة عليهم سوال انما حكم الذين
الذين خرجوا [illegible] ان كلاهما مثل البغات ام لا مثل بعض السارقين واخذوا من القوم مواشيهم وذهبوا
الى قومهم فيا المأخوذ منهم خلف السارق ولم يعطوا ما اخذوا والقوم محاربون مع السارقين حتى اشتكوا الجواب
الذين خرجوا خلف السارق وقطاع الطريق لتخليص اموالهم المسروقة منهم وقاتلوا معهم يجوز لهم وان قتل منهم شهيد
قال في الدر المختار يجوز ان يقاتل دون ماله وان لم يبلغ نصابا ويقتل من قاتله عليه لاطلاق الحديث صح
ومن قتل دون ماله فهو شهيد انتهى [illegible] وفي حاشيته وهذا آخر ما اوردنا في الجواب والله سبحانه اعلم بالصواب وبه التوفيق
وبيده ازمة التحقيق مكتوب صد و بيست و هفتم بابن كه [illegible] دولت محمد صدور يافته در بيان سفارش [illegible] محمد
[illegible] ترهات وغير ذلك بسم الله الرحمن الرحيم اخوي اعزي ارشدي حاجي صاحب سلمه الله تعالى از فقير احمد سعيد
بعد از سلام مسنون گذارش آنكه فقير مع الخير تا به [illegible] رسيديم و برادرم [illegible] شد داد محمد را از [illegible] جهت
نمودم كه جهت شريف خاطر خواهد شد از توجهات دريغ نفرمايند كه مخلص صميمي فقير است [illegible] برادرم
ورفقا سلام مسنون برسد جميع دوستان اينجا مخصوص بدعا اند و مكتوب ايشان مصحوب برادرم رسيد
مكتوب صد و بيست و هشتم بابن كه [illegible] ايشان دولت محمد صدور يافته [illegible] متضمن سفارش [illegible] و غير ذلك
ودعا [illegible] بسم الله الرحمن الرحيم اخوي اعزي ارشدي حاجي صاحب سلمه الله تعالى از فقير احمد سعيد
گذارش آنكه فقير مع الخير [illegible] رجب داخل [illegible] گرديم چند روز [illegible] مقام [illegible]
در روز دوشنبه روانه مقصود خواهم شد ان شاء الله تعالى از دعا [illegible] حامل رقيمه [illegible]
از مخلصان خاص فقير است [illegible] مشار اليه برادران [illegible] حتى الامكان [illegible] باشند

[illegible] ارشدي فقير خواهد شد والسلام از فرزندان و برادران و رفقا سلام خوانند مولوي عز الدين و دولت
خان و مولوي رحيم بخش و مير عالم خان و مولوي محمد حسن و ناظر محمد صلاح و جميع آشنايان سلام
رسانند فقط مكتوب صد و بيست و نهم بابن كه [illegible] دولت محمد صدور يافته در بيان داخل شدن [illegible]
[illegible] و عزم [illegible] گرديدن [illegible] شريفين [illegible] ان شاء الله تعالى [illegible]
[illegible] فقير بسم الله الرحمن الرحيم اخوي اعزي ارشدي حاجي صاحب حاجي دولت محمد صاحب سلمه الله تعالى از
فقير احمد سعيد بعد از سلام مسنون مطالعه فرمايند الحمد لله كه بتاريخ هفتم ماه شعبان داخل بندر ممبئي گرديم
عنقريب روانه حرمين شريفين خواهيم شد خاطر شريف جمع دارند و بكار خود سرگرم باشند و بدعا غائبانه
مدد و معاون بوند والسلام بجميع دوستان و مير [illegible] خان سلام رسانند مكتوب صد و سي ام بابن كه
[illegible] دولت محمد صدور يافته در بيان [illegible] بيت الله شريف شدن [illegible]
[illegible] بالخير [illegible] دعا نمودن [illegible] بجميع احباب بسم الله الرحمن الرحيم
اخوي اعزي ارشدي حاجي دولت محمد صاحب سلمه الله تعالى از فقير احمد سعيد بعد از سلام مطالعه فرمايند الحمد لله
كه بخيريت تمام مع متعلقان داخل بيت الله شريف گرديم و دعا برای [illegible] بجميع احباب
نموده ام لازم كه بهمه حاجيان كه اخلاص بفقير دارند بعد از سلام اطلاع [illegible] طلب
فاتحه [illegible] الكفايه [illegible] والسلام مكتوب صد و سي و يكم [illegible] دولت محمد صدور يافته
[illegible] در بيان رسيدن [illegible] معظمه و طلب كتب شريفه اخوي اعزي ارشدي حاجي [illegible] محمد صاحب
سلمه الله تعالى از فقير احمد سعيد بعد سلام مسنون مطالعه فرمايند الحمد لله كه فقير مع متعلقان بخير و عافيت در مكه
معظمه رسيده ديروز كه بيست و هفتم صفر ۱۲۶۵ [illegible] بود [illegible] مكتوب [illegible] ايشان [illegible]
مسعود [illegible] ساخت و از [illegible] مولوي غلام حسن صاحب [illegible] ديروز رسيده [illegible] محمود [illegible]
رفقاي فقير [illegible] معلوم [illegible] لازم است كه [illegible] زاد و راه [illegible] در [illegible]

مذکور معلوم بوده تا مبنی رسانند از مبنی شیخ جمال الدین روانه بغوب عزم مرا در حج رمع شیخ
مذکور تا مبنی وا رسید بود ایشان است چنانچه سابق فقیر از ایشان تدبیر ارسال کتب مع دو رفیقان
مذکور گفته هم بود و بجمیع محبان و مخلصان سلام مسنون رسانند مکتوب صد و بیست و دوم در بیان
نوشته شد صدور یافته در بیان دعاء الفقیر و اداء بعض مشتمل بر جناب قطب الاولیا و از نمودن مراتب
شریف العهد و شریفه نموده و رد و صلوات بر سید المرسلین صلی الله علیه و علی آله و صحبه و سلم جا ظهور بسیار محظوظ
عنایات گردیدن و از تحریر در بیان بیرون است در مرضی حضرت صلی الله تعالی علیه و آله ملیده مبارک اختیار
نمودن وقت الی الحق صلی الله علیه و سلم نمودن و طلب گشت کرده و احوال خانقاه و غیر ذلک

بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد از سلام مسنون
و دعوات ترقیات مشحون مطالعه فرمایند الحمد لله که فقیر تا تحریر رقیمه هذا بخیریت است و المسئول من الله سبحانه
سلامتکم و عافیتکم و ترقیاتکم الصوریة و المعنویة از انعامات حق سبحانه و عنایات حبیبه صلی الله علیه و سلم
چه شرح دهم که لا تعد و لا تحصی است ٭ اگر بر تن من زبان شود هر موی ٭ یک شکر وی از هزار نتوانم گفت
چهار ماه در مکه معظمه اقامت نموده فیوضات و برکاتش بی اندازه که متعلق به اوقات عظمت و کبریائی
او است بهره ور گشتم بعده در ماه ربیع الاول بعزیمت زیارت روضه منوره متوجه مدینه شریفه گردیدم
فنا یافتگی جناب سید المرسلین برین کمینه مبذول فرمودند و مغفر نمایند معلوم در بیان محبت لطیفی صدوری
و لا نطلق [illegible] مناسبت گنجائی تحریر ندارد حالا بمرضی حضرت صلی الله علیه و سلم اقامت
این مدینه مبارکه اختیار نمودم الله تعالی هر چون جوار حضرت صلی الله علیه و سلم فرمایند آمین نامه فقیر که در دو دو
مولوی غلام حسن رسیده اند از آنجا مبنی نزد شیخ جمال الدین کشمیری تاجر رسال رسانند در جناب
تاکید مزید بلقمور نمایند و بجمیع مخلصان آنجا سلام مسنون رسانند و از فرزندان و برادر صاحب سلام مسنون
مکرر الکمه العظمی از حال خانقاه بدر رفت رسیده باشد از آن مطلع سازند که کدام درویش در آنجا

در آنجا مقیم است گردیده و نیز صورت احوالش بظهور رسیده باشد فقط احقر العبید محمد مظهر سلام و دعوا
میرسانند و طالب دعا است حق تعالی جناب شما را و احقر را باستقامت ظاهری و باطنی داشته
بر ضیات و فرحش معنیض فرماید از خاتم الوقت عنایت الله خان سلام مسنون سلخ رجب ۱۲۴۳ هجری المعلی
مکتوب صد و بیست و سوم ایں کمینه در دست خط صدور یافته در بیان مقیم بودن جناب حضرت
نبی الله رخ دراه متعلقان خویش بوده نموده و رسیدن کتب تبرکات مکه معظمه و شتر
بجناب شیخ میر غلام حسین رسیده و تبرکات خط فرستادن تبرک بان فقیر بطالب احوال خیر و احوال ربطی
و خانقاه شریف و در تکمیل آبادی خانقاه و مسافر نوازی است و اطلاع فرمودن بفقیر از احوال ظاهری و باطنی
خویش و اقیمو امری بانفقیر در تعهد مواد نمودن و دعا نمائید و در حق جناب حضرت قبلی و غیر ذلک
و غیر ذلک بسم الله الرحمن الرحیم اخوی اعزی ارشدی حاجی دوست محمد صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید
مجددی بعد سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه فرمایند الحمد لله که فقیر تا تحریر هذا الکتاب بتاریخ نزد هم شهر
ذیقعده دست بمه متعلقان بخیریت تمام در مدینه منوره علی صاحبها الصلوة و السلام مقیم است و المسئول من الله
سبحانه سلامتکم و عافیتکم رقیمه کریمه مع کتب مصحوب حاملش رسید تا بمکه معظمه رسیدال محمد علی و ذلک ان شاء الله
تعالی حالا نزد فقیر خواهد رسید خاطر شریف جمع نمایند و طرد ان تبرکات شیرآ آنجناب هم آنجا نزد فقیر
خواهد رسید تبرکات را ملاحظه نموده تبرکی از آن برای آنجناب فرستاده خواهد شد لازم که نوشته بنگارش
حالات خویش مشتمل بر خیریت خود و احوال دعلی و احوال خانقاه شریف نوشته [illegible] و از آن اطمینان
خاطر خواهد شد فکر آبادی خانقاه از همه چیز پیش نظر باشد که سعادت دارین در آن متصور است حاجی
نورنگ خان هم از برکات که آنجا هستند و نیز حال ایشان و میر عالم خان و دیگر همه مخلصین آنجا سلام
مسنون رسانند از برادر عزیز از جان و فرزندان و متعلقان سلام مسنون خوانند الحمد لله که اوقات فقیر
بجمعیت گذشت مرد مان مکه معظمه بیشتر اخذ طریقه کردند اکثر درویشان هم داخل طریقه شده مشغول شده اند

هر کسه وقت حلقه و مراقبه و ختمات معمول جاریست الله تعالی خاتمه بخیر کند امید از دوستان دعای حسن
خاتمه است لازم که از دعای غائبانه مدد و معاون بوده باشند زیاده چه تصدیع دهد فقط مکتوب
و سی و چهارم بامحمد علیخان مرتب که یکی از مریدین مخلصین حضرت اند صدور یافته متضمن بعضی تعلیم آیت
شریفه برای حصول صحت عارضه قلب و غیر ذلک بسم الله الرحمن الرحیم خانصاحب مهربان عزیز از جان محمد
علی خانصاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد سلام مسنون دعوات صحت عافیت مقرون مطالعه فرمایند
رقیمه کریمه بورود مسعود مسرت بار رسانید و مزید حرص بهم رسید الحمدلله تعالی صحت کامل عنایت فرماید وظیفه
هر دو آیت را معمول دارند انشاء الله تعالی سودمند خواهد شد و طریق خواندنش این است صد بار صبح و صد
بار شام ورد فرمایند و بعد خواندن دعای صحت نموده باشند و در دو هفت هفت بار اول آخر [illegible]
آیت مذکور جهت ربانی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا
من لدنک رحمة انک انت الوهاب و تا حصول ملاقات بذکر اشتغال شده باشند از برکت ذکر وسواس دفع خواهند
شد سوره قل اعوذ برب الناس بعد هر نماز سه سه بار خوانده بر قلب دمیده باشند و کلمه لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم صد بار صبح و صد بار شام معمول فرمایند و فقیر هم از دعا و توجه غائبانه قصور نخواهد
نمود فقط والسلام مکتوب صد و سی و پنجم بخانصاحب موصوف متضمن [illegible] و غیر ذلک صدور یافته بسم الله الرحمن الرحیم
خانصاحب مهربان عزیز از جان محمد علیخانصاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید عفی عنه بعد از سلام مسنون
دعوات [illegible] و معنوی و صحت ظاهری و باطنی مشحون مطالعه فرمایند رقیمه کریمه بورود مسعود
مسرت بار رسانید در او خویش که مرقوم ساخته اند بسیار خوب شد باید خواند و طریق ختم و مناجات بعض
مستحسن است و معمول خاندان ما غیر است اگر عمل دارند مضائقه نیست الله تعالی [illegible]
و ذکر اسم ذات بیجز از بار از لطیفه قلب بخیال چنانچه تعلیم نموده ام کرده باشند [illegible]
صورت فقیر رو برو در دل خود وقت ذکر نموده باشند و بعد صد بار بخیال بگویند که الهی مقصود من [illegible]

من تویی و رضای تو محبت و معرفت خود عنایت کن بلکه انشاء الله تعالی فائده آن ظاهر
خواهد شد جلدی نفرمایند که صحبت کم شده است اعوذ بکلمات الله التامة کلها من شر ما خلق بسم الله
الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء و هو السمیع العلیم سه سه بار صبح و شام
خوانده باشند تا فقه نمود والسلام مکتوب صد و سی و ششم بخانصاحب ممدوح متضمن رسیدن [illegible]
[illegible] و غیر ذلک صدور یافته بسم الله الرحمن الرحیم خانصاحب مهربان عزیز از جان احمد علی خان
صاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید مجددی بعد از سلام مسنون و دعوات صحت و عافیت مشحون مطالعه
فرمایند رقیمه کریمه معه پرچه هندوی مبلغ بیست و پنج روپیه بورود مسعود مسرت بار رسانید مبلغ مرسله
تمام بوصول در آمد جزاکم الله سبحانه عنی خیر الجزاء و شفاکم الله تعالی شفاءً عاجلاً بحرمت حبیبه
الاکرام صلی الله علیه و سلم دعا برای شفا وقت سحر و دیگر اوقات هم نموده میشود الله تعالی اجابت
فرماید و سببی سازد که ملاقات ظاهری حاصل گردد و تا حصول آن بدعای غائبانه قصور نخواهد شد
امید قویست که اجابت خواهد فرمود و در رمضان شریف مرقومه نیز رسید مکتوب صد و سی و هفتم
بخانصاحب ممدوح در بیان تعلیم آیه شریفه برای پیدا شدن زیور خانگی ایشان صدور یافته
بسم الله الرحمن الرحیم خانصاحب مهربان عزیز از جان احمد علی خانصاحب سلمه الله تعالی از فقیر احمد سعید بعد
سلام مسنون و دعوات ترقیات مشحون مطالعه نمایند رقیمه کریمه رسید منبئ از خبر صحت بود الحمدلله از
دریافت صحت مزاج فی الجمله تسکینی حاصل شد الله تعالی صحت کلی عنایت [illegible]
زیور خانگی تردد [illegible] گشت الله تعالی پیدا آرد و بعد هر نماز عشا آیه شریفه یا بنی انها ان تک
مثقال حبة من خردل فتکن فی صخرة او فی السموات او فی الارض یأت بها الله ان الله لطیف
خبیر یکصد و نوزده بار و همین قدر یا حفیظ هر دو را ورد سازند تا زمان یافتن آن و یک تیغ [illegible]
ملفوف خط بنام [illegible] از زیر سنگ بنهند انشاء الله تعالی دعا خواهم نمود و نیز نموده شد

بر الوکم رسیده [illegible]



۱۲۴

الله تعالی با جابجت مقرون گناد فقط والسلام مکتوب مبارک بیست و هشتم بنام صاحبزاده عالی جاه

حضرت شاه غلام صدیق صاحب قدس سره در بیان التماس اعانت ... بسم الله الرحمن الرحیم

بجناب معلی القاب صاحبزاده عالی النسب والاحسب سلالة الامجاد والکرام نتیجة المشایخ

العظام مخدوم و مطاع نیاز کیشان ملجاء و ملاذ عقیدت اندیشان قبله ارباب تحقیق حضرت

مولانا غلام صدیق صاحب دام عنایتهم از کمترین درویشان ملک نکو و عار ایشان احمد سعید مجددی

کان الله له عوضا عن کل شیء بعد از ادای مراسم تحیه سلام مسنون و تحیة و التسلیمات القولیة و الفعلیة

مکشوف خاطر فیض مظاهر باد الحمد لله که احوال فقرای مجددیه بفضل رب المعبود مستوجب سپاس اکرم

رب ودود است صحت و سلامتی ذات بابرکات معه فرزندان و متعلقان از درگاه منان مستدعی

باشیم عنایت نامه مرسله و صحیفه گرامی مشتمل بر خیریت ذات ستوده صفات در اسعد زمان و فرخنده اوان

نزول اجلال فرموده معزز و ممتاز ساخت از دریافت صحت مزاج مبارک حمد خداوندی بجا آوردم

او تعالی جل شانه علی الدوام آن عالی مقام را در حفظ و حمایت خویش نگاه داشته فیض بخش عالم و عالمیان

کناد و موجب رواج طریقه شریفه مانند آبای کرام آن والا مقام و اجداد کرام این کمترین ...

در دعا نیز یاد میفرموده باشند که از دعای بزرگان امیدوار عافیت و برای حاجی حبیب ...

محمد نیز تائید و تقویت میفرموده باشند چه ایشان یکی از مخلصان این خاندان اند و بعضی اهالیان

آن بلاد ... جهاد میدارند و پیوسته بارسال عنایت نامها متضمن صحت مزاج فیض امتزاج

سرافراز میفرموده باشند چه نیازمندی دوران متصور است فقط بخدمت صاحبزادگان والا همت

بلیغات از کمترین و بنده زاده محمد عبد الرشید و محمد عمر و محمد معظم و دیگر خوردان ... واضح باد

و بخدمت فیض درجت نیز از اینجا آداب نیازمندانه پذیرا باد و از برخوردار محمد عبد الرشید

خاصه بعد از هزاران تمنای قدمبوسی ... التماس اینکه از عنایت نامه نامی تکلیف

۱۲۳

تکلیف است کتاب نسخه عینی شرح صحیح بخاری شریف دریافت تمنا آن است که بارسال سرافرازی

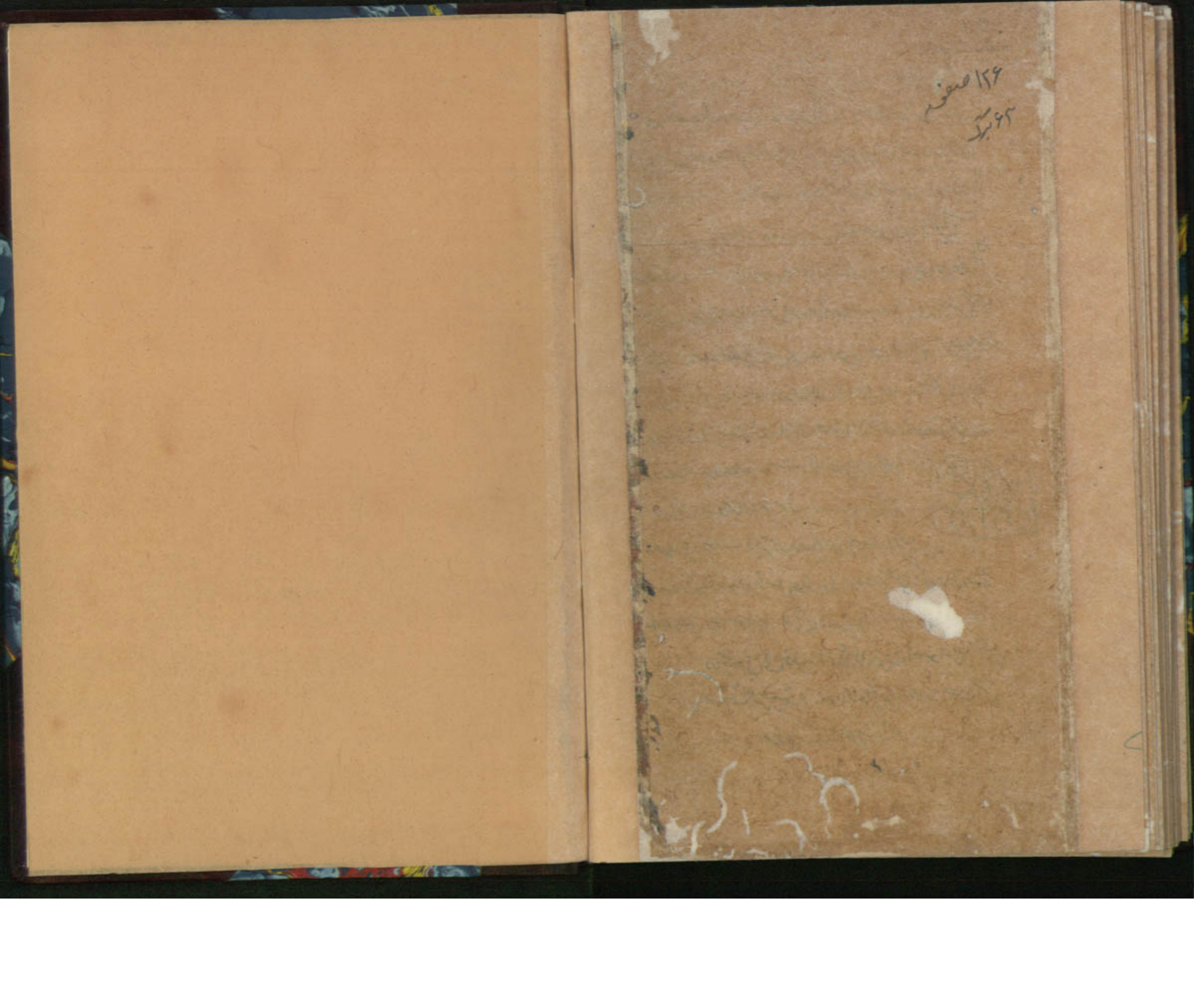
عنایت است کتاب تمام و کمال و تصحیح اهتمام منضم شده و بعد از آن بشرف وصول آن ممتاز شوم فقط

مکتوب حضرت صاحب زاده محمد عمر صاحب بر حضرت حاجی
دوست محمد صاحب صدور یافت

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی احل الاستقراض لعباده من عباده الصلحاء
واباح السوال عند مساس الحاجة للفقراء واجاز قبول الهدایا
اذا کانت لطیب نفس المهدی واجاز ردها فی حالة الغناء و
الصلوة والسلام علی سیدنا محمد الذی کان یقرض ویستقرض ویهدی
السلیمین ویهدی من الاحباء اما بعد الحمد والصلوة وتبلیغ السلام
والتحیات از احقر البشر محمد عمر کان الله له عوضا عن کل شیء بخدمت
سالک مسالک طریقت ناهج مناهج حقیقت مجمع فیوض سبحانی منبع
علوم روحانی حضرت حاجی دوست محمد صاحب ادام الله سبحانه فیوضکم و
بقائکم علیکم سلام مسنونة الاسلام واضح باد صحیفه عنایت لفیف مع هدایا محبوب
ارسالنمودن موصول مطالعه فقیر گردیده موجب مسرت وابتهاج گردید
از انجا که حضرت حق جل وعلی کفیل جمیع حاجات وحاجت روائی کافه
بریات [illegible] ام خویش حسرم را بعسر مبتلی نموده وزمانه احتیاجم
مفترض نموده وبدابای مرقوم باله همه حاجات فقیر افزون وزاید است
وطریق حضرات سلف رضی الله عنهم در قبول آنچه زاید از حاجت باشد در
کتب سلوک طریقت والتوب خلاف محرر ومرقوم و ممنوع ومذموم است
لهذا کان صلی الله علیه وسلم یقبل من بعض الناس ویرد علی بعض لطویل

ودر تفصیل آن احتیاجی نوابد نیست آیا آتانی الله خیر مما اتاکم
بل انتم بهدیتکم تفرحون بهتر از ارسال تحفه وهدایا آن است
که فقیر را با وقات مخصوصه بدعای حسن ختام وفوز مرام یاد دارند
عنایت محبت وکمال شفقت همین است منجمله آن بنظر اتباع سنت
فقیر رسول بمضمون المنصوص حلوی صرف کرده شد وبکیسه وکلاه فقیر برای
برخوردار فرزندام ابوالخیر عبدالله سپرده کرد باقی نقد وجنس مرسل
خدمت است لتصرفوا الی من هو احوج من الفقیر وآن منبع فیوض
در ارسالش مثاب وماجور انه لان الاعمال بالنیات لکن چون
فرستادنش از ینقدر بعید مسافت خالی از تکلف ولعذر نیست
واقتصار بر دعا ندعالت والسلام خیر ختام
مکرر آنکه ارسالنمودن مرسول در عدم ارسال اشیا
اصراری داشت فقیر از مصالح خود استرداد ش
مناسب انگاشت از مرسل ومرسول هر دو زعلی وکدورتی ندارد
بلکه راضی وخوشنود است جزاکم الله خیرا
ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انک
رؤف رحیم فرزندی ابوالخیر عبدالله مسنون میرساند
مرقوم بیست وششم محرم سنه ۱۲۹۲ھ



۱۲۶ صفحه
۶۳ برگ

